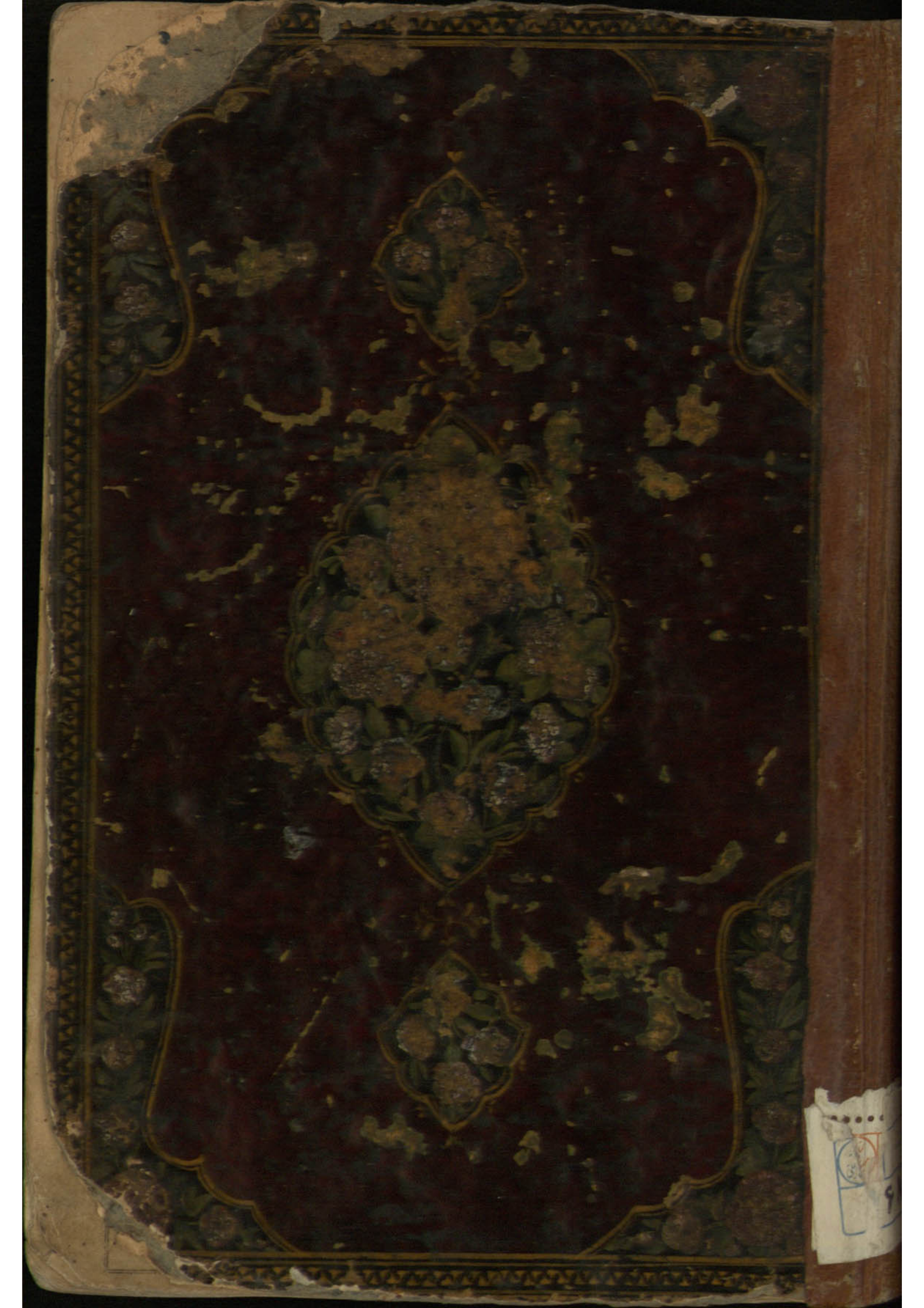










بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین بعد از حمد ملک علام افتتاح کلام
بنام سید انام علیه افضل التحیة والصلوة والسلام وعلی
آله واصحاب الطاهرین الکرام اما بعد این دیباچه مختصر معانی
حکمت بینات که مسمی به کتاب گلشن العلاج [illegible] الادویه است
بنام نامی والقاب همیون پادشاهی لایق باشد که جهان بنور
عدل شاملش روشن و بسیط عرصه هامون از یمن فضل
کاملش گلشن خسروی که انجم با وجود آنکه همگی چشم اند
صاحبقرانی چون او در هیچ قرن ندیده وافلاک با آنکه همه تن
گوش گشته طنین طنطنه صاحب دولتی باین مرتبه نشنیده
سعادت واقبال با موکب همیونش همعنان ظفر و نصرت در
ظل پرچم وچتر آسمان کونش غنوده تیغ برانش آفتابی است
تابان که چون عدوان را بر سمت الرأس خود بینند وقت
زوال دانند نی بل الشی است که دشمنان را در رزمگاه کشا
صف تو وخشک سوزد از ابر کف دریا نوالش چون درخشیدن

آغاز کند در معرکه رزمگاه چون برق لامع بر نهال جان دشمنان
زند و سیلاب خون از هر طرف روان سازد نسیم عنبر
شمیمش غنچه دلهای پژمرده اعدا بگشاید زمانیکه چون صبح
صادق از افق نیام برآید خفاش صفت دشمن سیاه روی را
جز فرار چاره نباشد تیرش حمایت بران که بر سم سفارت
از ملک الموت با حضار جان مخالفان دین اثنا عشری آمده ایوان
بارگاهش [illegible] اوات در رفعت اعلا پایه سریر بی
نظیرش سر بسر ثریا نهاده لی ذیب دوش ملک کشته کران
گلگونش فلک لا تدرکیست که آفتاب را یکروز از مشرق بمغرب
رساند و یا نضر طایر لیت که یکشبانه روز گرد جهان گردد
از غایت سرعت از نعل قمرسایش شراری خیزد که خرمن هستی
دشمنان و مخالفان را سراسر سوزد فرمان دهی و عادلی که
بدوران عدلش فریاد جز از مرغان چمن بر نیاید و بیداد غیر
از غمزه معشوق بر هدف سینه عاشق نرود آشوب در شکن
زلف بتان و فتنه در گوشه چشم جوانان بخواب ناز رفته
بجز از مژگان پریرویان کرا زهره آنکه تیغ عدوان کشد
نهضت و موکب اردوی کیوان شکوهش هر سمت عنان

منعطف سازد مخالفان از صیت صولت او انهضام یافته را
فنا گیرند رایات نصرت آیاتش هر شهر روی اقبال کشایند در حال
فتح باستقبال آید بحکم عدالت مراز کردن دشمن ضعیف بود

نظم فی مدحه خلد الله تعالی ملکه

شهی که گوی فلک را سوار اندیشش / چو گوی در خم چوگان امتحان آورد
بعهد معدلتش بره گرگ بچه را / گرفت کرک و کشانش سوی شبان آورد
فلک ز بهر علیق سمند او جو کاه / بشکل سنبله از راه کهکشان آورد
دگر کسی نتواند بر سم دست انداز / بدور دولت او دور بر کمان آورد

هو السلطان الاعظم والخاقان الاکرم الذی بید اقتداره
و بکف کفایته زمام نوع الانسان حامی بلاد المسلمین ماحی آثار
الظلم والجور والعدوان السلطان ابن السلطان ظل الله
فتحعلی شاه قاجار لازالت انوار رافته و خلد الله تعالی
ظلال خلافته الی ظهور قائم آل محمد صلی الله علیه واله اجمعین

در ظل آفتاب تو آسوده اند خلق / یارب مباد تا بقیامت زوال تو
شاها بنای ملک بتو پاینده باد / عمر تو همچو دولت پاینده باد
هر آنکو که در دل اندیشه بکند / هم چون عروس ملک ترا در کنار باد
هر گل که راحتی بدل آورد نسیم او / در چشم دشمن تو زنکت چو خار باد

کو در ممالک

کو در ممالک تو پریشانی بود / در زلف لعبتان خطا و ختا بود
نازل ترین منازل قدر تو بخت شد / عالی ترین مدارج خصم تو دار بود
آن اژدها که در دم او کره شود جحیم / بیش زبان رمح تو در زینهار بود
بازی که بر سر علمت دارد آشیان / هم واره کرکسان فلکش اشکار بود
بر مرکز مدار تو کان قطب دولت است / تا محور دایران فلک و مدار بود
در گرد مرکب تو که خلخال دولت است / در گوش آسمان ز شرف گوشوار بود
دار الممالکت که مقر سعادت است / از خرمی همیشه چو دار القرار بود
جائی که جلوه گاه عروس ظفر بود / بر فرق خصم گوهر تیغت نثار بود
از دفتر اسامی القاب بندگانت / اول وزیر سپهر دوم روزگار بود
تا هفت چرخ بر سر این چار عنصر است / حفظت همیشه بر سر این هفت چار بود

مثنوی

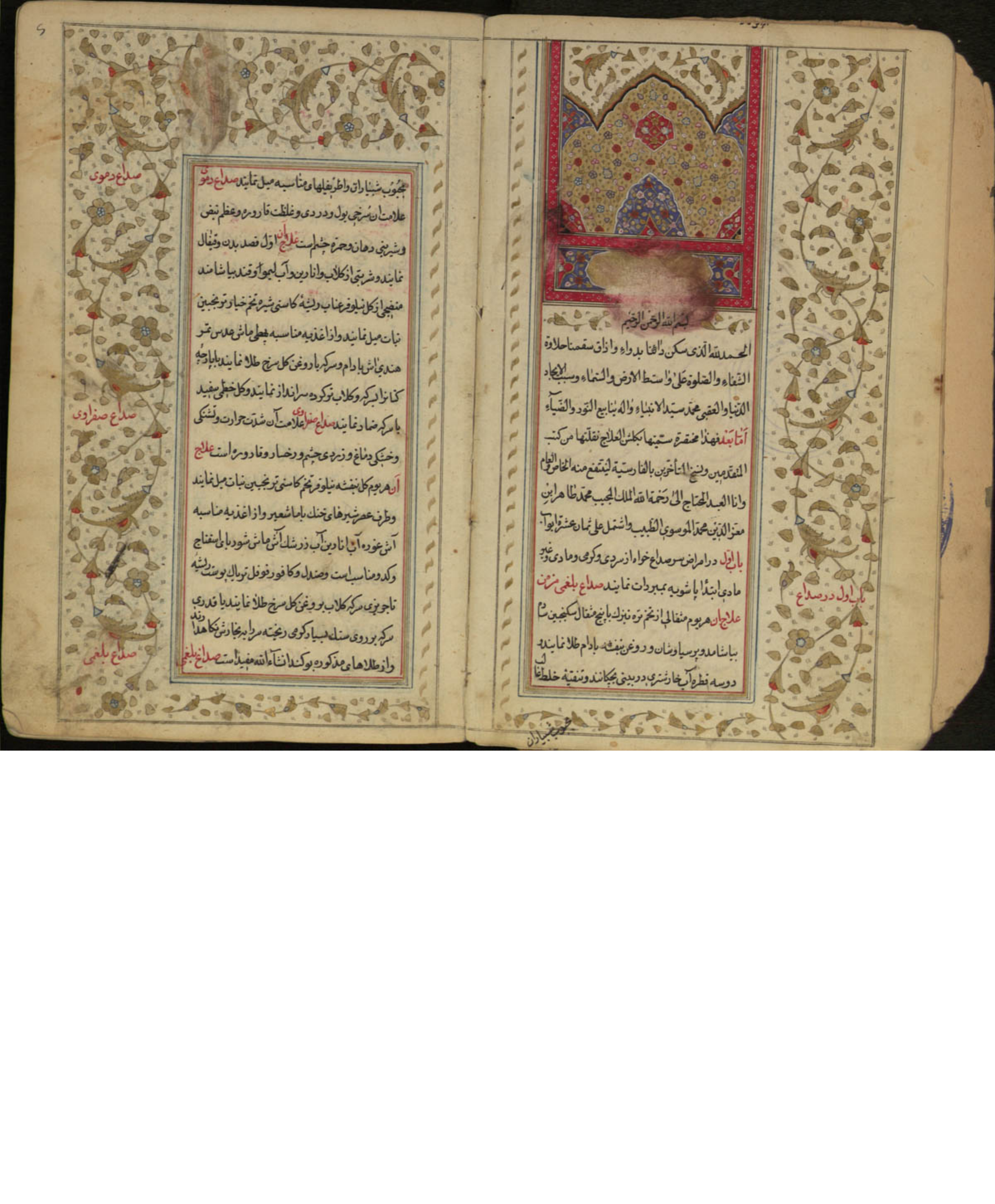
خسرو ممالک رقاب دین پناه / آفتاب مکرمت ظل اله
ذات پاکش همچنان و همچو مهر / تو اما نیز جا که ذره ... [illegible]
پیکرش کان سر بسر نور و صفاست / سایه انوار خورشید بقاست
بر تر از ایوان کیوان رتبتش / سوره انا فتحنا نصرتش
چون توانم از ثنایش دم زدن / دست در ذیل دعا خواهم زدن
پادشه در حفظ خود محسود داد / رایت اقبال او منصور داد

فهرست معالجات کتاب گلشن العلاج که مسمی به بستان الادویه است

فهرست معالجات گلشن العلاج و بستان الادویه



حسب الفرموده اعلیحضرت قدر قدرت ملایک صولت
کیهان رفعت ارفع اقدس امجد والا روحی و روح
العالمین فداه چاکر دولتخواه و غلامزاده درگاه
عرش پناه با عدم قابلیت و استطاعت [illegible]
این کتاب که مسند اول اطباء و ارباب [illegible]
این زمان آنکه [illegible] اتمام یافت
امید که چون بنظر اشرف خسرو جم جاه رسید
شرف قبول مقبول و اختصاص خاص یابد
کتبه العبد الاقل المحتاج محمد طهرانی ابن نورالدین
محمد المروی الطبیب بتاریخ شهر شعبان المعظم
من شهور سنه ۱۲۳۶ الهجریة النبویة صلوات الله وسلامه علیه و آله
و مرکب آن هم بعد از فراغت از کتاب اول [illegible] و
بیست و پنجم [illegible] نوشته شد



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی سکن داءنا بدواء واذاق سقمنا حلاوة الشفاء والصلوة علی واسطة الارض والسماء وسبب الایجاد الدنیا والعقبی محمد سید الانبیاء وآله ینابیع النور والضیاء

اما بعد فهذا مختصرة سمیتها بگلشن العلاج نقلتها من کتب المتقدمین ونسخ المتأخرین بالفارسیة لینتفع منه الخاص والعام وانا العبد المحتاج الی رحمة الله الملک المجیب محمد طاهر ابن معز الدین محمد الموسوی الطبیب واشتمل علی ثمان عشرة ابواب

باب اول در صداع

باب اول در امراض سر صداع خواه از سردی و گرمی و مادی و غیر مادی ابتدا با شوربه مبردات نمایند صداع بلغمی مزمن علاج آن هر یوم مثقالی از تخم تره تیزک با پنج مثقال سکنجبین شام بیاشامد و برسیاوشان و روغن بنفشه بادام طلا نمایند و دو سه قطره آب خارشتری در بینی بچکانند و تنقیه خلط غالب

صداع دموی

مجوب شیاف اتی و اطریفلهای مناسبه میل نمایند صداع دموی علامت آن سرخی بول و دردی و غلظت قاروره و عظم نبض و شیرینی دهان و حمره چشم است علاج آن اول فصد بدن و قیفال نمایند و شربتی از گلاب و انار دین و آب لیمو و قند بیاشامند منضجی از گل نیلوفر عناب ریشه کاسنی شیره تخم خیار ترنجبین نبات میل نمایند و از اغذیه مناسبه [illegible] ماش عدس تمر هندی آش بادام و سرکه با روغن گل سرخ طلا نمایند با پارچه کتان از سرکه و گلاب تر کرده سر انداز نمایند و گل خطمی سفید با سرکه ضماد نمایند

صداع صفراوی

صداع صفراوی علامت آن شدت حرارت و تشنگی و خشکی دماغ و زردی چشم و رخسار و قاروره است علاج آن هر یوم گل بنفشه نیلوفر تخم کاسنی ترنجبین نبات میل نمایند و طرف عصر شیرهای خنک با ماء الشعیر و از اغذیه مناسبه آش غوره آب انار دین آب زرشک آش ماش شود با اسفناج و کدو مناسب است و صندل و کافور فوفل تر ماک پوست ریشه تاجریزی سرکه گلاب روغن گل سرخ طلا نمایند یا قدری سرکه بر روی سنگ آسیا گرمی ریخته سر را بر بخارش نگاهدارند و از طلاهای مذکوره بو کند ان شاء الله مفید است

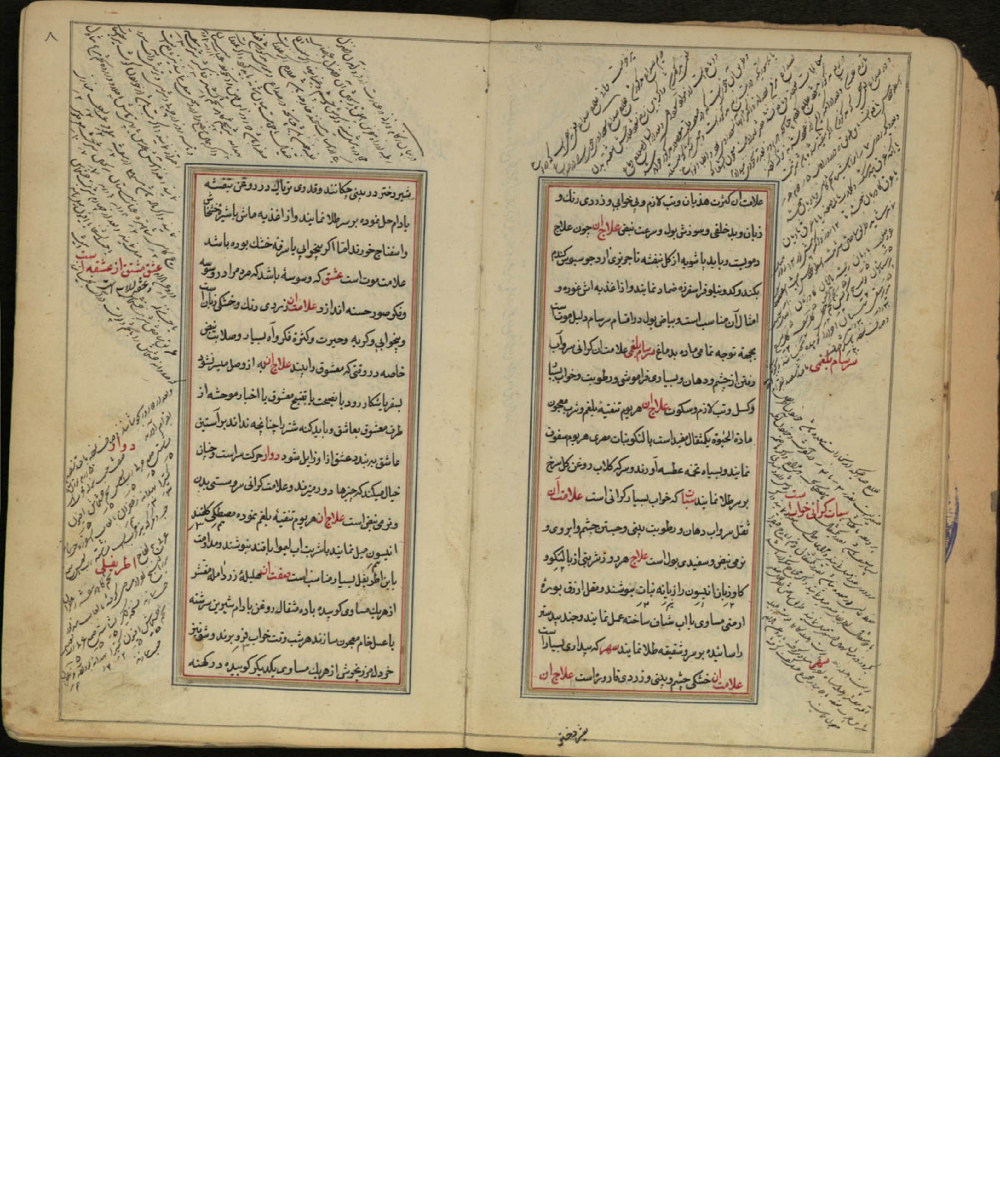
صداع بلغمی

صداع بلغمی



علامت آن رطوبت منخرین وکرانی سر وبسیاری اب دهان است وخواب
بسیار سنکین وبطی بودن نبض است وسفیدی بول علاج آن هر یوم
شربتی از کل قند دا زیانه میل نمایند وغذا نخود اب بکوشت کبوتر
بچه خودل فرفیون تو یاك سرکه بر پیشانی طلا نمایند شبت اکلیل الملک را
جوشانیده سر را بان بشویند صداع سوداوی علامت آن تیرکی وخشکی بینی
وزبان وفساد فکر است علاج آن ابتدا اب عوره واب زرشك وآب
انار دین وطرفهای عصر عرق بید با اندکی کلاب با شربتهای خنك میل
نمایند واکر اقوی باشد شربت افیتمون باید داد صفت آن افیتمون
در پارچه کتان بسته در نیمن تبوزاب بجوشانند تا نصف شود
صاف نموده نیمن قند داخل کرده بجوشانند تا نصف شود وبقوام
ابد هر یوم سه مثقال از ان میل نمایند وچنانچه حبوب مسهل احتیاج
باشد باز باید داده شود وروغن بنفشه بادام باکدو طلا نمایند
وغذاهای مناسب هیطی ماش با شیره بادام شود وانی اسفناج یا تم
هندی ماش برنج صداع اشمسی علامت آن قلت اب دهن وحرارت و
عطش وخشکی بینی وزبان است علاج آن تا سه روز سکنجبین ساده
داده درجای های سرد قرار کرد واب کل خطمی ولعاب ریشه خطمی
سفید طلا نمایند صداع بارد که از سردی هوا وخوردن اغذیه بارده رسد

علامت آن سردی اعضا وسفیدی بول است علاج شربتی از بالنکو
یکمثقال کاوزبان کل قند دا زیانه بنوشند غذا نخود اب بکوشت
دراج وتیهو وکبك باد ادچینی وزیره میل نمایند شقیقه
صداعی باشد که ماده ان کمتر باشد ودرد یك شق از سر است یا انکه
در شقی قوی وشقی ضعیف هم بهم میرسد علاج آن برك درخت کردو
ومورد وحنا با قندی کوفته ضماد نمایند یا صمغ عربی
تو یاك زعفران کوفته با کلاب خمیر کرده بر روی کاغذ مالیده
بر شقیقه چسبانند سرسام دموی ورمی باشد حاد در یکی از دو حجاب
که بر روی مغز کشیده است بهم رسد علامت آن تب مطبقه لازم
وکرانی سر وهذیان وخنده وعظم نبض وسرخی بول ورنك
روی علاج آن ابتدا فصد قیفال بقدر قوت وهر یوم منضجی از
کل نیلوفر بنفشه عناب سپستان تخم کاسنی شیرخشت میل نمایند
ودر روز پنجم داسنا مکی ومغز فلوس ترنجبین روغن بادام
اضافه نمایند بمراعات روز عمل نمایند تا سه چهار مسهل
خورده شود ولخلخه از صندل سفید آب سیب آب کشنیز
تازه شیر دختر آب خیار در پیش بینی نکاه دارند ودر بینی
چکانند واز اغذیه مبردات مناسبه میل نمایند سرسام صفراوی



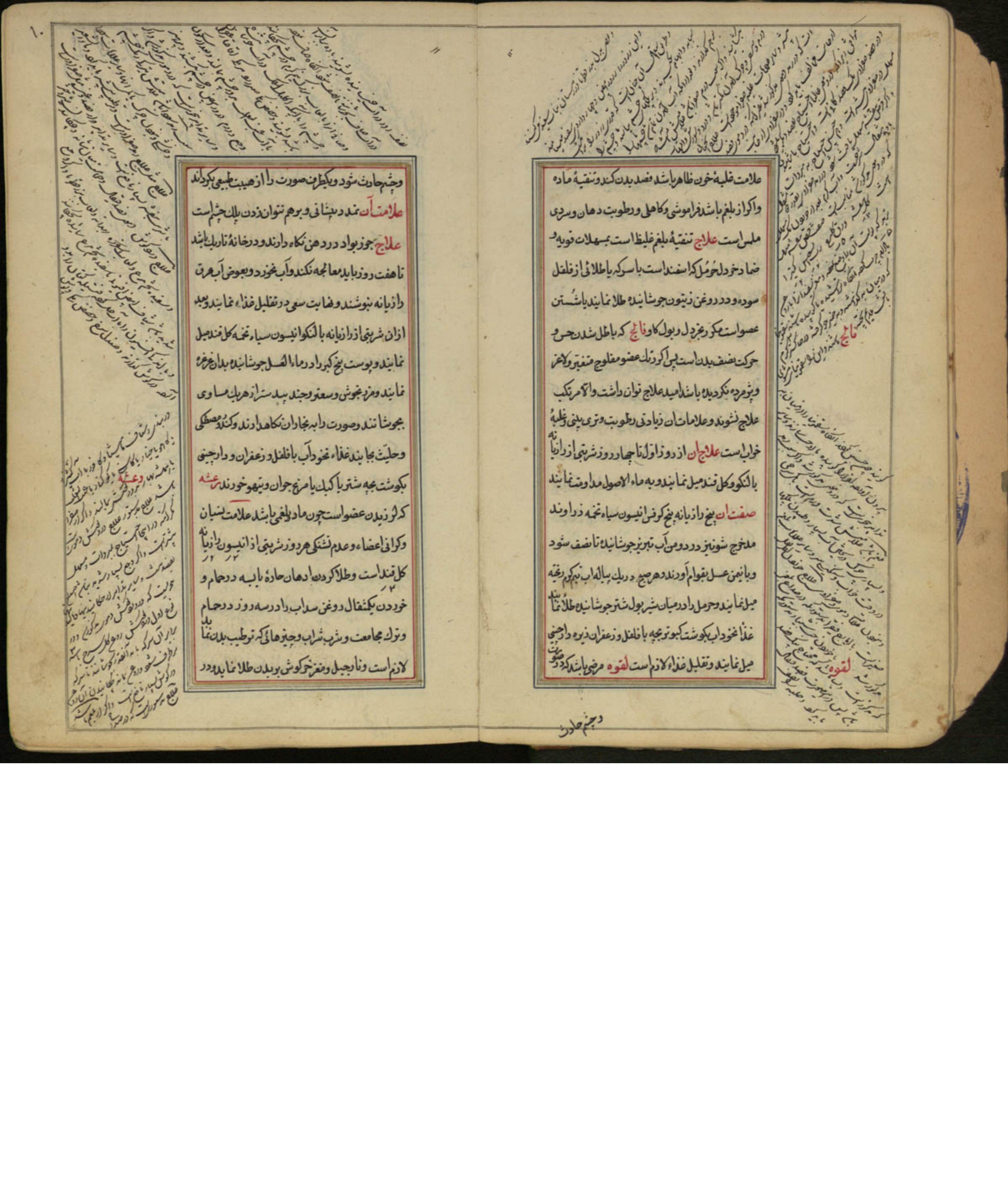
علامت ان کثرت هذیان وتب لازم وبیخوابی و زردی رنک و
زبان وبدخلقی وسوزش بول و سرعت نبض علاج ان چون علاج
دموبت وباید پاشویه از کل بنفشه تا جو پوست جو سبوس کندم
بکند و کدو و نیلوفر اسفرزه ضماد نمایند واز اغذیه اش غوره و
امثال آن مناسب است و بیاض بول در اقسام سرسام دلیل موت است
بجهة توجه تمامی ماده بدماغ سرسام بلغمی علامتان کرانی سر و آب
رفتن از چشم ودهان وبسیاری فراموشی و رطوبت وخواب بسیار
وکسل وتب لازم وسکوت علاج ان هر یوم تنقیه بلغم و شرب معجون
مادة الحیوة یکمثقال مفید است با النکو نبات مصری هر یوم سفوف
نمایند وبسیاه تخمه عطسه آورند وسرکه کلاب روغن کل سرخ
بو سر طلا نمایند سبات که خواب بسیار کرانی است علامت آن
ثقل سر و آب دهان و رطوبت بینی وجستن چشم وابروی و
نرمی نبض وسفیدی بول است علاج هر روز شربتی از با النکو
کاوزبان انیسون رازیانه نبات بنوشند ومقل ازرق بورق
ارمنی مساوی با آب شاف ساخته عمل نمایند وجند بیدستر
راسانیده بو سر و شقیقه طلا نمایند سهر که بیداری بسیار است
علامت ان خشکی چشم و بینی و زردی نارو است علاج ان

شیر دختر در بینی چکانند وقدری تریاک در روغن بنفشه
بادام حل نموده بو سر طلا نمایند واز اغذیه ماش باشیره خشخاش
واسفناج خورند اما اکر بیخوابی با سرفه خشک بوده باشد
علامت موت است عشق که وسوسه باشد که مردم مراد در وسوسه
وفکر صور حسنه اندازد علامت ان زردی رنک وخشکی زبان است
وبیخوابی وکریه وحیرت وکثرة فکر وآه بسیار و صلابت نبض
خاصه در وقتی که معشوق را بیند علاج ان به از وصل میسر نشود
بسفر یا شکار روند یا نصیحت یا تقبیح معشوق یا اخبار موحشه از
طرف معشوق بعاشق و باید که شعر را چنانچه نداند بر آستین
عاشق ببندند عشق زایل شود دوار حرکت سر است و چنان
خیال میکند که چیزها دور میزنند وعلامت کرانی سر و سستی بدن
ونرمی نبض است علاج ان هر یوم تنقیه بلغم نموده مصطکی کلقند
انیسون میل نمایند با شربت آب لیمو با قند بنوشند و مداومت
باین اطریفل بسیار مناسب است صفت ان هلیله زرد آمله مقشر
از هر یک مساوی کوبیده باده مثقال روغن بادام شیرین سرشته
با عسل خام معجون سازند هر شب وقت خواب فرو برند وشونیز
خردل مرزنجوش از هر یک مساوی یکدیگر کوبیده در کهنه
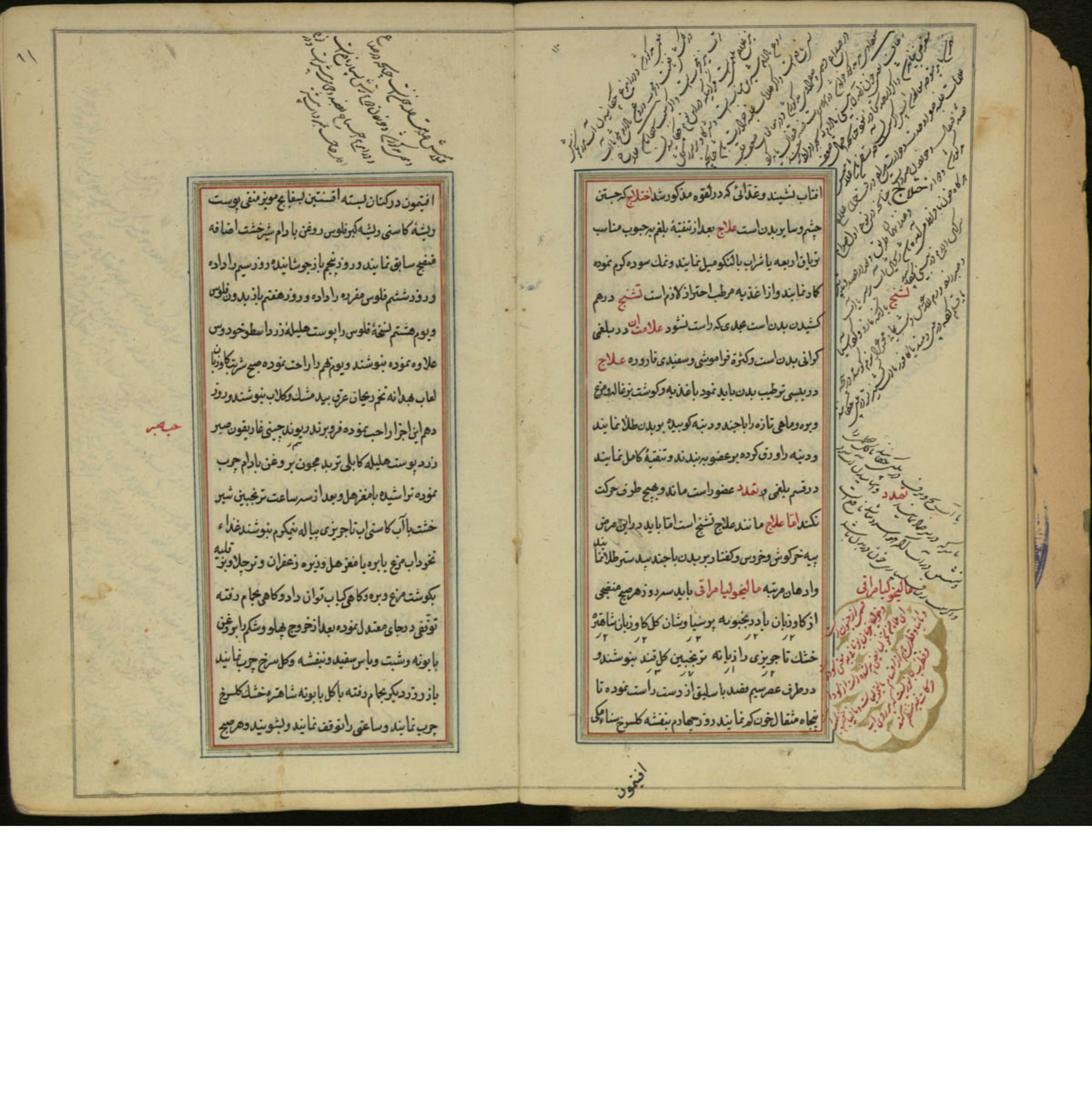


بسته بپوشند غذا نخوداب بادارچینی و زیره **سدد** مرضی باشد
کراحساس میکند مریض که بخاری از بلدن بالامیرود وچون ماده بخار
بلغمی باشد **علامت ان** سستی اعضا، وکاهلی وفراموشی وتخیل اشیا
سیاه وخواب بسیار است **علاج ان** هر روز شربتی از کاوزبان بالنکو
نبات اضافه نموده بنوشند وبعد از نضج ماده تنقیه بحب ایارج
نمایند **صفت ان** هلیلهٔ سیاه انیسون کل بنفشه تربد سفید خراشیده
بروغن بادام چرب نموده اسطوخودوس بسفایج افتیمون باآب
رازیانه سرشته حب نمایند خوراکی در وقت خواب دو مثقال
فروبرند غذا نخود نیم کوب باشیرهٔ بادام **صرع** علامت ان کثرهٔ
اب بینی و پری رکهای زیر زبان وسفیدی رنک قاروره و بطی
بودن نبض باختلاف **علاج ان** ابتدا تنقیهٔ بلغم بحب ایارج
وهر یوم شربتی از انیسون بالنکو کل قند افتابی رازیانه
بنوشند بعد از ان بسفایج ترنجبین جوشانیده میل نمایند
یا سه روز استخوان ادمی را سوخته باشکر در یک پیالهٔ آب
ریخته بنوشند واویختن عود الصلیب در کردن از جمله مجربات
است بخصوص اطفال را **سکته** علامت ان ساکت شدن تمام
اعضاست از حس وحرکت چون میت وان سده تمام است

در بطون دماغ که از بسیاری وغلظت اخلاط بهم میرسد
وفرق در میان صرع وسکته ان است که در سکته سده
تام است ودر صرع غیر تام **علامت ان** سرخی چشم وروی
وسایر علامات زیادتی خون است **علاج** رک پیشانی کشایند
وبابچه نمدی را کرم نموده بروغن سرکه اندود واجوی کوم نموده
بربالای آن نهند ودلک اطراف نمایند ومرزنجوش کندش
خولنجان در بینی بدمند بعد در چشم سکوت نظر نمایند
اکر عکس خود را در چشم آن دیدند مشغول علاج باشند والا
فلا **کابوس** صاحبش چنان خیال کند که چیزی ثقیلی بر روی آن
افتاده است ومیفشارد اورا علت ان هم سده است اما
بجز حرکت قلیل رود ونفس بسیار تنک شود **علامت ان**
سرخی چشم است وبسیاری خوابست **علاج** فصد قیفال
نمایند بعد حجامت ساقین وتقلیل وتلطیف غذا، واکر
از بلغم یا سودا باشد **علامت** فراموشی وکاهلی وخشکی
چشم وسفیدی زبان وتیرکی رنک است **علاج ان** تنقیهٔ
بمسهلات مناسبهٔ موافق مزاج وفصل وقوت است
خدر خواب رفتن عضو است وبطلان حس است اکر



علامت غلبهٔ خون ظاهر باشد فصد بدن کند و تنقیهٔ ماده
واکر از بلغم باشد فراموشی وکاهلی و رطوبت دهان و سردی
ملمس است **علاج** تنقیهٔ بلغم غلیظ است بمسهلات قویه و
ضماد خردل حومل که اسفند است با سرکه یا طلائی از فلفل
سوده و در روغن زیتون جوشانیده طلا نمایند یا شستن
عضو است بکو رد مرزنجوش و بول کاو **فالج** که باطل شدن حس و
حرکت نصف بدن است پس اکر رنك عضو مفلوج متغیر و لاغر
و پژمرده نکردیده باشد امید علاج توان داشت والا مرتکب
علاج نشوند و علامات ان زیادتی رطوبت و تری بینی و غلبهٔ
خواب است **علاج ان** از روز اول تا چهار روز شربتی از رازیانه
با انکور و کل قند میل نمایند و به ماء الاصول مداومت نمایند
صفت ان بیخ رازیانه بیخ کرفس انیسون سیاه تخمه زراوند
مدحرج شونیز در دو من آب تبریز جوشانیده تا نصف شود
و با نیم من عسل بقوام آورند هر صبح در یك پیاله اب نیم کرم رنجه
میل نمایند و حرمل را در میان شیر بول شتر جوشانیده طلا نمایند
غذا نخوداب بکوشت کبوتر بچه با فلفل و زعفران زیره دارچینی
میل نمایند و تقلیل غذاء لازم است **لقوه** مرضی باشد که در صورت

وچشم حادث شود و یکطرف صورت را از هیئت طبیعی بکرداند
علامت آن بند دیدن پیشانی و بوهم نتوان زدن پلك چشم است
علاج جوز بواد در دهن نکاه دارند و در خانهٔ تاریك باشد
تا هفت روز باید معالجه نکند و آب نخورد و بعوض آب عرق
رازیانه بنوشند و نهایت سعی در تقلیل غذاء نمایند و بعد
ازان شربتی از رازیانه با انکور انیسون سیاه تخمه کل قند میل
نمایند و پوست بیخ کبر را در ماء العسل جوشانیده بدان غرغره
نمایند و مرزنجوش و سعتر و جند بیدستر از هریك مساوی
بجوشانند و صورت را به بخار ان نکاه دارند و کندر و مصطکی
و حلتیت بخایند غذاء نخوداب با فلفل و زعفران و دارچینی
بکوشت بچه شتر یا کبك یا مرغ جوان و تیهو خورند **رعشه**
که لرزیدن عضو است چون مادهٔ بلغمی باشد علامت نسیان
وکرانی اعضاء و عدم تشنکی هر روز شربتی از انیسون و رازیانه
کل قند است و طلا کردن ادهان حارهٔ بابسه در حمام و
خوردن یکمثقال روغن سداب را در سه روز در حمام
و ترك مجامعت و شرب شراب و چیزهائی که ترطیب بدن نماید
لازم است و نارجیل و مغز خرکوش بر بدن طلا نماید و در



افتاب نشینند و غذائی که در لقوه مذکور شد **اختلاج** که جستن
چشم و سایر بدن است **علاج** بعد از تنقیهٔ بلغم به حبوب مناسب
تریاق اربعه یا شراب بالنکو میل نمایند و نمک سوده کرم نموده
کماد نمایند و از اغذیه مرطب احتراز لازم است **تشنج** در هم
کشیدن بدن است بحدی که راست نشود **علامت** آن در بلغی
کرانی بدن است و کثرت فراموشی و سفیدی قاروره **علاج**
در یبسی ترطیب بدن باید نمود با اغذیه و کوشت بزغاله و مرغ
و بره و ماهی تازه را با جند و دنبه کوسپند بر بدن طلا نمایند
و دنبه را ورق کرده بر عضو ببندند و تنقیهٔ کامل نمایند
در قسم بلغی و **تمدد** عضو راست ماند و هیچ طرف حرکت
نکند **اما علاج** مانند علاج تشنج است اما باید در این مرض
پیه خرکوش و خروس و کفتار بر بدن با جند بید ستر طلا نمایند
و ادهان مرتبه **مالیخولیا مراقی** باید سر دو زهر صبح منضجی
از کاوزبان بادرنجبویه پرسیاوشان کل کاوزبان شاهتره
خشک تا جوبزی رازیانه ترنجبین کل قند بنوشند و
در طرف عصر سیم فصد باسلیق از دست راست نموده تا
پنجاه مثقال خون کم نمایند دو دهم بنفشه کلسرخ سنا مکی

افیمون

۱۱

افیمون در کتان بسته افسنتین لبفایج مویز منقی پوست
ریشهٔ کاسنی ریشه کبر فلوس روغن بادام شیرخشت اضافه
منضج سابق نمایند و روز پنجم باز جوشانیده روز سیم را داده
و روز ششم فلوس مفرده را داده و روز هفتم باز بدون فلوس
و یوم هشتم نسخهٔ فلوس را پوست هلیلهٔ زرد اسطوخودوس
علاوه نموده بنوشند و یوم نهم را راحت نموده صبح شربت کاوزبان
لعاب بهدانه تخم ریحان عرق بید مشک و کلاب بنوشند و روز
دهم این اجزا را حب نموده فرو برند ریوند چینی غاریقون صبر
زرد پوست هلیله کابلی تربد مجون بروغن بادام چرب
نموده تراشیده با مغز هل و بعد از سه ساعت ترنجبین شیر
خشت با آب کاسنی آب تاجریزی پیاله نیمکرم بنوشند غذاء
نخوداب مرغ یا بره با مغز هل و زیره زعفران و ترچلاو بتلیه
بکوشت مرغ و بره و کاهی کباب توان داد و کاهی بحمام رفته
توقف در جای معتدل نموده بعد از خروج پهلو و شکم را بروغن
بابونه و شبت و یاس سفید و بنفشه و کل سرخ چرب نمایند
باز روز دیکر بحمام رفته با کل بابونه شاهتره خشک کلسرخ
چرب نمایند و ساعتی را توقف نمایند و لشویند و هر صبح

هلیلهٔ پرورده با گلاب شسته یك دانه با مصطکی واندکی گلاب
بنوشند ومفرح یاقوتی با شربت گاوزبان تخم ریحان عرق بید
مشك گلاب وخوردن کشوث واسطوخودوس بسیار مفیداست
بعد ازین معالجات چنانچه افاقه ظاهر نشود شروع بخوردن شیر بز
نمایند با شربت افتیمون ودر بین شیر حب ایارج شیخ ابو علی سینا
ودواء المسك شیرین در بین خوردن ماء الجبن بسیار مفیداست

شربت کشوث

شربت کشوث تخم کشوث تخم اسطوخودوس باد رنجبویه فرنجمشك
ابریسم سیاه بسفایج فستقی رازیانه از هریك ده مثقال پوست
بیخ کبر تخم کاسنی از هریك هفت مثقال شاهتره خشك اصل السوس
پرسیاوشان از هریك پنجمثقال همه را نیم کوب کرده در عرق بادیان
وعرق گاوزبان وعرق بید مشك دو روز و شب خیسانیده جوشانیده
صاف نموده هفتاد مثقال گل قند در آن حل نموده با دویست مثقال
قند بقوام آورند هر یوم طرف عصر یا صبح ده مثقال با یك پیاله
عرق بید مشك وگاوزبان وگلاب میل نمایند وگاهی با عرق رازیانه
تخم کدو وتخم کاسنی بنوشند **حب افتیمون** صبر زرد شحم حنظل
غاریقون اسطوخودوس تربد مجوف مقل ازرق کتیرا مصطکی
سنبل الطیب نرم کوبیده حب سازند خوراکی یکمثقال **نسخه**

حب افتیمون

روغن بابونه
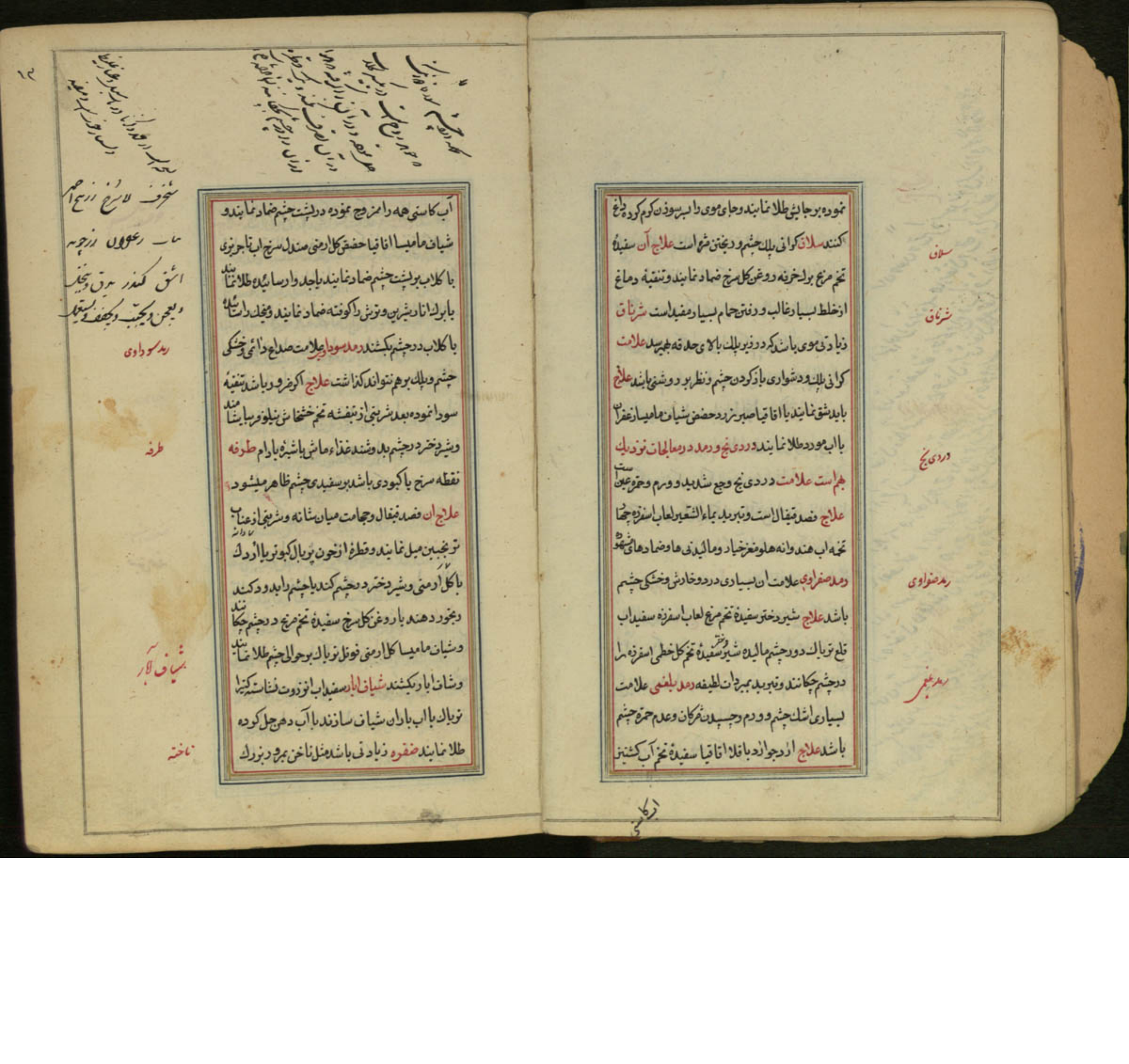
روغن مصطکی

روغن مصطکی روغن بابونه روغن گل سرخ روغن بادام
تلخ مصطکی سنبل الطیب روغنها را در پیاله مسی ریخته
بر روی آتش گذارده تا خوب گرم شود مصطکی را داخل نموده
بچوبی حرکت دهند تا گرم وحل شود بعد از سرد شدن سنبل را
داخل نمایند ومکرر پهلو را با شکم چرب نمایند وسکنجبین
افتیمونی هم بسیار مفیداست وخوردن چوب چینی هم در این
مرض بسیار مفیداست باین طریقها است **طریقه خوردن و**
پختن چوب چینی هر یوم مقدار هفت مثقال چوب چینی را پی
صمغ وکوه ریزه کرده با یکمن وصد بوذن شاه آب در دیك
سنگی کرده سران را خمیر جو گرفته با آتش ملایم بجوشانند تا
نصف نمایند ودر شیشه نگاهدارند بعوض آب بنوشند
باب دویم در امراض چشم است برده دانه ایست که در اندرون
پلك بهم رسد **علاج آن** باید اندروت وصمغ وسرکه طلا
نمایند واگر مفید نباشد شق کرده بیرون آورند **شعر منقلب** که
بد کج برآمدن مژه است وموی زیادتی در پلك **علاج** اول با
تنقیه کامل نموده وبعد از آن موی زیادتی مژه را کند
وزهرهٔ خارپشت وخون کبوتر وخون بید ستر همه را داخل

طریقه خوردن چوب چینی

امراض چشم

موی که بالند برآید



نموده بر جایش طلا نمایند و جای موی را بر سوزن کرم کرده داغ
کنند سلاق کرانی پلک چشم و ریختن مژه است علاج آن سفیده
تخم مرغ بوا خرفه روغن گل سرخ ضماد نمایند و تنقیه دماغ
از خلط بسیار غالب و رفتن حمام بسیار مفید است شرناق
زیادتی موی باشد که در زیر پلک بالای حلقه بهم رسد علامت
گرانی پلک و دشواری باز کردن چشم و نظر بر روشنی باشد علاج
باید شق نمایند با اقاقیا صبر زرد حضض شیاف مامیثا زعفران
با اب مورد طلا نمایند دردی نج و رمد در معالجات نزدیک
هم است علامت دردی نج وجع شدید و ورم و حمره عین است
علاج فصد قیفال است و تبرید بماء الشعیر لعاب اسفرزه چها
تخم اب هندوانه هلو مغز خیار و مالیدنی ها و ضمادهای مشهور
رمد صفراوی علامت ان بسیاری درد و خارش و خشکی چشم
باشد علاج شیر دختر سفیده تخم مرغ لعاب اسفرزه سفیداب
قلع توتیاک در چشم مالیده شیر دختر سفیده تخم گل خطمی اسفرزه را
در چشم چکانند و تبرید بمبردات لطیفه رمد بلغمی علامت
بسیاری اشک چشم و ورم و چسبیدن مژگان و عدم حمره چشم
باشد علاج از دجوارد با فلا اقاقیا سفیده تخم آب کشنیز

آب کاسنی همه را ممزوج نموده در پشت چشم ضماد نمایند و
شیاف مامیثا اقاقیا حضض گل ارمنی صندل سرخ اب تاجریزی
با گلاب بر پشت چشم ضماد نمایند یا جدوار سائیده طلا نمایند
یا برگ انار شیرین و ترش را کوفته ضماد نمایند و مخلک را سائیده
با گلاب در چشم بکشند رمد سوداوی علامت صداع دائمی و خشکی
چشم و پلک بر هم نتواند گذاشت علاج اگر ضرور باشد تنقیه
سودا نموده بعد شربتی از بنفشه تخم خشخاش نیلوفر بایشامند
و شیر دختر در چشم بدوشند غذاء ماش با شیره بادام طرفه
نقطه سرخ یا کبودی باشد بر سفیدی چشم ظاهر میشود
علاج ان فصد قیفال و حجامت میان شانه و شربتی از عناب
ترنجبین میل نمایند و قطره از خون پر بال کبوتر یا ارد ک
با گل ارمنی و شیر دختر در چشم کنند یا چشم را بدود کند
و بخور دهند با روغن گل سرخ سفیده تخم مرغ در چشم چکانند
و شیاف مامیثا گل ارمنی فوفل توتیاک بر حوالی چشم طلا نمایند
و شیاف ابار بکشند شیاف ابار سفیداب انزروت نشاسته کتیرا
توتیاک با اب باران شیاف سازند با آب در حل کرده
طلا نمایند ظفره زیادتی باشد مثل ناخن بر روی بزرگ

شود تا پلک بالای چشم را فرو گیرد بنحوی که گویا سبل است علاج آن
اول فصد قیفال بقدر ضرورت خون کم نمایند و تنقیه کامل
و اکتحال بسرمه روشنائی نمایند صفت آن مس سوخته شادنج
شسته فلفل زعفران شحم حنظل از هر یک ربع مثقال زنکار صبر
سقوطری بوره ارمنی از هر یک دو دانگ و نیم همه را بر روی
سنگ سماق مانند غبار نرم نمایند و در حین حاجت در چشم
ذرور نمایند دمعه اب رفتن بسیار است از چشم چون از
حرارت بوده باشد علامت سرخی چشم است هسته هلیله
زرد یا هلیله سیاه سوخته در چشم کشند و بجهه تقویت
جواهر سرمه اکتحال نمایند و چون از سردی بوده باشد علامت آن
سفیدی چشم است باید سرگین اهو دهنه نمایند ضیق حدقه
تنگ شدن حدقه است و آن خمور بوده عنبیه است علامتش
رطوبت بینی و عدم ظهور رگهای چشم است علاج
شیاف زعفران باید کشید صفت آن کندر زعفران زنجار
شیاف مامیثا گلسرخ صبر سقوطری مر مکی نشاسته صمغ
عربی از هر یک نیم مثقال همه را بر سنگ سماق سائیده مانند
غبار شود در وقت حاجت با گلاب سائیده در چشم

دمعه

ضیق حدقه

چکانند

چکانند حرقت چشم علامت سوزش زیادتی خون باشد علاج
فصد قیفال نمایند و تنقیه بمسهلات مناسبه و مداومت
باین کحل نمایند صفت آن فلفل دار فلفل زعفران حضض مکی
سنبل الطیب کافور مجموع را مانند غبار نموده استعمال نمایند
اگر ماده صفراوی بوده باشد توتیا غوره بکشند و کاسنی تر را
کوبیده با روغن گلسرخ ضماد نمایند خیالات چیزی مانند پشه
و مگس در پیش چشم مرائی شود چون از بخار معده باشد علامت
ان است که در امتلای معده قصور هضم زیاده شود علاج
تنقیه معده نمی بعد بنفشه را سائیده با شیرخشت و شکر
کفلمه نمایند یا اماله نمایند ضعف چشم اگر بعلت زیادتی
خون باشد علامت حمرت وجه و امتلاء نبض و شیرینی دهان
است ابتداء فصد ی از دست راست قیفال نمایند و شربتی
از گل بنفشه نیلوفر عناب ترنجبین میل نمایند و توتیا غوره
در چشم کند و اگر ماده بارد و رطب باشد علامت آن زیادتی
اشک است بی سرخی و در عقب اکل طعام خواب زیاده شود
علاج هر روز شربتی از رازیانه نبات بیاشامند و غرغره
بماء العسل نمایند و رازیانه و سرمه روشنائی در چشم کند

حرقت چشم

خیالات

ضعف چشم

عشاء

صفت آن مرواید مامیران چینی بوده ادمنی قرنفل زعفران سرمه
سنگ مکه از هر یک نیم درم مشک قیراطی همه را کوفته با سنگ
سماق سائیده استعمال نمایند شب کوری آن بود که در شب نبیند
علاج هر یوم شربتی از دازیانه گل قند بنوشند و عسل با آب
دازیانه گلقند بنوشند و عسل با آب دازیانه در چشم کشند
و با آب دار فلفل که در جگر بز کباب کرده باشند با میل در چشم
بکشند و کندش و خولنجان و تنباکو در بینی دمند و جند فلفل
ببویند غذاء نخود آب مرغ جوان یا کبک که فلفل و زنجبیل دارچینی
در آن کرده باشند روزکوری آن باشد که روز نبیند و بیشتر
این مرض عارض چشم از دق شود علاج هر روز غذاهای غلیظ
مثل گوشت گاو و هریسه و پاچه از میوجات انجیر انگور خورند

امراض گوش

باب سیم در امراض گوش ثقل سامعه که گرانی گوش است
اگر از بلغم بوده باشد علامت گرانی و کدورت حواس و بسیاری
خواب است علاج هر روز شربتی از انیسون و رازیانه و گلقند
میل نمایند و قدری جند بید ستر در سوراخ گوش بگذارند
و روغن هسته زرد آلوی تلخ و بادام تلخ در گوش چکانند

آواز گوش

طنین آن است که گوش احساس آوازی کند مثل زنبور و

دویدن

دویدن و سبب آن اگر فوت حس گوش است در یافت کردن بخار
معده است بگوش علاج آن مغلظات خورند مثل شیره تخم کاهو
و خشخاش و آب سیاه تخمه چند بید ستر در گوش بچکانند و اگر
از ضعف قوت دماغ باشد علامت کدورت حواس است یا تار دو
علاج باید روغن گل سرخ یا روغن مورد چکانند یا آب
پیاز پخته

وجع اذن

وجع اذن که درد گوش است علامت آن زردی رنگ
و چشم است علاج آن بعد از تلین طبیعت حب بنفشه میل نمایند

حب بنفشه

صفت آن تربد مجوف پوست هلیله زرد سقمونیا انیسون
همه را کوفته با آب رازیانه خمیر کرده حبها سازند هر صبح بلعند
و اگر از غلبه خون باشد علامت آن سرخی چشم است با دوی
ابتدا فصد نمایند و میان انار را خالی کرده نموده و روغن گل را
در میان آن ریخته در پیش آتش گذارند تا گرم شود و در گوش
چکانند

قرحه گوش

قرحه گوش که زخم شدن گوش است علاج استعمال
مرهم ابیض است صفت آن موم کافوری یکمثقال درد و مثقال
روغن گل سرخ یا کجا حل نموده یکمثقال و نیم سفیداب داخل
نموده استعمال نمایند و اگر کهنه باشد زهره گاو سائیده در
گوش چکانند

رفتن جانور در گوش

داخل شدن جانور در گوش چون مورچه و پشه

علاج نفوذ آب در گوش

امراض انف

گنده بینی

خشکی بینی

آمدن کرم در گوش علاج صبر زرد در دهنه ترکی آب کبود در گوش
چکانند دخول آب در گوش علامت درد بسیار است علاج باید
چوب سبت بار از بانه را که میان آن تهی باشد یک سر او را پنبه
بپیچیده بروغن زنند و روشن نمایند و سر دیگر او را در گوش
گذارند تا جذب آب نماید و اگر آب گرم در گوش رود روغن کلنج
با سرکه در گوش بچکانند خارش گوش اگر از حرارت بوده باشد
فصد قیفال نمایند و گل ارمنی و سرکه طلا نمایند و آب افسنتین
رومی با سرکه جوش داده در گوش بچکانند باب چهارم در امراض
انف بطلان و نقصان قوت شامه است علامت کدورت حواس
و گرانی سر و غلظت تار و رماست علاج شربتی از انیسون گلقند
آفتابی را زبانه میل فرمایند و معطسات مثل کندش خولنجان مشک
فلفل شونیز بکار برند و سرکه را بجوشانند و در شیشه نموده
به بو بند و روغن بنفشه بادام استنشاق نمایند بد بو شدن
انف که گند بینی باشد باید سنبل الطیب را صلایه نموده در
بینی دمند و سکنجبین خردل غرغره نمایند جفاف انف چون
ماده صفراوی باشد علاج آب برگ خرفه در روغن بادام بر
پیشانی طلا نمایند و روغن تخم کدو و بنفشه لعاب اسفرزه در

زخم شدن بینی

رعاف

بینی چکانند و ترطیب نموده از مجففات احتراز نمایند قرحه
انف که زخم شدن بینی باشد علاج فصد قیفال نموده تنقیه
بشربت بنفشه نمایند و فتیله ساخته بروغن بنفشه و مغز ساق
گاو و موم لعاب بهدانه ملوث کرده در بینی گذارند و اگر قرحه
کهنه باشد بینی را مکرر با سرکه بشویند و خون سفید را با فلفل
کوبیده در بینی دمند رعاف آن باشد که خون از بینی رود و اگر به
سبب بحران در روز بحران قطع آن جایز نیست و خوف هلاک است
مگر در وقتی که زیادتی نماید و ضعف بسیاری حاصل آید
و علامت بحران رعاف آنست که اندک اندک خون آید در رنگ
سیاه و قوام غلظت داشته باشد و چنانچه برخلاف باشد علاج
شربت بنفشه عناب بنوشند و آب یخ و برف بر فرق سر بریزند
و آب کشنیز در بینی چکانند و گل ارمنی با سرکه ضماد نمایند و آب
سرگین حمار در بینی چکانند و سوخته پوست تخم مرغ و سوخته
سرگین کبوتر یا خون مرغ یا خروس که خشک شده باشد در بینی
دمند یا دهنه سرگین شتر داده بلغادنیا کج با سرکه بر سر ضماد
نمایند و فتیله از تار عنکبوت سفیده تخم مرغ بر آن مالیده
و خون سیاوشان شب یمانی توتیا گلنار فارسی ماز و و ج

نوکی زاج سوخته غبار آسیا کاغذ سوخته شاخ کاو کوهی سوخته
در بینی بدمند **زکام** که فرود آمدن رطوبت است از دماغ
بجانب کلو یا بینی آید وآنکه بجانب کلو آید وآنکه نزله کویند
چون ماده از حرارت باشد **علامتش** آنکه در حین فرود آمدن
ماده احساس سوزش کلو و بینی باشد **علاج** شونیز را بو داده
با روغن زیتون سه چهار قطره در بینی قطور نمایند یا زعفران
را با شکر ممزوج نموده بخود نمایند یا شونیز را کوبیده کرم
کرده بر سر ضماد نمایند واکر از سردی باشد آنچه از بینی فرود آید
سرد باشد وعلامت کرانی سر و دوست **علاج** تنقیهٔ بلغم
واستحمام ومبادرت باکل غذاهای لطیف مسخن مثل نخود آب
کوشت مرغ وامثال اوست **باب پنجم در ذکر امراض وجه و
جوارح آن مانشرا** که عبارت از ورم سرخی باشد که تمام روی را
فرو کیرد **علامت آن** تشنکی وتندی تب وغمناک بودن است
علاج اول فصد وحجامت واکر صاحبش البتن باشد
نشاندن زلو بر صورت وتنقیهٔ کامل است وطلا از صندل
آب کشنیز با کتان کهنه بر روی طلا نمایند **قلاع** جوشش
دهان است چون از کرمی باشد ودموی باشد سرخی آنچه

زکام نزله

امراض وجه مانشرا

جوشش دهان

بیرون آمده

بیرون آمده ودر صفراوی زردی آن **علاج** فصد قیفال و کلنار
کلسرخ وسماق سوده بر آن پاشند ومضمضه با آب کشنیز
آب کاسنی نمایند وچون از سردی باشد **علامت** آن در بلغمی
سفیدی جوشش است ودر سوداوی علامت سیاهی جوشش
علاج حنا بر آن پاشند وعاقرقرحا ومامیران تخم ترب سرکه
باهم جوشانیده با آب آن مضمضه نمایند **سیلان لعاب دهن**
چون از بلغم باشد علامت آن عدم تشنکی باشد **علاج** اول تنقیه
معده بقی وهر یوم نیم مثقال هلیله با یک مثقال شکر و آب کرم بنوشند
واطریفل وکلقند با رازیانه میل نمایند وغذا نان با عسل
میل نمایند واکر از خون باشد فصد قیفال نمایند **بخر**
بدبوئی دهان است چون از بلغم باشد **علامت** رطوبت بینی
وسفیدی قاروره است **علاج** تنقیه نمودن بطبیخ شبت وتخم
ترب وتخم خربوزه واندکی عسل ونمک وبازوها را ببندند
واندک تحریکی که قی شود بعد از قی کلقند رازیانه میل نمایند
وزنجبیل هلیلهٔ پرورده خورند وکلنار مضمضه وسنون
نمایند **وجع سن** درد دندان است اکر از کرمی باشد **علامت**
راحت یافتن از آب سرد است واغذیهٔ بارده **علاج** فصد

لعاب دهن

بخر

درد دندان

قیفال واشامیدن سکنجبین ومضمضه بسرکه وکلاب نمایند
یا بطبیخ ذبره وصعتر با سرکه یا آب کشنیز کافور یا طبیخ پوست
بیخ خطمی با سرکه واز برای سفید کردن دندان بسد سوخته سنون
نمایند واز برای کرم دندان شیرهٔ تخم کندنا تخم توب بیه بخ
نمایند یا با سپند بخود نمایند واز جهت تحریك دندان طباشیر
سماق کلنار کثیرا کوفته داخل نموده بربا شند **اورام لثه** [حاشیه: اورام لثه]
کوشت بن دندان که اماس کوشت بن دندان است دردموی
علامتش آن وجع وشیرینی دهان است **علاج** فصد قیفال و بسرکه
کوم کوده وذبره مضمضه نمایند ودر صفراوی علامت سوزش
وضربان است ودر بلغمی علامت سفیدی ونرمی اماس است
اما علاج تنقیه مسهل مناسب هریك باید خورد وباسماق
وکلاب مضمضه نمایند واز کوشت وشیرینی احتراز لازم است
استرخاء لثه که رخوشدن کوشت بن دندان است **علاج**
حضض مضمضه نمایند وکلنار در اسانیده بپاشند وپوست
هلیلهٔ زرد سنون نمایند وسماق وکلاب دهن را بشویند
وماميرى که فضلهٔ وضع است سنون نمودن از جملهٔ مجربات است
بطلان ذوق که فقدان قوت ذائقه است وفرق چیزی نداند [حاشیه: بطلان شدن قوت ذائقه]


تنقیه بمسهل

علاج تنقیهٔ بمسهل مناسب خلط غالب است وکرفتن اشیاء
حریفه تحت لسان **ثقل لسان** که کران شدن زبان است چون از
بلغم باشد **علامتش** عدم تشنکی وآب رفتن بسیار از دهن وسفیدی [حاشیه: سنگین شدن زبان]
زبان است **علاج** هفت مثقال خردل را در چهل وپنج مثقال
شراب جوشانیده تا نیمه شود وبعد پنج مثقال سرکهٔ خوب کهنه
اضافه نمایند وملول غرغره نمایند **چنانچه دموی باشد علامت**
زیادتی خون است **علاج** فصد قیفال ومضمضه با آب فوده
وآب نارنج نمایند **شقاق لسان** که ترکیدن زبان است **علاج** [حاشیه: ترکیدن زبان]
بهدانه وکثیرا در دهان دارند واز غذاها مثل پاچه و
هریسه وهریره خورند **حرقت زبان** که سوزش زبان است
علاج بهدانه شیرهٔ تخم خرفه در دهان نکاهدارند با لعاب
اسفرزه واکر رنك زبان سرخ باشد فصد قیفال نمایند و
تلین طبیعت بمطبوخ فواکه نمایند **جفاف لسان خشکی زبان** [حاشیه: خشکی زبان]
چون از کرمی ویبوست بوده باشد **علامت آن** زردی زبان ودرشتی
وبسیاری میل با آب است **علاج** لعاب بهدانه ولعاب
ریشهٔ خطمی ولعاب اسفرزه در دهن نکاهدارند وشیرهٔ
تخم خیار وتخم کدو مضمضه کنند ودهان را بسکنجبین بشویند

ورم شفه لب

ورم شفه اماس لب است علاج شربت بنفشه با عناب میل
نموده فصد قیفال نمایند قروح شفه شور و دنبل لب است
علاج آن فصد قیفال و مرداسنک دمازو را بکوبند و بامو
و روغن بیامیزند و مکرر بر لب بکذارند

بواسیر لب

بواسیر لب ان است
کرلب درشت شود و دران شق ظاهر شود و شیره دران باشد
مانند توت سیاه علاج ابتدا فصد قیفال و ضمادات محلله است
و اکر رنکش سیاه باشد نیشتر زنند تا خون سیاه بیرون آید
و نمک بمالند

ترکیدن لب است

شقاق شفه ترکیدن لب است علاج لعاب بهدانه
اسغزه کتیرا طلا نمایند و کفی که از بوسیدن خیار ظاهر میشود
مناسب است طلا نمایند و روغن بنفشه بادام بپه اردک را کرم
کنند و شاخ کاو کوهی را سوخته بران بیامیزند و پوستی نازک کرد
بیضه تخم مرغ است بان طلا نمایند و با پیه اردک نافولچوب
نمایند

امراض حلق

باب ششم در امراض حلق سقوط لهات که افتادن
ملازه است و آن پرده باشد که بالای حلق او یخته است علامت
سوزش و عطش و اضطراب و بی تابی میباشد علاج فصد
قیفال یا حجامت و با اب انار دین یا توت یا سماق غرغره نمایند
و با انکشت زنان علی نمایند که محتاج بر مداوا نباشد

لقی باشند

خناق

خناق مرضی باشد که مانع تنفس و فرو بردن غذا شود و
در صفراوی علامت تشنکی و تلخی دهن و بیخوابی و درد موی
سرخی چشم و بوی دکها و حلاوة دهن است علاج هر دو قسم
فصد قیفال و حجامت ساقین با درکین و شربت بنفشه و عناب
و نیلوفر میل نمایند و تلین طبیعت بمطبوخ فوا که کنند و غرغره

خیارم

باب کدو و سماق و رب توت و غوره و سرکه و انار ترش نمایند
و هر کاه که شدت داشته باشد رک زیر زبان زنند و با فلوس
شیر کاو و شیره سبوس کندم و روغن بادام و سایر اجزاء غرغره
نمایند غذاء ماش عدس کشنیز سبز اسفناج تمر هندی غوره
مناسب است چنانچه محتاج بضماد شوند پیه اردک اردیا تلا

بند شدن زلو در حلق

ضماد نمایند یا اردجو با برکه دخول زلو در حلق علامت آن
امدن خون رقیق است از حلق و اندوه و غم علاج غرغره
برکه نمایند و اب نمک شود و اب افسنتین دودمی با برکه یا بوره

قرحه حلق

ادمنی با آهک با خردل غرغره نمایند نمایند قرحه حلق
آن باشد که درد شدید در حین فرو بردن غذاء بهم رسد و ریم
و چرک در حین تنحنح از حلق فرود آید علاج هر صباح پنج درم
انزروت سوده در دو درم موم روغن و مرداسنک و بک

ددم تخم گل سوده وپخته باهم سرشته دبر زدهٔ تخم مرغ آلوده نموده
بر بلغند فرو رفتن سوک و عظم در حلق که بند شدن خار یا استخوان
است یا چیزی دیگر در حلق اگر توانند بر کلبتین بیرون آورند
والا بر ابریشمان دولا کرده بیرون آورند و سبک باد کشند بالقمهٔ طعام
بزرگ فرو برند ورم دبه در مجرای طعام از راه حلق بر معده است
علامت در جمیع اقسام درد میان شانه است و در صفراوی تب دائمی
شدن تلخی دهن و زردی قاروره است و عطش و در دموی تب
دائمی و سرخی دکها وخشکی منخرین و تنگی نفس و در بلغمی رطوبت بینی
وسفیدی قاروره و در سوداوی خشکی دهان است و تیرگی رنگ
علاج در دموی فصد قیفال و تنقیه از سایر اخلاط غالب است
غنة الصوت که تنگی آواز است اگر سبب زیادتی خون باشد علاج
فصد قیفال و شربت بنفشه و نیلوفر و عناب و سپستان بنوشند
و هر یوم کوه با نبات خورند و غذاء نخود آب یا حلیم خورند و اگر
سبب یبوست قصبهٔ ریه باشد علامت خشونت حلق است و جمیع
مجرای علاج شربت بنفشه و نیلوفر و لعاب اسفرزه بهدانه با شربت
گاوزبان و غذاء شیر برنج و نشاسته و هریره و پاچه و روغن
بنفشه و بر سینه طلا نمایند و اگر سبب ملاقات هوای سرد

فرو رفتن استخوان

ورم گلو

گرفتگی آواز

باشد شربتی از رازیانه و گاوزبان گلقند میل نمایند باب هفتم
در امراض سینه است سعال در اقسام هر دو شربت خشخاش
و شربت بنفشه بیاشامند و ناف را بروغن بنفشه تدهین
نمایند و پشم را گرم کرده بر سینه ضماد نمایند و کثیرا نشاسته
مغز بادام تلخ و مغز بادام شیرین و باقلا قشر تخم خشخاش
صمغ عربی گل ارمنی انجره بزرکتان حلبه مغز تخم خیارین مغز
تخم کدو را بکوبند و با لعاب بهدانه بسرشند و حب نموده
در دهن گیرند یا سپستان بهدانه در دهن نگاه دارند
و اگر سبب برودت مزاج بوده باشد علامت قلت عطش و شدت
سعال است در سرما علاج هر یوم شربتی از زوفا انجیر
پرسیاوشان اصل السوس بدستور معهود میل نمایند و
اگر سرفه شدید باشد غذاء آب پاچه و اگر سببش یبوست
مزاج بوده باشد علامت سرعت نبض و اشتداد سعال بعد
از حرکت و حمام علاج شیرهٔ تخم خیارین با نبات ترنجبین
میل نمایند یا لعاب بهدانه با نبات غذاء ماش با مغز بادام
و اسفناج ربو بهر که تنگی نفس است علاج احتراز از دود
و غبار و آب سرد نموده هر یوم یک مثقال اسپند را با دو مثقال

سرفه

تنگی نفس

بزرکتان کوبیده وباعسل سرشته ملاومت نمایند یا روغن بنفشه
بادام بعد از عرق مفرط در حمام یکمثقال بیاشامند باهر یوم تخم
نیم بوشت با تخم کتان بناشتا میل نمایند واینها همه بعد از
تنقیهٔ کامل واخراج مواد فاسده شرط است نفث الدم
بیرون آمدن خون است از دهن بسرفه یا به تنحنح اما علاج
شربت آنجبار میل نمایند وسفوف کهربا وکلنار با صمغ عربی
کتیرا نشاسته مناسب است غذاء آش عدس آش جو آش بادام
خشخاش میل نمایند وغرغره از تخم مورد پوست انار ماذوی سبز
کلنار تخم کلسرخ واکر علامات غلبه خون ظاهر باشد فصد
قیفال وحجامت میان شانه ومبردات میل نمایند واکر سرفه
شدید باشد سکنجبین بزوری حار بیاشامند قرحه ریه
کران سل است علامات آن تب لازم است وسرفه وسرخی
رنک وبیرون آمدن چرک مدوّر چنانچه در آب اندازند
ته نشیند وآن باشد که رک خونی هم داشته باشد علاج
ابتداء فصد نموده وتنقیهٔ کامل بقدر قوت نموده بنای
شیر بز و دختر والاغ وشیر شتر وماء شعیر سرطانی ومنقوع
سرطان واز اغذیه پاچه آش جو شوربای اسفناج مناسب است

نفث الدم

سل کر قرحه شش

وچون چشم کبود شود ورنک رخسار کبود شود وموی بریزد
وطبیعت تلین نماید نزدیک موت است ذات الریه لازم دارد تب لازم را
وتنکی نفس وسرخی روی وتشنکی ونبض عظیم موجی وخشکی
منخرین وزبان است علاج بعد از سه روز فصد باسلیق
نموده شربتی از بنفشه نیلوفر عناب سپستان ترنجبین ونبات
میل نمایند ودر روز پنجم وهشتم را شربتی از بنفشه نیلوفر
تخم خطمی تخم کاسنی عناب سپستان خبازی ترنجبین شیرخشت
مغز فلوس روغن بادام بدستور معهود با شربت بنفشه
در روز دهم را حقنهٔ لینهٔ نموده باشند ذات الجنب که شوصه
هم میکویند در مرد پهلوست صاحب این مرض هیچ طرف
نتواند خواب رفت ودرد موی رنک سرخ باشد ونبض
عظیم باشد ودر صفراوی حدت تب هذیان وبیخودی میباشد
علاج نوع بنی فصد باسلیق در روز سیم اما در دموی انجابت
مخالف ودر صفراوی موافق نمایند وهر روز شربتی از
کل بنفشه نیلوفر تاجریزی عناب سپستان ونبات میل
نمایند با شربت بنفشه ونیلوفر وخشخاش از هریک سه
مثقال وتخم خطمی خبازی عناب سپستان تخم کاسنی

ذات الریه

ذات الجنب

شیرخشت ترنجبین مغز فلوس روغن بادام میل نمایند بعد
از شش ماء الشعیر با شربتهای خنک ولعاب اسفرزه بنوشند
ودر بین روز لعاب بهدانه ونبات با عرق بید مشک شربت
نموده بنوشند ودر این مرض حقنه از مسهل بهتر است
وغذاء ماش وبرنج با شیرهٔ جو وشیرهٔ بادام وخشخاش وپیه
بزموم کافوری بنفشه گل خطمی زردهٔ تخم مرغ روغن بادام
سینه را چرب نمایند ومیان سیب را تهی کرده زعفران پر نموده
ببویند ذات الصدر ورمی باشد که در پردهٔ سینه بهم میرسد
ولازم دارد تب دائمی را وعطش واضطراب وانتباع نظر
بنحوی که بالای وزیر نظر نتواند کرد علاج بدستور علاج
ذات الجنب است ودر حین شدت مرض فصد نمایند وسر
انار شیرین را سوراخ کرده بر بالای آتش گذارده وبدفعات
روغن بادام بر بالای آن ریخته بجدی که دیگر جذب نکند انرا
بمکد یا آب انار شیرین با نشاسته وصمغ عربی وروغن بادام
بیاشامند خفقان قلب وطپیدن دل اگر از صفرا باشد علامت
آن خشکی دهن وعطش وسرعت نبض وزردی نادوره
علاج بعد از تنقیه تبرید نمایند ومفرح یاقوتی بارد میل

ذات الصدر

نمایند ومیان به را خالی کرده زعفران پر نموده بناء بوئیدن
بگذارند وکافور وکشنیز وآب سیب وصندل واقاقیا وگلاب
بید مشک بر سینه طلا نمایند ورازیانه گل گاوزبان میل
نمایند وسیب وبه وانار میل نمایند واگر از غلبه خون باشد
علامت عظم نبض وسرخی رنگ رخسار وحمرهٔ نادوره است
فصد باسلیق نمایند وکثرت مباشرت مفید است وسکنجبین
با شربت سیب وشربت ریباس وعرق بید بیاشامند وغذا
آش زرشک وانار با گوشت خروس بچه وبزغاله میل نمایند
واگر از سودا باشد علامت صلابت نبض وتنگی نفس ووحشت
وفکر فاسد وخوابهای پریشان است باید تنقیه کامل نمایند
وشربتی از گاوزبان با لنگو نبات مفید است وبوئیدن پوست
وچوب صندل وعود وعنبر نافع است وغذاها شکر ومغز
پسته وبادام وفندق وکدوی تازه مناسب است غشی
معطل شدن حواس بسبب سدهٔ دماغ وعدم نفوذ روح
نفسانی است بدماغ وضعف قلب است علاج قدری گلاب
با آب یخ بروی زنند واطراف را سخت بمالند وبه بدن
حرکت دهند وکندش در بینی دمند تا بخود آید ومقویات

غشی

قلب مثل آب سیب شیرین و شربت لیمو و قرص مصطکی و
صندل و غذاء اب کوشت **باب هشتم در امراض پستان**
ورم سدی و ورم پستان است دردی شدید است و در
دموی و صفراوی سرخی رنک و زردی و ورم و دیم است
و در بلغمی سفیدی و در سوداوی تیره کی آن است در
علاج قسمین در اقسام دردی شراب ضماد نمایند با پیه اردک
وارد باقلا و آرد جو بزر کتان حلبه بابونه اکلیل الملک ضماد
نمایند و مردات میل نمایند و در ابتداء ماده فصد قیفال
نمایند بعد از کشوده شدن ان فتیله را بکنجید مالوده بکذارند
قلت لبن کمی شیر زنان است در صفراوی قلت و حلات و دقت
و در بلغمی بیاض و مائت و حموضت و در سوداوی کدورت
و غلظت است **علاج** اقسام ثلثه تنقیه بدن است از خلط
غالب و ضماد ارد جو و باقلا و نعناع که در سرکه پخته باشند
و از اغذیه لبوب و حلویات و شیر با شکر مفید است
باب نهم در امراض معده وجع معده چون از صفرا باشد
علامت زردی زبان و تلخی دهن و عطش **علاج** تنقیه نمایند
و سکنجبین و تخم شبت و تخم ترب و نمک و اندک عسل بخورند

کمی شیر زنان

امراض معده وجع معده

وانکشت زند

وانکشت زند تا قی آید و هر یوم شربتی از کل بنفشه ابو سا سیا
وج ترکی رازیانه انیسون زنیان افسنتین دو می نبات میل
نمایند و هر دو زاب به لیمو با سکنجبین میل نمایند و چون
از بلغم بوده باشد **علامت** قلت عطش و نفخ شکم باشد **علاج**
استفراغ کامل و هر روز شربتی از رازیانه انیسون با انکو کل
قند آفتابی میل نمایند یا کل قند را با مصطکی میل نمایند و هر
صبح کمونی و زنجبیل پرورده آمله پرورده قهوه دارچینی
هل زنجبیل و معجون بوش عصا مناسب است غذاء نخوداب
با ابازیر حاره و چون از سودا بوده باشد **علامت** اشتهای
کاذب و قلت هاضمه و ترشی دهن و خشکی زبان و بزرکی طحال
و حرقت معده است **علاج** هر یوم تنقیه بمسهلات سودا کرده
و مقیء داده بعد از آن کل قند رازیانه مصطکی میل نمایند
و هر صباح اطریفل و کمونی خورند غذا نخوداب با ابازیر
حاره مربیات پوست پسته بالنک مناسب است **ورم معده**
اکر دموی باشد **علامت** ان حرقت معده و تب دائمی و عدم
اشتها و وجع است **علاج** در دموی اول فصد باسلیق
نموده هر روز شربتی از کل بنفشه نیلوفر با جو بزی شیره تخم

ورم معده

کاسنی بنوشند ومیان دو ذاب انادین بیاشامند وکل خطمی
بابونه حلبه بزر کتان اکلیل الملک باشیر کاو پخته ارد باقلا
ارد جو باشیده ضماد نمایند غذاء اسفناج شوربای کدو

بلغمی

کشنیز سبز میل نمایند وچون بلغمی بوده باشد **علامت** نفخ
معده ودرد وسفیدی زبان وبسیاری اب دهن است
علاج ابتداء تنقیه نموده بعد از ان هر روز شربتی اذ رازیانه
کلقند میل نمایند و تریاق اربعه فرو برند بقدر دو دانک
و روغن زیت کهنه روغن مصطکی بر معده طلا نمایند و
غذاء نخوداب بادارچینی وفلفل و زیره تناول نمایند **وچون**

سوداوی

سوداوی باشد علامت تنگی نفس وفکر فاسد وصلب بودن ودم
علاج هر یوم شربتی اذ رازیانه و بیخ کرفس وبیخ رازیانه وکل قند
بیاشامند بعد از نضج مسهل مناسب سودا میل نمایند و
چند بید ستر را درمیان روغن زیت جوشانیده بر معده

قی وتهوع

طلا نمایند **قی وتهوع** فرق میان قی وتهوع ان است که قی
حرکت معده باشد از جهة دفع خلط یا ثقل موذی که دران
جمع شده است ودفع شود وتهوع چیزی دفع نشود **علامت**
درصفراوی دردی ودربلغمی سفیدی ودرسوداوی سیاهی

انچه دفع شود **علاج اقسام** باید قی دهند مثل سکنجبین خاکشیر
اب کرم نمک بعد از ان اب با قند بقوام آورده با شربت لیمو یا
شربت انار با عرق نعناع یا شراب غوره یا شراب ریباس یا کلاب
میل نمایند وصندل سفید را با سماق پوست پسته به کال
غنچه کلسرخ بر شکم ببندند غذاء آش ناردان و زرشک و

بلغمی

سماق میل نمایند واکر بلغمی بوده باشد یا سوداوی **علامت**
هر دو تشنکی وترشی وشوری دهان ونفخ وقراقر است **علاج**
نوعین قی اذ برک ترب تخم ترب تخم شبت عسل نمک خورند تا
معده پاک شود بعد از ان کلقند افتابی مصطکی رازیانه زنجبیل
پرورده هلیله پرورده میل نمایند ومداومت باین معجون
نمایند **صفت ان** پوست پسته غنچه کلسرخ عود هندی زرشک
بیدانه مصطکی اذ هر یک مساوی کوبیده با آب سیب شیرین

قی کردن خون

سرشته هر صباح یک مثقال میل نمایند **قی الدم** ان است که
خون بقی بیرون اید اکر از کشوده شدن سر رگ است **علاج**
فصد با سلیق نمایند وصمغ عربی کهربا کلنار فارسی زرشک
با اب سیب بنوشند خوراکی دو مثقال اذ هر یک مساوی
وصندل اقاقیا آب مورد کلاب سرکه ضماد نمایند غذا آش

سماق زرشک نار دان واکر فی الدم بواسطهٔ ضربه بوده باشد
علاج بادهنک صمغ عربی بریان نموده باکل ارمنی وشراب عناب
میل نمایند واکر نبود وقروح معده سبب باشد **علامت**
وجع میان شانه است غذاهای لزج مثل پاچه تخم مرغ خورند
وپوست انار سوخته با عسل بر سینه طلا نمایند **فواق** اکر
بعد از قی واسهال بسیار عارض شود **علاج** شراب بنفشه را
با لعاب اسفرزه به دانه دهند غذا شرخ جو وکدو ودوغن بادام
میل نمایند واین قسم بدترین اقسام است واکر از امتلای معده
باشد تنقیهٔ بقی نموده معطسات بکار برند ومصطکی با کلقند
میل نمایند واب خیار بپوشند اکر طول بکشد تنقیهٔ کامل نموده
بعد شربت از زیره وسیاه تخمه وانیسون تخم کرفس وزیانه و
قند خورند ویکمثقال کمونی را با نیم مثقال دارچینی نرم نموده
فرو برند **ضعف معده** کمی قوت هاضمه است تنقیهٔ معده بقی
واسهال نموده وبعد از ان مقویات معده مثل شربت به لیمو و
جوارشات واملهٔ پرورده وزنجبیل پرورده ومربای پوست
پسته وسیب وکلقند وبر کرسنکی صابر باشند واکر تابستان
باشد داب سرد نشنکی وریاضت کشیدن مفید است

فواق

ضعف هاضمه معده

جوع البقر کرسنکی تمام بدن است **علامت** رطوبت دهان وعدم
میل باب ووجع معده است وبرودت فم معده وکاهی هم غشی
عارض شود **علاج** شربتی از کاو زبان رازیانه انیسون وکلقند
از هریک دو مثقال خورند ومداومت کمونی واطریفل نیز مناسبت
غذاء نخود اب بکوشت کبک وتیهو باد وبه حاره میل نمایند **فسادشهوه** میل کردن بکل وامثال انست تنقیه معده بقی وتلین
طبیعت بحبوب مسهله ووقت میل بان چیز کباب میل نمایند
هیضه ان است که طعام در معده بماند وهضم نشود وفاسد کردد
وانچه لطیف بود بقی دفع شود وغلیظ باسهال **علاج** تناول
نمودن اب کرم با نیم مثقال کمند وبعد از زمانی اب به ده مثقال با
پوست پسته یکمثقال بکوبند وباب سیب میل نمایند ودر
مواضع سرد استراحت نمایند وصندل وکافور بر شکم طلا نمایند
غذا ماش وبرنج با بال مرغ **باب دوم در امراض کبد** ورم کبد **علامت**
درد موی تب لازم وتشنکی وحرقت ووجع وکرانی پهلو وسرفهٔ
خشک وتنک نفس وشکل ورم مانند هلال باشد وکاهی فواق
هم بهم میرسد **علاج** فصد باسلیق از دست راست وتلین
طبیعت وحقنه وضمادات محلل چون اشق واکلیل با سرکه

جوع البقر

هیضه

ورم کبد

وافتین و دو صفراوی تب لازم و زردی زبان و قی و سوزش
و زردی قارو ره **علاج** هر روز کلبنفشه نیلوفر تخم کاسنی میل
نموده استعمال مسهلات مناسب آنست کند و غذا کشک آب باشیر
خشخاش و در بلغمی **علامت** صلابت ورم و تشنگی و خشکی زبان است
علاج هر روز شربتی از رازیانه تخم کرفس گاوزبان تخم کاسنی نبات
بنوشند و قرص زرشک میل نمایند و موم سفید پیه بوسیه اردک
روغن بنفشه بادام اکلیل الملک بابونه ضماد نمایند و اگر از ضربه
یا سقطه ورم بوده باشد نخود دیوند مومیائی و روغن بنفشه
بگذارند غذا نخود آب زیره **عطش** اگر سبب آن حرارة قلب بوده
باشد **علامت** راحت یافتن بشرب آب سرد و هوای سرد **علاج**
اب غوره و اب لیمو یا اب سیب با صندل و عرق بید و کاسنی با آب
سرد بیاشامند غذا شیر جو با گوشت مرغ میل نمایند و اگر سبب
یبوست معده بوده باشد سکنجبین با عرق بید بیاشامند یا اب اناد
و شربت دیباس با نبات و غذا آش تمر هندی و سماق **ضعف کبد**
تب لازم نباشد بلکه زردی روی و تیرگی قلب و رنگ و قلت
اشتها و اسهال علامت است **علاج** شربتی از تخم کاسنی و رازیانه
نبات خورند یا سکنجبین با آب انار مجوش و از اغذیه لزجه احترا ز

لازم است

لازم است و ترشی صرف نخورند آش زرشک با انار دچاشنی نمند
میل نمایند یا نخود آب **سوء القنیه** مقدمه استسقاست و از
ضعف کبد عارض میشود **علامت** سفیدی رنگ مایل بزردی
و بر آمدن دست و پا و وجه و قراقر شکم تقویت جگر نمایند
با اب انار میخوش و اب زرشک و اب کاسنی و قرص دارچینی و آب
به شیرین طلا نمایند غذا آش زرشک و سماق نار دان **استسقا**
بر سه قسم است لحمی و زقی و طبلی **علامت** در ان قسم اول
بر آمدن تمام بدن است و در زقی چون دست بر شکم زنند صدای
مشک اب کند و در طبلی آواز طبل دهد و در هر سه قسم **علاج**
شیر شتر بعوض اب و غذا بنوشند و دوازده عدد ملخ را
سر و پا زده سوده با نیم مثقال برا مود ساییده بخورند و هر
روز شربتی از رازیانه و ریشه رازیانه اصل السوس تخم کاسنی
بیخ کاسنی ترنجبین میل نمایند و برگ سداب برگ انجیر بوره
ارمنی اب نمک صدف سوخته طلا نمایند و سرگین گاو گرم بر
شکم و مواضع باد ضماد نمایند یا بوره ارمنی با آب چغندر و مطول
طلا نمایند و استحمام با بهای شور نافعست و بر دوی دیگ
گرم و تابه حمام بخوابند و بوره ارمنی سعد زیره بر روی شکم

طلا نمایند و هر دو روز نه یکروز از حبوب مسهل مثل حب اصفر و
ایارج و مطبوخ هلیله میل نمایند و گلقند افتابی با رازیانه
مناسب است و روغن بید انجیر دادن در این مرض نیز مفید است
بقدر چهار مثقال و در طبلی روغن بابونه و شبت و سداب
بر شکم طلا نمایند و غذا نخود آب بگوشت بره یا مرغ و تر طعام
با دارچینی و فلفل و زیره و نانخواه و آب ترشی چغندر دادن
مفید است برقان در اصفر علامت زردی چشم و قاروره و تمام
بدن است و تلخی دهن و یبوست طبیعت و این قسم یا بعلت سده
که میان کبد و مراره بهم میرسد باشد یا بعلت طغیان صفرا عارض
شود و در اسود سبب سودا باشد علاج در اصفر آب کاسنی
هر یوم دوازده مثقال با هفت مثقال سکنجبین بیاشامند و
مویز را در سرکه جوشانیده میل نمایند و شیره تخم کاسنی تخم خیار
تخم کاهو با عرق کاسنی و آب کاسنی طرف عصرها بنوشند غذا
آش زرشک و آش بادام آش الوچه تمر هندی یا ماهی تازه بار که
میل نمایند و آش بادام مفید است و بلع نمودن ماهی زنده مجرب است

برقان

باب یازدهم در امراض طحال است

ورم طحال درد موی
سرعت نبض و عطش و سواد قاروره است علاج آن فصد

ورم طحال

باسلیق نموده

باسلیق نموده شربتی از تخم کاسنی بنبات میل نمایند و مویز را
در آب آهک جوشانیده ضماد نمایند و در صفراوی علامت
تب تند و عطش و زردی چشم و زبان و قاروره است علاج
شیره تخم کاسنی و تمر هندی با نبات میل نمایند یا آب انادینی
با نبات بیاشامند یا چند دانه انجیر را در سرکه جوشانیده مدت
ده روز در روزی پنج دانه از آنرا با قدری از همان سرکه بیاشامند
و از همان انجیرها ضماد نمایند غذا برنج شیره خشخاش خورند
و در بلغمی علامت بطوء نبض و قلت عطش و بیاض لون قاروره
است علاج هر یوم رازیانه نبات خورند و بعد از نضج ماده
مسهلات مناسب میل نمایند و زوفای یابس را پخته با انجیر
بو ده ادمنی ضماد نمایند غذاء نخود آب نفخه طحال علامت
بر آمدگی موضع سبز است و چون موضع را بفشارند وجعش
کمتر شود و قراقر هم دارد علاج تنقیه بدن بمسهلات
و مقیئات و آب رازیانه سکنجبین بزوری میل نمایند و نمک
و سبوس و جاورس را گرم نموده بر موضع ضماد نمایند غذاء
نخود آب با ابازیر حاره و روغن بید انجیر را با تخم شبت
و ریشه کبر بیخ بنفشه ایرسا سیاه و مقل اشق جاوشیر دلشه

نفخه طحال

اسهال صفراوی

و رازیانه مخلوط نموده در افتاب طلا نمایند و مداومت باین
معجون مناسب است رازیانه انیسون پوست ریشه کبر ابوبایا
بیخ بنفشه زراوند طویل تخم فنجنکشت تخم شبت اشق مقل ازرقی
در سرکه حل نموده ادویه را کوبیده با اشق سرشته حبها سازند
و دو مثقال میل نمایند **باب دوازدهم در امراض روده اسهال**
بسیاری اجابت طبیعت است چون صفراوی باشد **علامت**
عطش و حرقت و تلخی دهن و زردی مدفوع **علاج** رب به با
شربت لیمو به بنوشند و کل ارمنی با رب سیب بیاشامند و برک
مورد و برک سماق بر معده ضماد نمایند و هر یوم کل بنفشه یک
مثقال و نیم مداومت نمایند و کشک بریان تنقل نمایند با پوست
انار ترش و مازوی سبز مساوی صلایه نموده در سرکه جوشانند
تا مهرا شود حبها سازند بقدر فلفلی هر روز یک دانه فرو برند
یا یکمثقال پوست خشخاش بو داده سفوف نموده میل نمایند
و به پخته و خام میل نمایند و غذا اش سماق نار دان زرشک
با کوشت کبک تیهو مرغ میل نمایند و چون از بلغم بوده باشد
علامت نفخ و قراقر و خروج بلغم است **علاج** مسهلات مناسبه
داده تا قلع ماده شود بعد از ان صمغ عربی تخم ریحان بو داده

کلنار اقاقیا

اسهال دموی

معغص

کلنار اقاقیا از هر یک نیم مثقال بوب به سرشته بقدر یک مثقال
میل نمایند و معده را به کل ارمنی ذیرة کرمانی صندل اقاقیا اب
مورد ضماد نمایند و چون اسهال سوداوی باشد **علامت**
حرقت و خشکی دهن و بسیاری اکل و قلت هاضمه و نفخ است
علاج تنقیه بقی و بعد از ان سفوف ناردان یا بادرنک تخم
ریحان کل ارمنی صمغ نشاسته مساوی بریان نموده یکمثقال
با کلاب میل نمایند و از ترشیها احتراز لازم **است اسهال**
دموی علامت درد حوالی ناف و قراقر و خون رقیق است **علاج**
صمغ عربی نشاسته طباشیر بریان نموده با شیر داغ کرده
بیاشامند یا سوخته شش بره یا بزغاله سفوف نمایند غذا
برنج با شیره بادام میل نمایند **معغص** درد روده و زنان است
اکر سبب ریح بوده باشد **علامت** قراقر و بخروج ریح تسکین
یابد **علاج** هر صبح کمونی خورند و انیسون و رازیانه و کلقند
میل نمایند و اب با چه حقنه نمایند و اکر صفراوی باشد **علامت**
تشنگی و شدت درد است **علاج** مسهلات مناسب میل
نمایند و بعد از تنقیه حب نه نمایند و ادویه مقویه تناول
نموده مثل شربت صندل و زرشک و سیب و به در بلغمی **علامت**

قولنج

حیات

خروج بلغم است و در سوداوی علامت سوختگی مدفوع
علاج قسمین تنقیهٔ از مادهٔ غالبه و غذااش زرشك با صمغ
عربی قولنج دو قسم میباشد ریحی و ثقلی علامت هر دو قسم درد
شکم و تشنگی و قی و قبض طبیعت و عدم اشتهاست علاج شیافات
عمل نمایند از قار و صابون نمك ترکی بورهٔ ارمنی با مغز کردکان
با انجیر کوفته روزی دو مثقال تا ده مثقال میل نمایند و اسپند
کوبیده بر شکم گاه ضماد نمایند و تخم کرفس انیسون نانخواه هر یك
نیم مثقال میل نمایند و چند بید ستر یك دانه بکوبند و با آب رازیانه
حب ساخته فرو برند با نیم مثقال کونی میل نمایند و شکم را
بروغن بنفشه و لعاب خطمی و کتیرا طلا نمایند و شربتی از بنفشه
ترنجبین بنوشند غذاء نخوداب بگوشت مرغ جوان و زیره
و رازیانه و هرگاه شدید باشد از بورهٔ ارمنی و سایر ادویه
مفتح اماله کامل نمایند حیات کرم معده باشد علامت
احساس حرکت آن بود در حین گرسنگی و پیچیدن ناف و شکم و
خشکی لبها و آب رفتن از دهن و سائیدن دندان در خواب است
علاج گل بومادران یکمثقال با عسل خورند یا نخود تازه را یك
شبانه روز میان سرکه خیسانیده ناشتا میل نمایند یا چهار روز

یك پیاله شیرگاو

حب القرع

زحیر صادق

زحیر کاذب

یك پیاله شیرگاو با ده مثقال شکر و دو دانك سقمونیا میل نمایند
حب القرع که کدو دانه میگویند علامت صفرت لون و خروج
آن است علاج برنك کابلی مقشر درمنه ترکی بکوبند و مغز
کردو خرمای سیاه و مویز دانه بیرون کرده باهم آمیخته در
وقت خواب نیم مثقال فرو برند نوعی دیگر که کرمهای ریزه باشد
علامت حکه مقعد و خروج وی در حالت اجابت است علاج
مقعد را بروغن هستهٔ زردالوی تلخ چرب نمایند و صبر سقوطری
و سیاه تخمه را کوبیده عمل نمایند یا بوره و نمك و زهرهٔ گاو پیه
حنظل و مغز هستهٔ زردالوی تلخ عمل نمایند غذاء نخوداب
با دارچینی زحیر صادق که اجابت طبیعت است بدفع شدن
اندك چیزی و گاه با خون باشد و گاه با رطوبت علاج آن
نشاسته گل ارمنی بریان نموده سفوف نمایند و طبیخ برگ خبازی
با شکر مناسب است و بوش عصا در حین شدت و برودت
مزاج تجویز نموده اند صفت آن فلفل سفید بزرالبنج افیون
زعفران سنبل الطیب عاقرقرحا فرفیون کوفته و بیخته با عسل
بسرشند غذاء پهطی ماش و دبه میل نمایند زحیر کاذب
میل دفع طبیعت است بدون دفع شدن چیزی و پیچ دور ناف

بواسیرکه

وبرودت مقعد **علاج** ملینات حقنه نمایند چون بنفشه خطمی و
سپستان و مغز فلوس روغن بادام واگر از برد حادث شود
اکلیل الملك بابونه بجوشانند ودر طشت ریخته در میان
آن نشیند یا آجر یا گرم نموده بر بالای آن نشسته باشند غذا
آش بادام با جلو زرده تخم مرغ میل نمایند **بواسیرکه** دانه
چند است بر سر مقعد و آن سه قسم میباشد غلبه بادی خونی و
قسمی چون توت سیاه باشد **علاج** حب مقل میل نمایند **صفت**
آن پوست هلیله کابلی هلیله سیاه هفت مثقال سکنجبین ده
مثقال خردل یکمثقال کوبیده و بیخته باده مثقال مقل ازرق
در یك پیاله آب تره حل نموده بقدر نخودی حب سازند و با
نیم مثقال آب کبر هر صبح نیم مثقال فرو برند و طلای مغز قلم گاو
مفید است و انجدان را با سرکه پخته طلا نمایند و پوست
دلبنه کرده دوا با پوست دلبه انار و روغن زیتون جوشانند
تا مهرا شود و پنبه را بدان آلوده بگذارند و در دموی نخود
تازه را با آش دشته گرم میل نمایند و اگر بادی باشد سه
مثقال بسفایج را جوشانیده باده مثقال مغز فلوس و ترنجبین
بیاشامند و بو سیاوشان با روغن گاوی پخته ضماد نمایند

ترکیدن مقعد

بیرون آمدن مقعد

امراض کلیه و مثانه

شقاق مقعد ترکیدن پوست مقعد است **علاج** آب پیاز سفید را
پخته با روغن کوهان شتر و کندر و مقل را در یك پیاله آب
بجوشانند تا مهرا شود و بگذارند **خروج مقعد** هر یوم دو سه
دفعه آب ذنی از مازوی سبز با سرو پوست انار و جفت بلوط
بکار برند **ورم مقعد** در دموی علامت وجع و ثقل است و
در صفراوی سوزش و اضطراب در دموی **علاج** فصد
باسلیق و در صفراوی هفت مثقال تمر هندی و سه مثقال
سناء و دو مثقال تخم کاسنی گل سرخ و پیت عدد سپستان
در دو پیاله آب بجوشانند تا به نیمه آید صاف نموده ترنجبین
شیرخشت از هر یك هفت مثقال داخل نموده نیمگرم بنوشند
و آب پیاز با زرده تخم مرغ و روغن بادام و پیه مرغ طلا نمایند
باب سیزدهم در امراض کلیه و مثانه حصاة کلیه سنگ گرده است
علامت درد شدید در پشت که موضع کلیه است و صفای
قاروره و خروج بول بعسر و بیرون آمدن ریگهای سرخ و
زرد و سنگینی و سوزش است **علاج** هر یوم دو مثقال
سیاه تخمه با آب گرم بنوشند یا یك مثقال خاکستر چوب جو با
آب سرد بنوشند غذا نخود آب با گوشت کبك یا تیهو و از تمام

وجع کلیه

ادویه وغذاهای غلیظ احتیاط لازم باشد وجع کلیه با دی یا سنگ
کرپشت داکیرد علامت علام بنودن ثقل است وانتقال وجع از
موضعی بموضعی دیکر علاج آن مداومت بماء الاصول نمایند صفت
ان در فالج کذشت وسبوس کندم با جو ضماد نمایند یا مقل را در آب
حل نموده با مغز ساق کاو و پیه اردک طلا نمایند یا ذوفای یابس
ضماد نمایند

ضعف کلیه

ضعف کلیه علامت غلظت بول و رنکینی ان مانند خون
و آب هم آمیخته باشد یا ابی که دران کوشت شسته باشند اما
علاج اول باید تنقیهٔ کامل نمایند با دویه مقوی کرده مداومت
نمایند بفلونیای فارسی صفت آن بزر البنج فلفل تریاک زعفران
عاقرقرحا فرفیون جندبیدستر زرنباد درونج عقربی
مشک مروارید ناسفته با یکصد مثقال عسل سرشته هر صبح
دو نخود میل نمایند

اورام قلوه

ورم کلیه در دموی تب ووجع وسوزش
وترمی نبض و در صفراوی صداع وبیخوابی وزردی بول است
و در بلغمی عدم ثقل وقلت وجع وسوزش و در سوداوی ثقل
وقلت بول است علاج اقسام تنقیه از خلط غالب نموده ومقل
را در آب حل کرده با مغز ساق کاو پیه اردک طلا نمایند یا شبت
وبابونه وبورک وحلبه وتخم خطمی وخبازی همه را کوبیده با

زخم شدن قلوه

با آب رازیانه سرشته ضماد نمایند قرحهٔ کلیه علامت
وجع وخروج خون وچرک وظهور قشور در بول است اما
علاج نشاسته صمغ عربی بورک کل ارمنی ترکیب نموده وهر روز
یک مثقال با شیرهٔ خشخاش بنوشند غذا ماش ونخود آب مغز
بادام میل نمایند واز جماع احتراز لازم است

ورم شانه

ورم مثانه علامت
در تمام اقسام دشوار آمدن بول و در دموی تب لازم است
علاج اول فصد باسلیق نموده کاکنج عناب نیلوفر تخم کاسنی
شیرهٔ تخم کدو ترنجبین شیرخشت میل نمایند و در صفراوی
علامت سوزن زدن شانه وتب وهذیان علاج تنقیهٔ
بمسهلات مناسب

سنگ مثانه

حصاة مثانه علامت ان صفاء قاروره
وثقل وسوزش وسفیدی بول وخروج ان است علاج یک
مثقال سیاه تخمه را کوفته با آب کرم بنوشند یا ناشتا دو مثقال
اب ترب را بنوشند یا شیرهٔ تخم کاسنی رازیانه با نبات هر روز
میل نمایند وقی کردن نیز مفید است غذا نخود آب بکوشت
کبک وتیهو واز معاجین معجون کاکنج وحجر الیهود مفید است

قرحه مثانه

قرحه مثانه علامت بیرون امدن چرک وخون وعسر بول وبد
بوئی آن وظهور قشور سفید است علاج هر صبح روغن بادام

ریح مثانه

یا کبخد هفت مثقال بخورند و میعه سایله پیه بز موم سفید
دوغن بنفشه بادام موم دوغن ساخته بمالند و ضمادی
از خرمای هویزا اقاقیا شب یمانی طواشیث کوفته بر ظهاد
نهند صفت دوائی که بر قضیب چکانند انزروت نشاسته سفیداب
با شیر دختر یا جماد حل نموده چکانند و خوردن شیر اسب
مثانه را از ریم پاک کند و غذای فرجه کلیه مناسب است
ریح مثانه علامت درد بسیار در وقت خروج بول است
علاج انماء الاصول با دوغن بیدانجیر میل نمایند و اشق با
سرکه ضماد نمایند و دوغن یاسمین و سوسن و بان با جند
بیدستر و حلیث و مشک و غالیه بمالند و اب سداب با مشک
و اب پودنه و جند بیدستر بر مجرای بول چکانند و شانهٔ
از تخم کرفس انیسون رازیانه صعتر فلفل سکبینج شکوبنیر ساخته
بکذارند و معجون های مناسب این مرض را میل نمایند و از
غذاهای نفاخ احتراز نمایند جرب مثانه علامت خارش

جرب مثانه

شدید موضع مثانه و سوزش بول و بدبوئی آن و درد لشیا
در اخراج بول است علاج تا سه یوم را لعاب بهدانه اسفرزه
با شیر دختران و دوغن بادام خورند و بنای شیر الاغ بکذارند

وبابن دستو د

خلع مثانه

وبابن دستو حقنه نمایند شیر الاغ سفیداب قلع تر باک نوفل
سفیدهٔ تخم مرغ اب کشنیز عناب سپستان کل بنفشه لعاب بهدانه
نبات میل نمایند و غذاء ماش آش بادام نخود اب میل نمایند
خلع مثانه علامت شواری بول است علاج هر صبح نیم مثقال
خاکستر حلقوم خروس با یک پیاله اب کرم سفوف نمایند
تقطیر البول علامت بیاض قاروره است و ضرر یافتن از

بی اختیار بول کردن

غذاهای بارد علاج مورد خشک برک سیب برک خیار مرمکی
کندر کلنار بلوط مساوی در شراب انکور جوشانیده صاف
نموده هر صباح یک وقیه اذا وبدهند صفت سفوفی بلوط را یک
شبانه روز در سرکه جوشانیده بعد بود داده بقدر ده مثقال
و هلیلهٔ کابلی هلیله املهٔ منقی بود داده هر یک هفت مثقال علک
شامی هفت مثقال واس خشک ده مثقال کوفته و بیخته شربتی

حب تقطیر البول

سه درهم با آب آهن کران میل نمایند صفت حب تقطیر البول است
جند بیدستر مرمکی قسط تلخ حاشا عاقرقرحا جفط بلوط
مساوی کوفته و بیخته با آب مورد تازه سرشته حب نمایند
و هر شب وقت خواب نیم مثقال تا یکمثقال میل نمایند و معجون
ماسک البول یک مثقال فرو برند صفت قطوری مومیائی و

قطوری

بندشدن بول

دوغن زنبق کداخته در مجرای بول و دوبر بورادند یا قطره
اب به تورش با جند ببد ستر در احلیل بچکانند غذاء نخودآب
با زنجبیل و رازیانه و دارچینی **حبس وعسر بول علامت** ثقل
بغل ران و رسوب بول و عدم تشنکی و سرعت نبض و سفیدی
قاروره است **علاج** خراطین بکوبند و با رب انکور بنوشند و
شپش زنده در سوراخ احلیل بکذارند یا شپشهٔ سیاه را سوده
در احلیل بکذارند **حرقة البول** که سوزش بول است هر یوم مغز
تخم خیارین مغز تخم کدو و مغز تخم خربوزه کومك تخم خرفه تخم خشخاش
نشاسته کتیرا رب السوس هر یك سه مثقال بزر البنج دو مثقال
شربتی سه مثقال با شربت بنفشه بنوشند و قرص کاکنج و نبادق
البزور مناسب است و شربت الو بالو نیز مفید است **سلس**
البول معجون لبوب و سفوف کهربا و کوشت روباه بریان کرده
با قلونخر کوش خشك کرده و عاقرقرحا تخم کرفس شربتی دو مثقال
با اب سرد میل نمایند و تریاق فاروق و مرو دیطوس و سنجرنیا
وانقرویا با شراب کهنه در این علت مناسب است و اب زن
قوابض نیز لازم است و سفوف کندر شاهدانه جفط بلوط
سعد کوفی از هر یك مساوی کف نمایند با نبات و برش عصادر

سوزش بول

سلس البول

وقت خواب دو نخود فرو برند **ذیابیطس** اب خوردن و در زمان
دفع کردن است **علاج** شربت زرشك یا ریباس خورند و غذاء
غلبهٔ کدو و رب به و رب غوره و نار دان میل نمایند و زود
معالجه نمایند که منجر بدق خواهد شد **بول الدم** علامت
رفتن خون و بول چون ابی که در ان خون شسته باشند **علاج**
فصد باسلیق نمایند و کل ارمنی و صمغ عربی با اب به و رب به
شیرین میل نمایند **صفت** سفوفی شب یمانی کلنار خون سیاوشان
یکمثقال کتیرا دو مثقال صمغ عربی نیم مثقال شربتی یك مثقال
صفت شربتی دیکر خشخاش کل مختوم کل ارمنی اب لحیة التیس
صمغ الو کهربا مساوی خوراکی یکمثقال **شربتی دیکر** شاخ کوزن
سوخته کتیرا مساوی یکمثقال با رب غوره بدهند **و آب زنی**
عدس مقشر پوست انار ماز و کوفته برك مورد خرنوب جفط
بلوط کزمازج جوشانیده در ان اب نشینند **ضعف باه**
عدم قدرت بر جماع است چون از برودت مزاج بوده باشد
رفت منی و برودت ان در وقت خروج **علاج** از معاجین و
مفرحات و حلویات که نسخه انها در کتب مطول است میل نمایند
و سعلب و مثر کاو با شکر و مغز سر کنجشك یا تخم کبوتر با زنجبیل

خون بول کردن

کمی قوت باه

پرورده را با کلقند خورند یا تخم تره تیزك باذرده تخم مرغ نیم
بوشت یا بادام وقند و لبسه را بایکل بکر کوفته میل نمایند
یا آلوده سیب وذذدك پخته وپیاز وماست مناسب است
ومغز تمر هندی را با شیر کاو میل نمایند وخردل سرخ را بو
قیض طلا نمایند باعسل کثرت احتلام بسیاری انزال در خواب صحت

کثرت احتلام

علاج معجون عطائی خورند وشربتی از تخم جز وتخم شلغم با کل
انکبین میل نمایند وغذا نخوداب بکوشت کبوتر بچه با هفت
دانه موتو طایفی را هفت دانه فلفل در ان کذاشته میل نمایند
وزنجبیل مناسب باشد غذیوط ان است که در حالت مباشرت

غذیوط

غایت اید علاج قبل از مباشرت بخلادفنه ماذوی سبز را کوفته
با آب مورد خمیر نموده شاف ساخته و در وقت خواب کلناد
کل ادمنی اقاقیا تخم مورد از هر یك دو مثقال صندل سفید صمغ
عربی کندر از هر یك یکمثقال کوفته با آب به وسیب میل
نمایند ابنه صاحب این مرض میل کند که امرد ی با و مباشرت

ابنه

نماید علاج صبر سقوطری شحم حنظل نمك ترکی مقل ازرق
کثیرا از هر یك مساوی نیمثقال غاریقون یك مثقال لهجه
امیخته با عسل سرشته حب نمایند وفرو برند خوراکی یکمثقال

قتق

فتق درابکوم نشه دست بالدنابالا وودا نزدوت
قرمکی حضض ماذو مصطکی راکوبیده با آب مورد سرشته
بوظها دطلا نمایند وافاقیا سبز انزدوت مصطکی کندر
پوست انار ماذو وسماق کلنار برك مورد شب یمانی صمغ
طراثیث سرشیم ماهی سرش جوز السرو برك سرو ابهل ضماد
نمایند وبچه کودکان چند بید ستر اشق علك البطم صمغ کلج
مقل کل کافته با زرده تخم مرغ سرشته ضماد نمایند ورم

ورم بیضه

خصیه درد موی علامت سرخی ورم است علاج فصد
باسلیق کند وحلبه بابونه اکلیل الملك کل خطمی تا جو بزی
بزرکتان اد بافلا اردجو ارد نخود برك کلم ذیرة کرمانی با
شیر کاو پخته ضماد نمایند ودر ابتدا راد عات بارده
محلل بکار برند وطرفهای صبح منضج مناسب وعصر شیرهای
خنك با عرق نیلوفر میل نمایند قرحه قضیب هر کاه جراحت مزمن

قرحه قضیب

باشد توتیا قلم صبر انزروت کندر شادنج کلنار اقاقیا زاج
سوخته ماذو مساوی زنکار یك جزو نیم هسته انار تورش یك
جزو با روغن کل مرهم سازند آب انار و روغن تخم مرغ قطور
نمایند وشیره تخم خرفه با قند بنوشند وفصد باسلیق نمایند

معظمات ذکر

معظمات ذکر چیزهائی که ذکر را بزرک کند و قوت مباشرت دهد
زلوی خشک و خراطین با روغن زیتون و کنجد سرشته طلا نمایند
و دفت را کرم کرده بر ذکر چسبانند و بر دارند چندین دفعه
تا خون را جزب کند و غذا نخود آب بره و کوشت اردک و کنجشک
با ادویه حاره و حلیم کوشت کوساله مناسب است **باب چهاردهم**

امراض رحم بسیاری حیض

در امراض که زنان را عارض شود رحم را بسیاری حیض
چون از غلبه خون باشد **علامت** سرخی چشم و رو و شیرینی
دهان و بسیاری خواب است **علاج** اول فصد باسلیق کند و
دوغ کاوی آهن داغ خورند و مغز کدوی کهنه حمول کند با
شراب انکور امیخته و دردی شراب را زیر ناف ضماد نمایند و
چون از صفرا بوده باشد و زود بیرون آید و دهن تلخ باشد
کل ارمنی صمغ عربی یک مثقال از هر یک با رب سیب بنوشند

حقنه ادرار طمث

وغذا باچه و حلیم میل نمایند **صفت حقنه که ادرار طمث**
بکار آید مازوی سبز پوست انار کل سرخ کلنار بار درخت سرو
جوشانیده حقنه نمایند و خرما خوک به ترش پوست انار جفط بلوط
برک زرشک کلنار بلوط اقاقیا آب لحیة التیس لادن تخم مورد
آب برک مورد بر لته و شکم و کمر ظهار ضماد نمایند **فرزجه**

فرزجه

صمغ عربی کل مختوم کل ارمنی کهربا کندر دم الاخوین سنک شب یمانی
اقاقیا خون سیاوشان بسایند و با آب بارتنگ سرشته و شیاف
سازند حمولا و ضمادا و حقنه نافع بادرسنبل الطیب عود سک
کل مختوم کل ارمنی خون سیاوشان مساوی دو مثقال کافور دو
حبه با شربت مورد بنوشند **صفت فرزجه دیگر** سرکین پرستوک

فرزجه دیگر

کلنار کاغذ سوخته زاج سوخته زیره در سرکه جوشانیده
با کل ارمنی صندل سفید کندر تخم مورد ریوند چینی نشاسته
افیون کل سرخ هسته غوره نرم سائیده با کرک بز بردارند
و تمام شب نکاه دارند **حبس حیض که عبارت از نیامدن خون است**

حبس حیض

چون از فربهی باشد که مجاری را تنک کرده باشد **علاج** فصد
صافن و کشیدن ریاضت تا بدن ضعیف شود و هر یوم تا جوزی
ریشه کرفس ریشه رازیانه تخم کرفس رازیانه انیسون تخم حاحس
لوبیا سرخ تخم کشوث رناس ابهل مشکطرامشیع شیرخشت
میل نمایند و رازیانه تخم کرفس انیسون بادرنجبویه زوفای
تازه اکلیل الملک جوشانیده در ابش نشینند و حنظل در دهن
فرج دود کنند و زهره کاو و خربق سیاه کندش اشنان نادسی
بوره ارمنی بر لته آلوده فرزجه نمایند و جاوشیر سکنجبین

فرود مانا حلیبث هر یک منهاد و دکند و اکر از دنق بوده باشد
ان پرده ایست که باید بوید نتو رحم یعنی بر آمدن رحم علامت
در درپشت و نهیکاه و مقعد است علاج یکمثقال عنبر را کداخته
نیم مثقال مشک داخل نموده در قبل بکذارند رجاء شبیه بحمل
باشد علامت سختی شکم و نفع یافتن از فشردن و مالیدن و
بدی خلق است علاج بماء الاصول مداومت نمایند و دار زیانه
تخم کاسنی تخم کشوث و انیسون و کل قند میل نمایند خفقان رحم
مرضی باشد چون صرع و هرچندی عارض شود و بیشتر زنان
فربه را هم میرسد علامت کسل و بالا بخاران است و راحت
یافتن از اب سرد است و سیلان یافتن رطوبت علاج موی
انسان را در زیر دامنش دود کنند و بوک سداب و بوک جوزق را
جوشانیده در ابش نشینند و عنبر و مشک را با روغن یاس امیخته
بفرج تدهین نمایند و چیزهائی بدبو چون سیر و پیاز و نفط
در پیش بینی نکاه دارد و مباشرت نفع تمام داد و بهتر از
از جمیع دواها است نفخه رحم باد رحم است علامت وجع زیرناف
و صلابت ان و زور یافتن از غذاهای بارد علاج هر یوم
کمونی میل نمایند و شربتی از سیاه تخمه تخم کرفس و رازیانه

برامدن رحم

خفقان رحم

باد رحم

انیسون کل بنوشند و اکلیل الملک بابونه شبت مرزنجوش
سداب تخم ادمنی را جوشانیده در ان اب نشسته باشند حکهٔ
رحم علامت بسیاری میل بمباشرت است علاج مسهل صفرا میل
نمایند غذا اش نا ردان و سماق میل نموده بجوانان قلهٔ مستعد
شود بواسیر رحم دانهٔ چند است بر کرد رحم و بادی دایم رطوبتی
باشد علاج فصد باسلیق کرده روغن هستهٔ زردالوی تلخ و
هلو و شفتالو کوفته دهن فرج را چوب نمایند شق رحم
ترکیدن رحم است علامت درد دائمی و امدن خون و ریم است
علاج آن شربت بنفشه شیرهٔ تخم خشخاش تخم کدو و پیه بیاشامند
بز و مغز ساق کاو تدهین فرج نمایند غذاء ماش با شیرهٔ بادام
و از قابضات احتراز لازم است قرحهٔ رحم زخم رحم است
علامت درد شدید و تبوک زدن و خروج خون اب است
علاج فصد باسلیق نموده کل بنفشه عناب پرسیاوشان
و نبات میل نمایند و کندر کلنار شب یمانی پوست مغز پسته
با اب مورد سرشته بخود برداند ورم رحم در دموی علامت
در همهٔ اقسام عسر بول است در دموی تب لازم و حمره
زیاده است علاج فصد صافن و باسلیق نموده تلیین طبیعت

حکهٔ رحم

بواسیر رحم

ترکیدن رحم

قرحهٔ رحم

ورم رحم

صفت حمولی

ودم بارد رحم

سرطان رحم

نمایند وتقلیل غذا نموده لسان الحمل عنب الثعلب اسفرزه برک
خرفه کاسنی تراشیده کدو وخیار و روغن کل چرب نموده
ضماد نمایند صفت حمولی کل خطمی بزرکتان تخم اسپند اکلیل الملك
با اب بارتنك بر پشم بره تر کرده بخود بر دارند صفت ضمادی
کرد داخر علت که تسکین حرارت شده اشق مقل میعه سایله
بارزد مرمکی علك البطم مغز قلم کاو پیه اردك پیه مرغ روغن
سوسن سداب وشبت بارزده تخم مرغ ضماد نمایند صفت حقنه
تخم کتان کل و تخم خطمی حلبه کتیرا نشاسته نیم کرم رحم را بدان حقنه
نمایند غذا ماش با شیره خشخاش وبادام میل نمایند ورم بارد
رحم علامت صلابت وکمی درد وترهل زهار وعضلات شکم
باشد باید استعمال ادهان حاره نمایند باضمادات وحمولات
مذکوره بلکه بجند بید ستر صبر مایه خرکوش زعفران بابونه
وحلبه وشبت قوی تر نمایند سرطان رحم علامت آن
درد بسیار در بغل ران وظهار است وکاهی اوقات تا بسینه
اید ومنجر باستسقاء میشود فصد باسلیق نموده رحم را بجای وضع
مرتکی زنجار با ذرداشق کنند زراوند طویل مقل مرداسنك
موم سفید صمغ کاج وروغن زنبق یکرطل بغدادی صمغ ها را

نزائیدن زنان است

فرزج نیز جهت زنان

در سرکه حل نموده وموم را در روغن بکذارند و داخل کنند
بر هم زنند تا مرهم شود رحم را بدان حقنه نمایند صفت
حقنه که رحم را پاك کند اب کشنیز تازه اب کاسنی در هاون
مرب بدسته سرب بمالند تا مایل بسیاهی شود و حقنه نمایند
و چون خون بروز کند از کل ارمنی سفید اب طلع اب بارتنك
اب لحیة التیس تا جریزی کشنیز سفیده تخم مرغ حقنه نمایند
رحم را عقر قبول نطفه نکردن رحم است علاج لبساسه
دارشیشعان مغز قلم کاو مایه خرکوش و سرکین ان و پیاز عنصل
وعسل ومایه بره در سایه خشك کرده بر پشم الوده با شاف
ساخته فرزجه نمایند اجزائی که فرج را تنك کرداند تخم
کل سرخ سنبل الطیب دارچینی مشك زعفران لادن عنبره
مصطکی سعد کوفی ساذج هندی عود هندی بخور بر دارند
ومعین بر حمل است وارد سنجد میل نمایند و بول فیل و زهره
شیر و زهره خر و کاو و زهره خرکوش و زهره کرك هر یك موجود
باشد با روغن نار دین بر دارند و فرج را با ابی که در ان
شحم حنظل پخته باشند بشویند وشب یمانی سماق قرمکی
عود زعفران با عسل سرشته بعد از پاکی سر روز بر دارند

وشیح ارمنی فلفل سیاه افیون مرمکی کوفته با شراب انکوری سرشته
قبل از جماع بردارند دیکر نطفه نلغزد و اولاد شود ان شاء الله
تعالی صفت معجونی که مرد باید بخورد تا معین بر حمل شود
بهمنین کندر اسود سقنقور زهره سود زرنباد درونج لسبد
خولنجان سعلب دارچینی لسان العصافیر فلفل سفید خودل سفید
شقاقل کهربا نارجیل سورنجان بوزیدان قضیب کاو سوده
مغز سر کنجشک زنجبیل حب الزلم انجره مغز پسته مغز انجوچک
با عسل چنانچه رسم است معجون سازند خوراکی علامت
پسری و دختری باید شیش را در کف دست نهاده شیری از
خود ش بدو شند اکر حرکت کند پسر است والا دختر خواهد بود
و بزرکی پستان راست دلیل پسری باشد عسر ولادت
که دشوار زائیدن زنان است علاج نیم مثقال تریاق اربعه
فرو برد یا معجون مرمکی نیم مثقال زوفای رطب اکلیل الملک
کوه تازه حمول نمایند وسنک اهن ربا در دست کیرد یا بید
بر بیخ ران بر بندند یا سم اسب یا قاطر یا کاو بخور نمایند و
بمغز ساق کاو شکم و پشت را چرب نمایند باب پانزدهم در
امراض مفاصل وجع ظهر وحدبه و ریاح افرسه حدبه مایل

معجون سیاهی بر حمل

تشخیص پسر یا دختر

دشوار زائیدن

امراض مفاصل

شدن نقره

شدن نقرهٔ از فقرات پشت است بجانب دیکر علامت درد
بسیار و کسل و تشنکی و عظم نبض علاج فصد باسلیق نموده
مسهل کامل میل نمایند و قصب الذریره کوفته با عسل نیم کرم
طلا نمایند و یا مقل را در روغن کل حل نموده با پیه بز و مرغ و
مغز ساق کاو کداخته ممزوج نموده طلا نمایند وجع ظهر
درد پشت است در بلغمی بطی بودن نبض و لون قاروره سفید و
سردی ملمس و در دموی تب لازم و سرعت نبض و حمرة بول در
بلغمی منضج های مناسب و مسهل خورند و کل انکبین را با انیسون
داخل نموده میل نمایند و اکر از برداشتن بار کرانی بوده باشد
ادهان حاره چون روغن بنفشه بادام و سداب و یاس و کل
و مصطکی و شبت و بید انجیر تدهین نمایند و حب نتن خورند
صفت ضماد دیکر مقل اشق جاوشیر سکنجبین جند بید ستر فرفیون
بابونه روغن حب الغار و سداب درهم سرشته ضماد نمایند
وضماد خرزهره درد پشت کهنه را زایل کند و روغن بید انجیر
با ماء الاصول بسیار مفید است و از معاجین تریاق فاروق
مثرودیطوس سنجرنیا تریاق اربعه فلونیا ی فارسی بوشی مناسب
باشد وجع مفاصل درد پیوندهاست در دموی علامت ان

وجع ظهر

ضماد

مفاصل

سرخی موضع وضربان وحمرة فادوده است ودر صفراوی تب
وزردی موضع فادوده است ودر سوداوی سواد **علاج**
فصد باسلیق نمایند ورادعات باد وضمادات ورق چنار
زود صبر اقاقیا مورد تازه اسفرزه با سرکه اد جوجل و زق ودد
ابتداء معاجین مخدره وبعد مسهل ومنضج مناسب هر خلط میل
نمایند وغذاء آش غوره وزرشک وتمرهندی وصفراوی
مناسب وحب ایارج بسیار مفید است وسفوف عظام رمیم
انسانی بقدر یکمثقال سوخته وباشکر هر یوم میل نمایند مجرب
مجرب ودروغن سرند هین نمایند وحب سورنجان وحب نتن
وهرگاه ماده در عمق مفاصل رفته باشد حبوب قوی که تخم تربد
ماهی زهرهٔ سقمونیا با سایر ادویه مناسب چون ریشه کبر
سورنجان بوزیدان ملح نفطی فاریقون میل نمایند وروغن گل
وباچه وفرفیون زعفران مناسب است در بلغمی وسوداوی
وجع ورکه دردسرین است فصد صافن وباسلیق نموده تخم
مرغ سورنجان زعفران صابون خشک برای جا ضماد نمایند
ومسهلات میل نمایند **عرق النساء از مفاصل حرکت کند وبانگشتان** *(عرق النساء)*
پا درود بدستور مفاصل تنقیه کامل نموده از حبوب ورادعات

وهر یوم شربتی از رازیانه تخم کرفس انیسون گل انگبین میل نمایند
واستخوان سوخته رایکمثقال باشکر خورند ویکمثقال ونیم
اسپند راتا پانزده شب سفوف نمایند وطبیخ ترمس با سرکه
وعسل وسورنجان بوزیدان ضماد نمایند وسورنجان رازیانه
مغز بادام مقشر زعفران نشاء حکی قند برابر ادویه با گلاب
سرشته هر یوم میل نمایند ودر حین شدت درد خون را بزلو
دفع نمایند وغذاء نخوداب **نقرس** دردی باشد درمیان *(نقرس)*
انگشتان پا در نهایت شدت **علاج آن** تنقیه خلط غالب نموده
بول شتر راجوشانیده با اسپندان طلا نمایند وبرگ بید با
روغن گل وزعفران وفرفیون ضماد نمایند وباقلا وپیه خوک
نافع است **داء الفیل** که بزرگ شدن ساق پا وقدم است چون *(داء الفیل)*
پای فیل در سوداوی علامت جراحت است ودر بلغمی عدم
جراحت است **علاج** تنقیه بقی نموده فصد باسلیق وصافن
کند هر یوم شربتی از اصل السوس رازیانه گلقند میل نمایند
وفلفل زنجبیل کندر از هریک دو مثقال قرصها تا اکر ویا از
هریک سه مثقال با مساوی همه قند داخل نموده در وقت
خواب میل نمایند **دوالی که** مرضی باشد که عروق ساق وقدم *(دوالی)*



قوي گردد و قدری چند سنبر بر روی وی ظاهر شود و چون
از سودا باشد رنگش بسیاهی مایل بوده باشد و چون از بلغم و
خون است رنگ مایل بسفیدی و سرخی باشد اما علاج آن
اول قی نموده بمسهلات قوی دفع خلط غالب نمایند و فصد صافن
و باسلیق نمایند و هوای مالش داده تا باریک شود و محکم
بربندند تا باریک شود و پارا ریاضت ندهند غذاء ماش
با مغز بادام و نخوداب میل نمایند باب شانزدهم در حمی است
و اقسام آن اول حمیات تب یوم است و بطریق اجمال مذکور
میشود و سبب حدوث این تبها اسباب خارجی باشد و هر یک
از حمیات یوم را باسم آن باعث خارجی اسم گذارده اند و اول
بدون ماده باشد بعد بدن را گرم کند و قلب را حرارتی زیاده
از حد اعتدال عارض شود و خلطی گردد و آن هم در داخل عرق
باشد و هم در خارج و اقسام آن بطریق اجمال مذکور میشود
اما اقسام اینست بدانکه حمیات سه جنس است جنس اول
از حمیات حمیات یوم است که حرارت غریبه منشبث بارواح شود
و اقسام این است عشقیه خوفیه سهریه نومیه بردیه استفراغیه
وجعیه فرحیه غضبیه فکریه سدیه غمیه خمادیه جوعیه عطشیه

بقیه نادیه

بقیه نادیه امتلائیه جنس دویم آن است که حرارت اول منشبث
باعضا شود و این حمی دق باشد و آن را سه مرتبه میباشد اول
آنکه افنای رطوبات عروق کند دویم آنکه افنای رطوبات عروق
شعریه و سواقی کند سیم آنکه افنای رطوبات نفس جوهر عضو
کند و این قسم علاج پذیر نیست جنس سیم آن است که حرارت
اول منشبث باخلاط اربع شود و اقسام آن از مرکب و مفرد و مواد
هر یک از خارج و داخل روشن خواهد شد انشاء الله تعالی
سونوخس غلیان دم است داخل عروق مطبقه که فساد و تعفن
دم است داخل عرق محرقه تعفن صفرا داخل عرق است و آن را غب
لازم هم میگویند و نوبه آن یک روز خفیف و روزی شدید باشد
غب خالص که تعفن صفرا است خارج عرق و نوبه آن یک روز در میان
بوریک لرز آید غب غیر خالص تعفن بلغم و صفرا است هم در داخل
و هم در خارج و نوبه آن شدید و روزی خفیف میآید شطر
الغب تعفن بلغم و صفرا است در داخل و خارج عرق و هر یک
مستقل عفونت جدا کانه و این نوبه هر یوم آید غبین
انست که دو غب مرکب شود و این دو قسم است اگر ماده آن که
صفرا و بلغم است داخل عرق باشد غبین لازمین گویند و آن



نوبه نیز هر یوم اید واکر خارج عرق باشد غبین دایرین کویند

وان نوبه نیز هر یوم اید مواضبه ونایبه هرد ویکیست تعفن بلغم

خارج عرق ونوبهٔ ان هر یوم آید لثقه تعفن بلغم است

داخل عرق واین نوبه نیز هر یوم باشد ربع دایر تعفن سوداست

درخارج واین نوبه در دو روز نباشد ودو روزی باشد ربع معکوس

وربعین هرد ویکیست وان ترکیب دو ربع باشد ومادهٔ

ان تعفن سوداست در داخل وخارج که طحال بود مباشد واین

نوبه در دو روز باشد ودو روزی نیاید لثبیه اربلع که ترکیب سه ربع است

تعفن سوداست در داخل وخارج وان نوبه هر یوم نیز باشد

نوبهٔ غشی انست که مادهٔ ان بیشتر در حوالی قلب تعفن هم

رساند ودر وقت حرکت ماده ابخره چند بقلب رسد وموجب

غشی شود واین دو قسم باشد اکر مادهٔ صفراء بوده باشد چون

تب غب دو روزی اید ودو روزی نیاید واکر مادهٔ بلغم بوده باشد

هر یوم آید حمی یوم تا سه روز بیش نماند وبا باشد که تا هفت

روز باشد علاج ان دفع سبب غالیه نماید وخاکشیر ترنجبین

شیرخشت عرق نیلوفر بنوشند سونوخس تبی باشد که از غلیان

وزیادتی خون هم رسد علامت سرخی چشم ودرد علم بد بوئی

بول است علاج فصد باسلیق نموده تبرید نمایند بلعاب اسفرزه

بهدانه شیرهٔ تخم خیار تخم هندوانه تخم کاسنی وسهل از کلقند

نیلوفر کلقند میل نمایند غذا ماش باذرشک وچاشنی قند

مطبقه تبی باشد لازم وبری دکها وسرخی چشم وصورت و

حمره وبد بوئی بول علامت است روز دویم چهارم هفتم فصد

باسلیق وبدن بقدر قوت نموده باشد وهر یوم منضج از نیلوفر

تاجریزی عناب سپستان تخم خطمی دلبته کاسنی با شربت بنفشه

بنوشند ودر روز اول سیم وپنجم وهشتم ودهم امالہ باید کرده

شود وقبل از اماله نیلوفر تاجریزی عناب سپستان شربت

بنفشه بنوشند بعد اماله از طبیخ بنفشه نیلوفر تاجریزی

عناب سپستان کل خطمی دلبته خطمی خبازی دلبته کاسنی

بزرکتان کافشه شکوسرخ اب چقندر جومقشر مغز فلوس

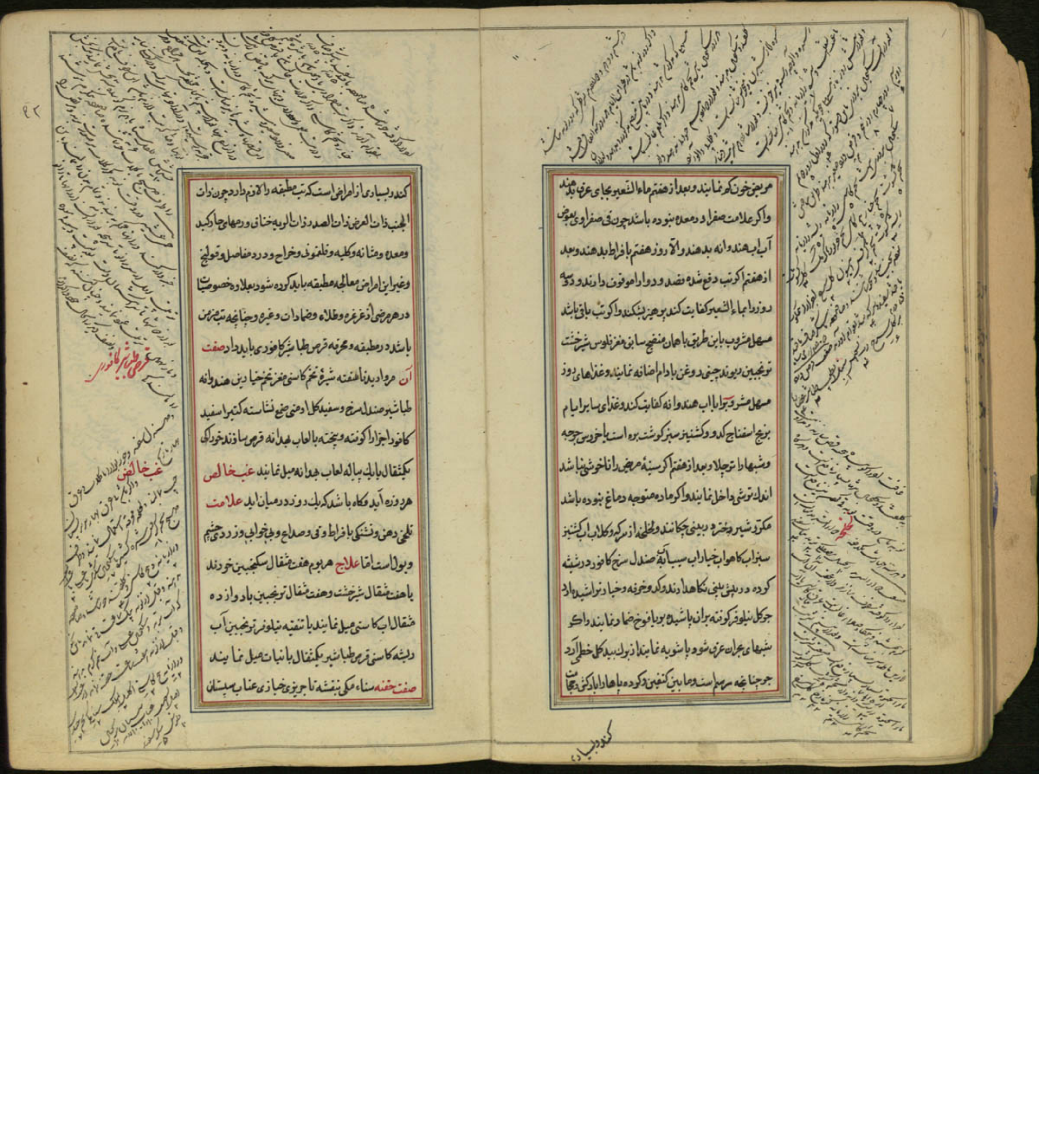
ترنجبین شیرخشت ربوند روغن بادام سه دفعه عمل

نمایند فلوس راد داب اخر داخل نمایند وهر روز بعد مبردی

از لعاب اسفرزه شیرهٔ تخم خیار خاکشیر با لعاب اسفرزه عرق

نیلوفر بنوشند ودر روز دویم چهارم هفتم ونهم یازدهم

چهاردهم ایام فصد وحجامت است بقدر ضرورت وقوت



مریض خون کم نمایند و بعد از هفتم ماء الشعیر بجای عرق بدهند
واکر علامت صفرا در معده بوده باشد چون قی صفراوی بعوض
آب آب هندوانه بدهند والا روز هفتم بافراط بدهند و بعد
از هفتم اکر تب دفع شده فصد و دوا را موقوف دارند و دو سه
روز در آب ماء الشعیر کفایت کند پرهیز بشکند واکر تب باقی باشد
مسهل مشروب باین طریق با همان منضج سابق مغز فلوس شیرخشت
ترنجبین ریوند چینی روغن بادام اضافه نمایند و غذاهای روز
مسهل مشروب برا با آب هندوانه کفایت کند و غذای سایر ایام
برنج اسفناج کدو و کشنیز سبز کوشت بره است یا خروس جوجه
و شبها را ترچلا و بعد از هفتم اکر سینهٔ مریض را ناخوشی نباشد
اندك ترشی داخل نمایند واکر ماده متوجه دماغ بوده باشد
مکرر شیر دختر در بینی چکانند و لخلخه از سرکه و کلاب آب کشنیز
سبز آب کاهو آب خیار آب سیب آبی صندل سرخ کافور درشیشه
کرده در پیش بینی نکاه دارند و کدو خرفه و خیار تراشیده و آرد
جو کل نیلوفر کوفته بران پاشیده بر یافوخ ضماد نمایند واکر
شبهای بحران عرق شود پاشویه نمایند از برك بید کل خطمی آرد
جو چنانچه مرسوم است و ما بین کتفین کرده پا ها را باد کش و حجامت

کند و بسیاری از امراض است که تب مطبقه را لازم دارد چون ذات
الجنب ذات العرض ذات الصدر ذات الریه خناق و ورمهای حار کبد
و معده و مثانه و کلیه و فلغمونی و خراج و درد مفاصل و قولنج
و غیر این امراض معالجه مطبقه باید کرده شود بعلاوه خصوصیات
در هر مرضی از غرغره و طلاء و ضمادات و غیره و چنانچه تب مزمن
باشد در مطبقه و محرقه قرص طباشیر کافوری باید داد **صفت**
آن مروارید ناسفته شیرهٔ تخم کاسنی مغز تخم خیار دین هندوانه
طباشیر صندل سرخ و سفید کل ارمنی صمغ نشاسته کتیرا سفید
کافور اجزا را کوفته و بیخته با لعاب بهدانه قرص سازند خوراکی
یکمثقال با یك پیاله لعاب بهدانه میل نمایند **غب خالص**
هر دو روزه آید و کاه باشد که یك دو روز درمیان آید **علامت**
تلخی دهن و تشنکی بافراط و قی و صداع و بیخوابی و زردی چشم
و بول است اما **علاج** هر یوم هفت مثقال سکنجبین خورند
یا هفت مثقال شیرخشت و هفت مثقال ترنجبین باده و دوازده
مثقال آب کاسنی میل نمایند یا تنقیه نیلوفر ترنجبین آب
دلشه کاسنی قرص طباشیر یکمثقال با نبات میل نمایند
صفت حقنه سناء مکی بنفشه ناجو بوی خبازی عناب سپستان



کل ختطمی شکر سرخ تو نجبین بطریق معمول نیم کرم عمل نمایند غذا
آش زردشك تمر هندی آش جو آش ماش برنج **حمی بلغمی** خواه دایر
خواه ثابت **علامت** شدت برد و کرانی اعضا و تیرکی رو و چشم و نرمی
نبض و سفیدی بول است **علاج** دو مثقال ریوند چینی با یکپیاله
شیرهٔ خرفه بنوشند و شربتی از تخم کاسنی اصل السوس را ذیانه کلقند
سکنجبین میل نمایند و در وقت خواب این سفوف را میل نمایند
صفت ان تربد زنجبیل مصطکی شکر سرخ از هریك پنج مثقال
شربتی سه مثقال سفوف نمایند با شربت افسنتین میل نمایند
صفت ان افسنتین تخم کرفس سلیخه را کوفته همه را در یك کاسهٔ آب
بجوشانند تا نیم شود با صد درم قند بقوام آورند غذا نخود آب
بادا ذیانه مناسب است **حمی ربع علامت** در اول قشعریره و
بعد لرز بدن بسیار شدید و عطش و سوء خلق و فکر فاسد و
صلابت نبض و تیرکی بول **علاج** فصد باسلیق نمایند و منضج
و مسهل مناسب خلط سودا داده قی نمایند و روز نوبه با مساك
بکذرانند و روزی هفت مثقال سکنجبین عسلی با یکمثقال سیاه
تخمه و نیم مثقال تخم اسپند میل نمایند و معجون حلتیت و حب الشفا
خورند **صفت آن** معجون حلتیت برك سداب فلفل سیاه از هریك

سه مثقال

سه مثقال و با بیست مثقال قند و یك پیاله کلاب بسرشند و شربت
کاوزبان میل نمایند **صفت آن** کاوزبان زعفران قند بقوام
آورند خوراکی سه مثقال و شرب شراب و اکل سیر با برابنها مجربست
غذا هر یوم نخود آب با مرغ پلاو با ادویه حاره و زعفران
میل نمایند **حمی دق** علامت ضعف نبض و ملازمت تب و
لزوم ان و بد بوئی عرق و باریك شدن کردن و تمام بدن
و خشکی پوست شکم و شدت حرارت خصوص بعد از غذاء **علاج**
باید مسکن در جای خنك و کنار آبهای روان بوبالای برك
بید و بنفشه بخوابند و نصیحتهای شیرین و حکایات دل
ربا و بطرب و عیش و ساز مشغول شوند و در زیادتی تبرید
کوشند و هر یوم یك مثقال قرص طباشیر کافوری با یك
پیالهٔ شیرهٔ تخم خرفه و تخم اسفناج بنوشند و بجای خوردن
شیر بکذارند و بهترین شیرها شیر دختر است بعد شیر
الاغ **طریقهٔ خوردن شیر الاغ انست که** باید که حیوان
شیرده صحیح باشد و از زائیدن آن چهار ماه کذشته باشد
و علف خوب بکوارند و علامت کوارید تا از سرکین آن معلوم
میشود و علوفه ان باید کاهو و اسفناج با کشنیز برا خرفه

بادرنك خیار چنبر ویا شبد رباشد و در وقت شیر دوشیدن حیوانرا نزدیك مریض آورده کاسهٔ چینی را درمیان اب کرم کذارده شیر دران دوشند وهمان کرمی میل نمایند باید روز اول بیست مثقال و دویم چهل وسیم شصت وچهارم هشتاد وپنجم صد وششم صد وبیست مثقال باشد سه روز توقف نمایند تا بعد بطریقی که زیاده کرده کم نمایند باز توقف نمایند باز زیاد کرده توقف نمایند تا چهل روز باین دستور تمام شود بعد قطع نمایند واب هندوانه واب خیار شنبر مغز خوفه باقرص کافور بدهند وماء الشعیر سرطانی میل نمایند

ماء الشعیر سرطانی

صفت ماء الشعیر سرطانی سرطانی که در اب روان باشد بکیرند ودست وپا ازاو قطع کنند و باید که ماده بوده باشد نشان ماده کی انست که چون سوزن بد وفرو برند رطوبتی مثل شیر ازان برآید بعد با نمك وخاکستر چوب مومکو دبشویند و در ماء الشعیر اندازند غذاهای مناسب دوغ با نان خشك هر یوم دوغ را بنای زیاده ونقصان کذارند وبرنان اقرانیند وماش مقشر واسفناج وکاهو وکدو ومغز بادام وکوشت بزغاله وماهی وجوجه مرغ وتیهو و زرده تخم نیم برشت

واز میوها انار

واز میوها انار وسیب شیرین واب کوشت در حین ضعف میتوان داد وکبابی که از کوشتان چربی کوفته باشند در وقت کباب کردن وکشنیز خشك بران پاشند بدهند ونه کاهو میتوان خورد

محرقه

محرقه علامت چون علامت غب خالص است باشداد وخشونت لسان و زردی آن علاج بدستور مطبقه عمل نمایند وفصد نه نمایند که باعث شدت صفرا میشود باید سکنجبین برودی وشربت صندل وقرص طباشیر کافوری و زرشك میل نمایند وغذا ابهندوانه واش غوره و زرشك مناسب است

نوبه شطر الغب

شطر الغب علامت ان تب صفراوی وبلغمی باشد روزی شدید وروزی خفیف اید تنقیه وامالة ومسهل صرف نمایند صفت حب مسهل صبر زرد شحم حنظل سقمونیا کثیرا مقل حب سازند یك شربت است صفت قرص کل کل سرخ اصل السوس ترنجبین سنبل الطیب افسنتین رومی طباشیر تخم خماض نشاسته زرشك تخم خرفه کتیرا ربوند چینی کافور زعفران کهربا مغز تخم خیارین شربتی یکمثقال است

غب غیر خالص

غب غیر خالص صفت مطبوخی که شیخ بجهة ان ترکیب نموده افسنتین هلیله کابلی تخم خربوزه کوملك تخم خیارین تخم کوفس تربد مجوف مویز منقی سپستان انجیر زرد کلقند سقمونیا مغز فلوس میل نمایند

وقرص بنفشه شربت افسنتین قرص طباشیر وکل مناسب است وشربت
بزوری وشربت زرشك وغوره ولیمو مفید است وسکنجبین بزوری
وشربت به لیمو میتوان داد **لسقه** تمام علامت چون تب بلغمی باشد
بادوام تب وعدم قشعریره وعرق **علاج** استفراغ بلغم نمایند
به حبوبی که شحم وتربد داشته وادرار بول نمایند بماء الاصول
وقرص غافث وافسنتین **لیقوریا** تبی باشد که ظاهر بدن سرد باشد
وباطن کرم **صفت حبی که بعد از نضج بباید داد** صبر زرد هلیله زرد مصطکی
کل سرخ انیسون زعفران کتیرا مقل شربتی یکمثقال ونقیع صبر و
شربت کل مناسب است واز غذاهای مولد بلغم احتراز نمایند

باب هفدهم در امراضی که در جلد است چون جدری واورام وسوختن
آتش وسلعه وثالیل وخضابات شعر وعلاج زهر خورده

ظلعونی ورمی باشد سرخ رنك مایل بکبودت با درد وتب و
تشنکی **علاج** باید فصد صافن یا باسلیق نمایند وشربتی از عناب
نیلوفر سپستان بنفشه ترنجبین نبات خورند یا شربت نارنج وکشنیز
سرکه دوغن کل ضماد نمایند یا دردی شراب ضماد نمایند
جره بادسنج را کویند علامت با او تب وتشنکی وحرقت است چون
دست براو کذارند رنك بدل بزردی شود **علاج آن** مسهل

صفرا میل نمایند وچکیده کدو با پنج مثقال سکنجبین بنوشند وبرک
بکا دبوند وطبیخ برك خبازی با روغن زیت ضماد نمایند یا پوست
خشخاش با سرکه وآرد جو نخته ضماد نمایند یا برك چغندر یا دردی
شراب طلا نمایند **ورم رخو** علامت نرمی وسفیدی رنك
وعدم درد وحرارت است **علاج** تنقیه بلغم بقی وشربت مسهل
مشروب نموده کلقند آفتابی سه مثقال در میان رازیانه کوفته
ممزوج نموده میل نمایند وخیر نوش وحنا ونمك با روغن کل
کل ضماد نمایند وبوره ارمنی وعسل وسرکه وآب مورد طلا
نمایند **خنازیر** ورمی باشد غلیظ وصلب وبکوشت چسبیده
و رنك اعضا باشد **علاج** فلفل کل خطمی را کوفته وپخته با
پنج مثقال زفت کداخته ضماد نمایند یا زفت با آرد جو یا آرد
کندم با آب کشنیز یا سرکین تازه شیر بر بندند **سلعه** ورمی
باشد غلیظ جدا از عضو وبقدر خربوزه تا نخودی میشود
علاج آهك آب نارسیده ونوبالمی زد پنج بوره ارمنی کوفته
با هفت مثقال روغن کل سرشته طلا نمایند اکر تحلیل نرود
بشکافند وبیرون آورند **غده** ورمی باشد در میان عضو
کرانرا دشبل کویند **علاج** تنقیه بلغم نمایند واکر کوچك



سرطان

جذام

مطبوخ افتیمون

آتشک

باشد بفشارند و مادهٔ انرا بیرون آورند و سرب ببندند
سرطان ورمی باشد سوداوی و در آن عروق سرخ و سبز بوده
باشد مثل دست و پای خرچنک علاج فصد مناسب عضو نمایند
و تنقیهٔ بدن بمطبوخ افتیمون و محللات ضماد نمایند اکر تأثیر
نکند توک علاج نمایند جذام داء الاسد را کویند علامت
سرخی رنک مایل بسیاهی و کبودت و تنک نفسی و بدبوئی عرق و
بزرکی لبها و خوابهای هولناک علاج فصد بلت و قیفال و رک
پی کوش زنند و هر یوم نیلوفر تخم کاسنی ترنجبین نبات خورند
بعد مطبوخ افتیمون صفت مطبوخ افتیمون سناء مکی پوست هلیلهٔ زرد
و کابلی بسفایج الوی سیاه الوی بخارا عناب سپستان افتیمون
در پارچهٔ کتان بسته جوشانیده صاف نموده ترنجبین مغز فلوس
داخل نموده نیم کرم بنوشند و بسیار بحمام روند و مغز ساق کاو
بر بدن طلا نمایند غذاء نخوداب بکوشت بره و ماش و آش
بادام اسفناج خورند جرو آتشک است علامت سوزش و درد
عظیم است علاج دفع مادهٔ صفرا نموده تنقیهٔ کامل نمایند
و هاذو را سوده با سرکه طلا نمایند و حب سیماب میل نمایند
صفت حب مسهل پنج مثقال زیبق را با پنج مثقال خام مزوج نموده

چندان باسرکه

چندان با سرکه در برهم زنند که کشته شود و خاما یل بسیاهی کردد
بعد از ان تاجریزی بهدانه جدوار خطائی ادجو شکر بقدر
نخودی حب نموده تا هفت روز روزی هفت عدد ناشتا فرو
برند غذا نان بی نمک نخوداب بی نمک و شیرخرما ساوی و زن
زیبق بدل ان میتوان کرد شد و بعد از اتمام این حب این روغن را
زرنا پا سه مرتبه بمالند سیماب مقتول و پنبه کوفته با آب هن
و کل سرخ بر تمام بدن و پشت چشم طلاء نمایند بخور سیماب
سیماب مقتول با حنا هر دو نیم مثقال لجیح و نیم مثقال عمر در زیر
کرسی بخور نمایند و قهوهٔ بسیار مناسب است نمله بثرهای ریزه
است همچون مویچه علامت سوزش و خارش است علاج
مسهل صفرا خورند برک سداب و سفیداب روغن کل با سرکه
طلا نمایند یا کل خشخاش با آب کشنیز ضماد نمایند نفاطه
جوششی باشد که در میان ان اب و خونی رقیق بوده باشد چون
ابله علاج مبردات و فصد نمایند و میان انها را از انزروت
پر کنند و برک چقندر ضماد نمایند غذا آش تمر نا ودان شرا
بثورى چند است سرخ رنک دفعة حادث شود علاج فصد
باسلیق نمایند و ملینات مثل کند دو کشنیز و مورد و مویزو



کل سرخ باعسل ضماد نمایند یابدن راباب کوم وسبوس وسرکه
بشویند باکلاب غذا ماش وشیرهٔ بادام وکدو وخیار خورند
خصف جوششهای ریزه سرخ باشد که عضو را بکزد چون سوزن
زدن باشد **علاج** بحمام روند ودرخارج حمام دراب سرد روند
واب برک چقندر ریخته طلا نمایند باکل خطمی سفید باسرکه یاسرکین
تازهٔ شتر ضماد نمایند **بنات اللیل** جوششهای خورد وبزرک باشد
که در شب حادث شود وشب بشب زیاد شود وباخارش ودیم وخونابه
باشد **علاج** تلین طبیعت نموده حجامت ساقین وفصد سافن نموده
بحمام روند وسرکه وکلاب وروغن کل سرخ بربدن طلاء نمایند
ویابدن را به سبوس جو وتخم خربوزه بشویند **سعفه** جوششی چند است
که درصورت حادث شود وزود دلش کویند وریمی از ان اید مانند
عسل **علاج** تنقیهٔ کامل نموده حجامت وفصد مناسب است و
زاج سیاه سوخته باد وبرابر اشنان ضماد نمایند وموی نرم با
حنا یاسیاه تخمه با سرکین کبوتر باسرکه ضماد نمایند وزنجار و
عسل طلا نمایند وسرکین حمار وپوست کدو صراحی باعرق بید
یاماستکا وطلا نمایند **بلجیه** بثوری چند است که به لیثه
خوردکی مشهور است اما **علاج** تنقیه نموده کندر را باسرکه

حل کرده وصبر سوده داخل نموده طلا نمایند **فرنکیه** از جنس
جرب است وابله فرنک مشهور است **علامت** سوزش ودرد
میان آن ابله کی باشد **علاج** تنقیهٔ بقی ومسهل نموده وحضض
وکافور بالعاب بهدانه طلا نمایند یاماز وفلفل باسرکه و
از کوشت وشیرینی وغذای بیوقت ودرهمه اقسام خصوص جماع
محترز باشند **ثوباء** جوششی چند است باخشونت ورنکش
سیاه یاسرخ مایل به تیرکی پوستی از او جدا شود چون پوست
ماهی **علاج** فصد باسلیق وتنقیه بمسهل سودا وقی کنند وخردل
باسرکه ضماد نمایند یاهلیله زرد صمغ الوصبر سرکه باروغن کل طلا
نمایند وکردوی کهنه را بخایند وبمالند **جربکه** بثوری چند
باشد وبعضی تر وبا اوخارشی وسوزشی است **علاج** فصد
وتنقیه نمایند وبحمام رفته بشاهترهٔ خشک بدن را بشویند
وبای ملح سوخته ضماد نمایند وبورهٔ ارمنی یاارد جو باسرکه
ضماد نمایند ودرحمام کرم تدهین بادام تلخ وکدو نمایند
حکه تمام بدن باید هر یوم شربتی از تمر هندی ترنجبین نبات
بنوشند ولعاب اسفرزه باروغن کنجد طلا نمایند **ثالیل**
توتولی راکویند **علاج** ان ذرنیخ سرکین کنجشک باب دهن ناشتا

اندازند با بوزت کرم کرده داغ نمایند **داحس** ورمی باشد
نزدیک بناخن با حرقت وسوزش ودرد بسیار **علاج** فصد
قیفال وتنقیهٔ کامل بمبردات وسرکین میش باسرکه یا انجیر خشک
با پوست انار وبا زفت ضماد نمایند وبعد مرهم گذارند **دمامیل**
بثور بزرگست که بر تمام بدن بیرون میآید **علاج** فصد نموده
ولعاب بهدانه را باآب دهن یا کشش کولیان را نارا بتلخ وموم
یا انجیر خشک یا کندم جاییده یا هستهٔ تمر وسرکین کبوتر وزرد
کتان حلبه بابونه اکلیل یا پیه بزخودل واسفناج پخته هریک
باشد ضماد نمایند **خراج** ورمی پخته باشد در نهایت کرمی واز
او چرک آید **علاج** فصد نمایند وتلین طبیعت وانجیر زرد شده
ضماد کند واگر ممکن باشد بیرون آورند که بخار وسمیت آن
بعضو رئیس برسد **اکله** جراحتی باشد متعفن که عضو را بخورد
علامتش درد بسیار وسیاهی وسرخی وسبزی زخم است
علاج تنقیه وفصد نمایند وگل ارمنی با اب کشنیز سبز وسرکه
بدور جراحت طلا نمایند وزلو وحجامت نمایند وپوست گردوی
سوخته واستخوان پوسیده وصبر زرد وزنجار هریک مساوی
عناب وبرک حنا را با پوست پیاز سوخته وموی انسان سوخته

باکافور در ورد نمایند یا فضلهٔ رضیع یا پوسیاوشان سوخته
وبرک درزد ضماد نمایند واگر روز بروز زیاده شود باید
گوشتهای زیاد را ببرند وداغ نمایند **ورم طاعون** ورمی باشد
که تعفن هوا وبادسام ودبور عارض شود واز تعفن اخلاط
وسمیت مواد بدنی نیز عارض گردد وغالب در زیر بغل وکش
ران وبنا گوش برآید ورنگ آن زرد وسیاه وسبز باشد
علاج تقویت قلب کند با اب انار دین وشربت لیمو وصندل
وسیب وکافور با گلاب بر سینه طلا نمایند وردادع وضماد
بر ورم استعمال نه نمایند واگر شدت داشته باشد وجائی
باشد که توان بر آورد بر آورند وحوالی ورم را حجامت نمایند
تا جذب مواد فاسده از قلب نماید وبخار متوجه قلب نگردد
وفصد هم نه نمایند ودر جای کاه خنک ماوا گیرند غذا مزورات
عدس ماش زرشک مناسب است **ثبورلینه** جوششهای ریزه است
سفید رنگ چون بفشارند چرک آید چون دانه خشخاش
علاج تنقیهٔ کامل نموده شونیز را با سرکه خمیر کرده ضماد
نمایند **عرق مدنی** نیزه باشد بشکافد واز آن رگی بیرون آید
چون کرم **علاج** فصد باسلیق یا صافن کند وتنقیه بدن بمطبوخ

ورم طاعون

ثبورلینه
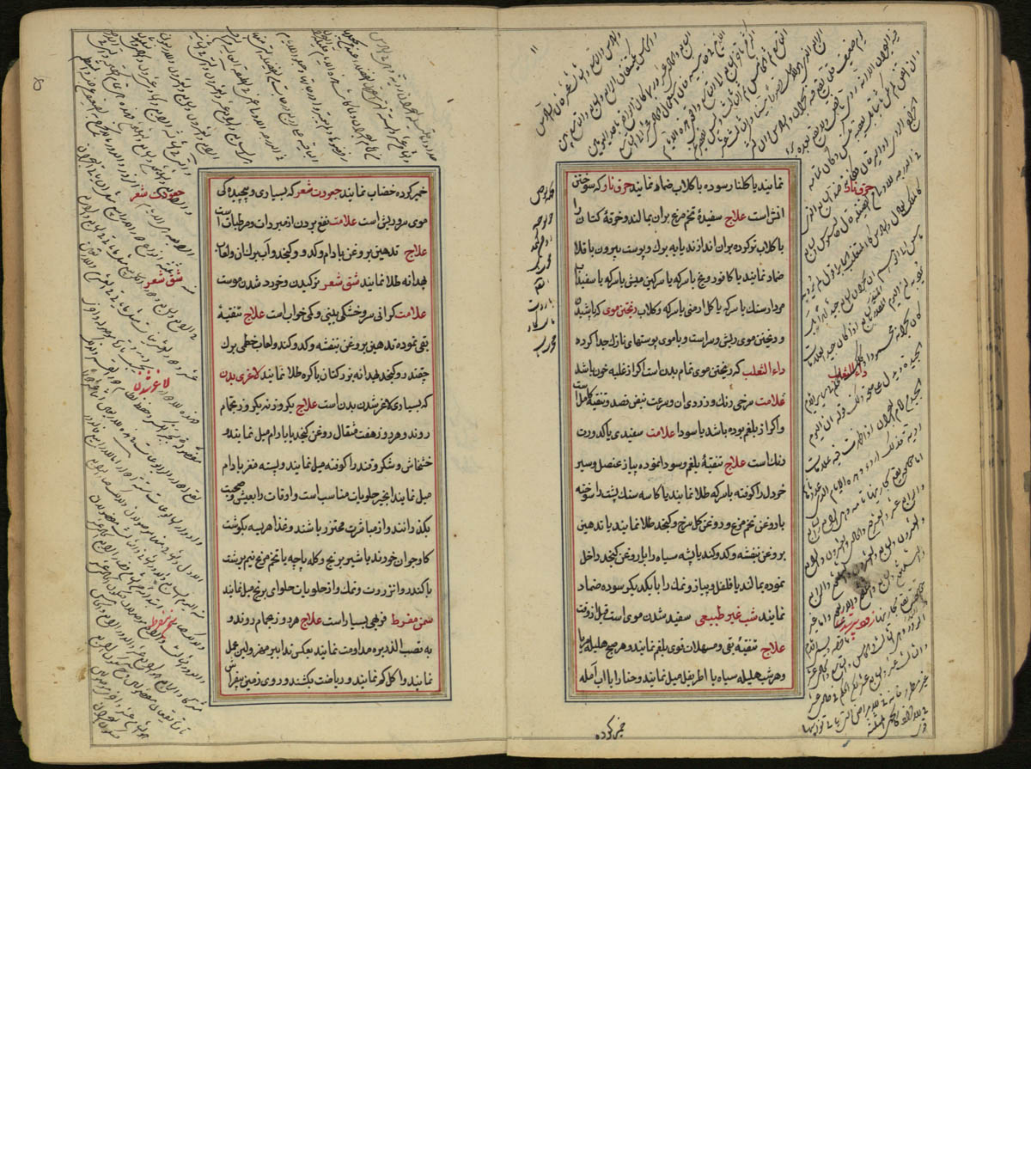
عرق مدنی



افتیمون وآن هرچند بزرگ شود دود یا دحبه سبزی بر بجید وبا
باده نشود واکر باده بشود شکاتنه باقی را بپرورند آورند **جدری**
کرابله است علامت سرخی چشم واضطراب وتشنکی ودرد پشت وسینه
وکلو وتب لازم ومدهوشی اکر سن مقتضی باشد در حین ظهور
آثار فصد یا حجامت نمایند وهر یوم شربت عناب نیلوفر ترنجبین
باشیر خشت خاکشیر دهند وخاکشیر در فراش بپاشند وغذا
ماش وعدس وکشنیز وانار وکلابی مناسب است واکر دانها
سبز باشد علامت موت است **حصبه** علامت بد بوئی نفس واضطراب
علاج در اول سیم فصد حجامت نمایند و بمبردات تبرید نمایند
واز نوشیها احتراز لازم دانند غذا آش بادام وخشخاش خورند
کلف نشانی بود مایل بسیاهی **علامت** نقطهای سرخ رنک است
خیلان بلندی وپستی پوست است **علاج** در اقسام فصد با
سلیق وتلین بمطبوخ افتیمون است کند ودود لیشه نی وتخم تورب را
کوفته با سرکه طلا نمایند یا زیبق را با حنا کشته ویا بادام تلخ
بسایند وبا سرکه طلا نمایند یا پای ملخ سوخته با سرکه طلا
نمایند ویا دردی شراب ضماد کند **بهق** علامتها سفید وسیاه
در روی پدید آید **علاج** تنقیه بقی وفصد ومسهل نمایند تخم

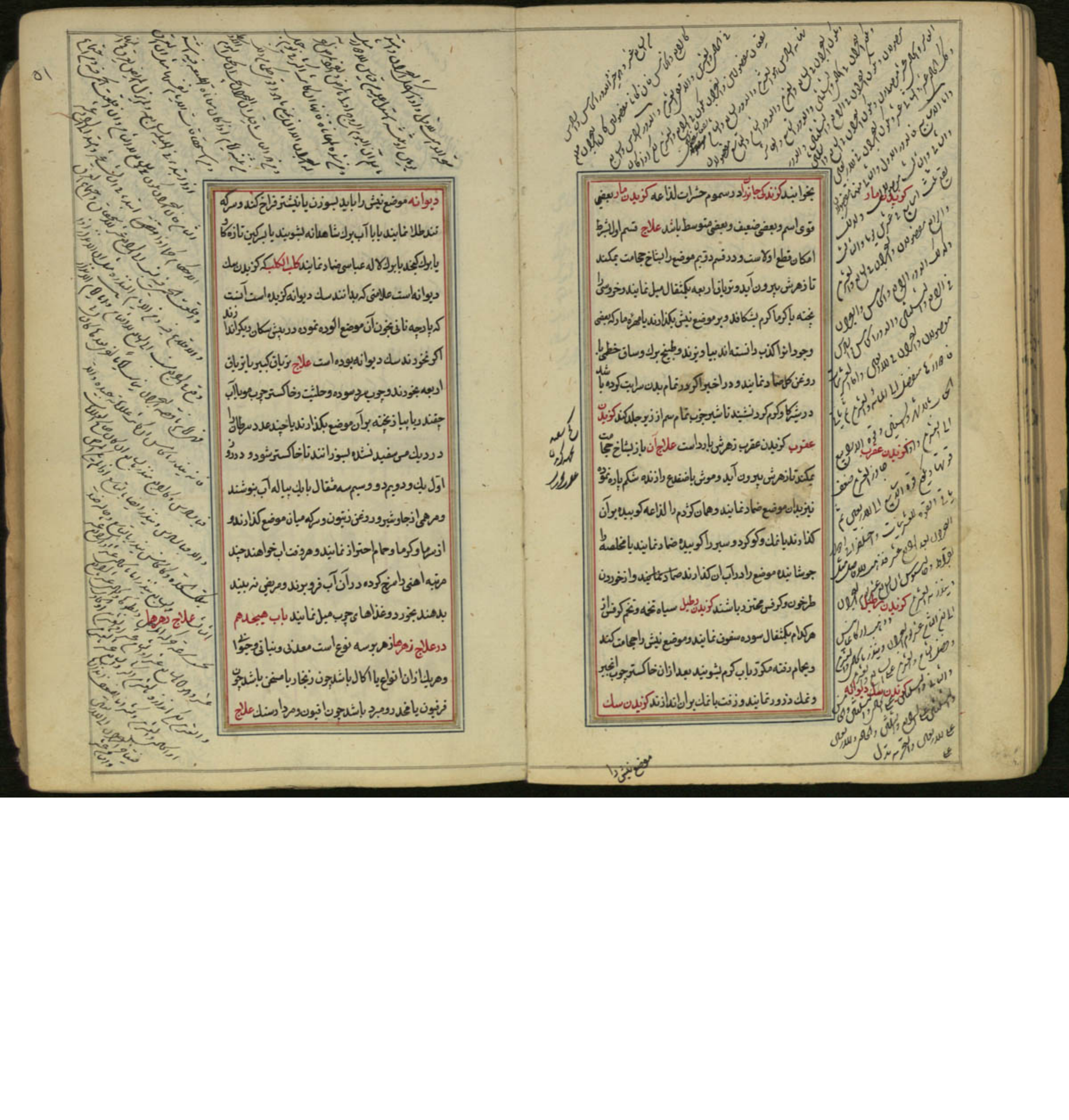
خطمی راکوفته

خطمی راکوفته با سرکه ضماد نمایند ودر آفتاب ابد نشینند یا سپیاه
تخم با سرکه یا بورک چغندر پخته ضماد نمایند یا آب توب با سرکه در
حمام طلا نمایند یا مرتیشی (?) با سرکه طلا نمایند **برص** سفیدی باشد
که نفوذ در پوست کرده وکوشت واستخوان را نیز کاهی سیاه میشود
علاج هر روز شربتی از رازیانه انیسون تخم کوفس (?) کل انکبین
میل نمایند یا نیم مثقال تخم شقایق با آب سرد میل نمایند وجدوار
با سرکه طلا نمایند یا بوره ارمنی ذدکوی (?) و سرکه یا سم سوخته
خوبا شراب ضماد نمایند اما **المقام الثانی** کرمهم (?) رسیدن رشك و
شپش است **علاج** اول فصد با سلیق نموده مکرر بحمام بروند و
بآب نمك بدن را بشویند باید ومثقال سیماب وسه مثقال حنا
باب دهن سرشته وده مثقال روغن زیت با یکدیکر کفمال
کرده تا سیماب کشته شود وبر اعضاء طلاء نمایند اما بوی بغل
ولیس کوش وکش ران نماند وصبح بحمام روند وآب برك بیخ
چغندر طلاء نمایند **افراط عرق** صندل را با آبغوره سائیده
طلا نمایند **کند بغل** هر روز سکنجبین با عرق بید بنوشند
یا آب انار دبی خورند وتنقیه نمایند بمسهلات ومورد ذلیج سفید را
جوشانیده ابش را طلا نمایند با بسباسه یا برك مورد ضماد



نمایند یا کلنار سوده با کلاب ضماد نمایند **حرق نار** که سوختن
انش است **علاج** سفیدهٔ تخم مرغ بران بمالند و خرقهٔ کتان را
با کلاب تر کرده بران اندازند یا به برک و پوست بیرون با قلا
ضماد نمایند یا کافور و یخ با سرکه یا سرکین میش با سرکه یا سفیدا ب
مرداسنک با سرکه یا کل ارمنی با سرکه و کلاب **ریختن موی** کر باشد
و ریختن موی ریش و سر است و با موی پوستهای نازک جدا کرده
داء الثعلب کر ریختن موی تمام بدن است اکر از غلبه خون باشد
علامت سرخی رنک و زردی ان و سرعت نبض فصد و تنقیهٔ کامل است
و اکر از بلغم بوده باشد یا سودا **علامت** سفیدی یا کدورت
رنک است **علاج** تنقیهٔ بلغم و سودا نموده پیاز عنصل و سیر
خردل را کوفته با سرکه طلا نمایند یا کاسه سنک پشت را سوخته
با روغن تخم مرغ و روغن کل سرخ و کنجد طلا نمایند یا تدهین
بروغن بنفشه و کدو کنند یا پشه سیاه را با روغن کنجد داخل
نموده بمالند یا فلفل و پیاز و نمک را با یکدیکر سوده ضماد
نمایند **شیب غیر طبیعی** سفید شدن موی است قبل از وقت
علاج تنقیهٔ تن و مسهلات قوی بلغم نمایند و هر صبح هلیله پروردا
و هر شب هلیله سیاه با اطریفل میل نمایند و حنا را با اب املهٔ

خمیر کرده خضاب نمایند **جعودت شعر** که بسیاری و پیچیدکی
موی سر و ریش است **علامت** نفع بردن از مبردات و مرطبات است
علاج تدهین بروغن بادام و کدو و کنجد و آب برک ان و لعاب
بهدانه طلا نمایند **شق شعر** ترکیدن و خورد شدن موست
علامت کرانی سر و خشکی بینی و کمی خواب است **علاج** تنقیه
تن نموده تدهین بروغن بنفشه و کدو کنند و لعاب خطمی برک
چقندر و کنجد بهدانه بزرکتان یا کره طلا نمایند **لاغری بدن**
که بسیاری لاغر شدن بدن است **علاج** بکوزنه بکوز و زجام
روند و هر روز هفت مثقال روغن کنجد یا بادام میل نمایند و
خشخاش و شکر و قند را کوفته میل نمایند و پسته مغز بادام
میل نمایند انجیر حلویات مناسب است و اوقات را بعیش و صحبت
بکذرانند و از مباشرت محترز باشند و غذا هریسه بکوشت
کاو جوان خورند یا شیربرنج و کله پاچه یا تخم مرغ نیم برشت
با کندر و از ترورت و نمک و از حلویات حلوای برنج میل نمایند
سمن مفرط فربهی بسیار است **علاج** هر روز بحمام روند و
به قصب الذریره مداومت نمایند و عکس تدابیر مفرد و لین عمل
نمایند و اکل کم نمایند و ریاضت بکنند و روی زمین بفراش



بخوابند **گزیدن جانور** از سموم حشرات لداغه **گزیدن مار** بعضی قوی اسم و بعضی ضعیف و بعضی متوسط باشد **علاج** قسم اول بشرط امکان قطع او لازمست و در قسم دویم موضع را بشاخ حجامت بمکند تا زهرش بیرون آید و تریاق اربعه یکمثقال میل نمایند و خروس را بخته با گرما گرم بشکافند و بر موضع نیش بگذارند یا مهره مار که بعضی وجود آنرا کذب دانسته‌اند بیاورند و طبیخ برگ و ساق خطمی با روغن گل ضماد نمایند و در اخیر اگر زهر تمام بدن سرایت کرده باشد در شیر گاو گرم کرد نشیند تا شیر چون تمام سم از زیر جلد کند **گزیدن عقرب** گزیدن عقرب زهرش بارداست **علاج آن** باز بشاخ حجامت بمکند تا زهرش بیرون آید و موش یا ضفدع را زنده شکم پاره نموده نیز بدان موضع ضماد نمایند و همان کژدم را لداغه کوبیده بر آن گذارند یا نمک و کوکرد و سیر را کوبیده ضماد نمایند یا مخلصه را جوشانیده موضع را در آب آن گذارند ضماد نمایند و از خوردن طرخون و کرفس محترز باشند **گزیدن رطیل** سیاه تخمه و تخم کرفس از هر کدام یکمثقال سوده سفوف نمایند و موضع نیش را حجامت کنند و بحمام رفته مکرر در آب گرم بشویند بعد از آن خاکستر چوب انجیر و نمک دود نمایند و زفت با نمک بر آن اندازند **گزیدن سگ**

دیوانه موضع نیش را باید بسوزن یا نیشتر فراخ کنند و سرکه و نمک طلا نمایند یا با آب برگ شاهدانه بشویند یا برگ تازه گاو یا برگ کنجد یا برگ لاله عباسی ضماد نمایند **کلب الکلب** که گزیدن سگ دیوانه است علامتی که بدانند سگ دیوانه گزیده است آنست که پارچه نانی بخون آن موضع آلوده نموده در پیش سگان دیگر اندازند اگر نخورند سگ دیوانه بوده است **علاج** تریاق کبیر یا تریاق اربعه بخورند و چوب بید سوده و حلتیت و خاکستر چوب مو یا آب چغندر یا پیاز پخته بر آن موضع بگذارند یا چند عدد سرطان را در دیگ مس سفید نشده بسوزانند تا خاکستر شود و در روز اول یک و دویم دو و سیم سه مثقال با یک پیاله آب بنوشند و مرهمی از جاوشیر و روغن زیتون و سرکه میان موضع گذارند و از سرما و گرما و حمام احتراز نمایند و هر وقت آب خواهند چند مرتبه آهنی را سرخ کرده در آن آب فرو برند و مریض نر ببیند بدهند بخورد و غذاهای چرب میل نمایند **باب هیجدهم در علاج زهرها** زهر بر سه نوع است معدنی و نباتی و حیوانی و هر یک از آن انواع یا اکال باشد چون زنجار یا مسخن باشد چون فرفیون یا مجمد و مبرد باشد چون افیون و مردار سنگ **علاج**



اقسام اولا مقیبات میل نمایند تا دفع ماده سمی از بالا بشود و بعد از ان ادویه مسهل زهریک بقدری که مقاومت با سم نماید بدهند چون جند و مخلصه و شربت سیب چون ذکر تمام ادویه موجب تطویل میشود و این ذبذه نفیسه مختصری است از معالجات مجربه که از کتب مطوله چون کامل الصناعة و معالجات محمد ذکریای رازی و معالجات ایلاقی و منهاج و ترویج الارواح و معالجات بقراطی و ذخیره خوارزمشاهی و غنا و منا و کناشات دیگر و کفایه منصوری و معالجات قانونچه نفیسی و سدیدی و اقرائی که مطالعه دفتر بود

جبا و ت و د نبد تت

روزهائی که اماله باید بشود و مشروب داده شود اگر تب باشد بمراعات این ایام جدول تحت و اگر تب نباشد هر یوم ممکن است		ایامی که منضج باید داده شود در این جدول تحت ثبت کرده شده است			روزهائی که فصد حجامت باید کرده شود و ایام بحران است در این جدول اگر تب باشد بمراعات این ایام والا هر یوم ممکن است	
۱	۳	۲	۴	۶	۲	۴
۵	۸	۷	۹	۱۱	۷	۹
۱۰	۱۲	۱۳	۱۴	۱۶	۱۱	۱۴
۱۵	۱۸	۱۷	۱۹	۲۱	۱۷	۲۱
۲۰	۲۳	۲۲	۲۴	۲۶	۲۴	۲۸

این سه جدول را مولف مخترع کرده بجهت معالجات کتاب گلشن العلاج
که عوام را اشتباهی دردو زاماله و فصد و منضج واقع نشود و هر
روز بوا بدانند که چه معالجه باید کرده شود بعون الله تعالی شروع
کردیم در فهرست کتاب دوئیم که مسمی به بستان الادویه است

فهرست معاجین کتاب دوئیم که مسمی به بستان الادویه است

معجون اسرار الاطباء ٭ معجون برشعثای نظم ٭ معجون بخاح ٭
معجون خفقان ٭ دواء المسك حار ٭ معجون هرمس ٭ معجون مرمكی ٭
معجون مبارك ٭ معجون سفنقور ٭ معجون لبوب كبیر ٭ معجون سقراط ٭
معجون عطائی ٭ معجون قباد الملك ٭ معجون مسیحی ٭ معجون سورنجان ٭
سیاد ریطوس ٭ معجون فلاسفه ٭ معجون چوب چینی ٭ معجون اكسیر المعده ٭
معجون برود ٭ معجون دواء المسك بارد ٭ دواء المسك معتدل ٭
نوشدارو املاه ٭ نوشداروی لؤلوئی ٭ نوشداروی حكیم بدرالدین ٭
نوشداروی لولوئی دیگر ٭ بزرك دارو ٭ معجون قیصر ٭ معجون خسروی ٭
معجون مبعه ٭ برشعثای ابوالبركات ٭ فلونیا رومی ٭ فلونیا فارسی ٭
فلونیا عمادی ٭ فلونیای طبیب كیلان ٭ برشعثای شیخ ٭ برشعثای دیگر ٭
معجون ابومسلم ٭ معجون اندروماخس ٭ معجون الخلاف ٭ معجون درع الصحة ٭
معجون فولاد ٭ معجون رامهرام ٭ معجون اسود سلیم ٭ معجون از شیخ ٭

فهرست معاجین
کتاب دوئیم

معجون سلسیا یاقوتی كبیر سید سلیمان ٭ معجون چوب چینی عمادی ٭
معجون مبهی معین الدین ٭ معجون مبهی مقوی ٭ معجون عمادی دیگر ٭
معجون لبوب كبیر دیگر فهرست تریاقات كه مشهور است معجون زرعونی ٭
معجون لبوب دیگر / تریاق فاروق ٭ تریاق ثمانیه ٭ تریاق الطین رومی ٭
تریاق محمد زکریا ٭ تریاق بقراطی ٭ تریاق ذرب ٭ تریاق شیخ ابوعلی ٭
تریاق سموم دیگر تریاق الاسنان ٭ فهرست مفرحات منتخب مشهورات
مفرح شیخ ابوعلی ٭ مفرح جواهری ٭ مفرح دلكشای ٭ مفرح لؤلوئی ٭
مفرح یاقوتی شیخ ٭ مفرح دوجانی ٭ مفرح نشاط افزای ٭ مفرح صندل ٭
مفرح طرب المجالس ٭ مفرح بارد ابوی اوه ٭ مفرح مبهی خوب ٭
فهرست جوارشات منتخب جوارش شهریاران ٭ جوارش به ٭ جوارش هندی ٭
جوارش عنبر ٭ جوارش نارمشك ٭ جوارش طباشیر ٭ جوارش عود شیرین ٭
جوارش جالینوس ٭ جوارش عود ترش ٭ فهرست اطریفلهای منتخب
مشهوره اطریفل نوروزه ٭ اطریفل كشنیزی ٭ اطریفل مقل ٭ اطریفل دیدان ٭
اطریفل شاهتره ٭ اطریفل افتیمون ٭ اطریفل طین ٭ اطریفل عذری ٭
اطریفل هندی ٭ اطریفل صغیر ٭ فهرست حبوب منتخب مشهوره
حب ایارج ٭ حب برمكی ٭ حب ایارج دیگر ٭ حب الدیدان ٭ حب سعال ٭
حب هلیله ٭ حب سقمونیا ٭ حب جدوار ٭ حب میعه ٭ حب مقل ٭

فهرست تریاقات

مفرحات

جوارشات

اطریفلها

حبوب

سنون

حب جدوار فرح افزای • حب شبیاره • حب الذهب • حب ایارج دیگر
حب ایارج فیقراء • حب سرفه • حب مقل بواسیر • حب الدیدان دیگر
حب نشاط **فهرست اقراص و سنونات منتخب مشهوره است**
قرص طباشیر • قرص کافور • قرص طباشیر دیگر • قرص لک •
قرص ریوند • قرص افسنتین • قرص کاکنج • قرص زرشک • قرص گل •
قرص بنفشه • قرص خشخاش • قرص کهربا • سنون طباشیر • سنون دیگر •

سفوف

فهرست سفوفها و شیافها و سرمها چشم است
سفوف طباشیر • سفوف الطین • سفوف جندبیدستر • سفوف گاوزبان •
سفوف کندر • سفوف سیح • سفوف حب الرمان • سفوف بزور •
سفوف سرطان • سفوف فواق • سفوف کندر دیگر • جواهر سرمه •
داروی نزول آب • داروی جرب چشم • داروی زعفران • داروی
غبار چشم • شیاف برأیوما • ذرور ابیض • سرمه دمعه •
شیاف سماق • کحل شبکوری • سرمه شبکوری • ذرور سلاق •

شربتها

شیاف ابیض • شیاف احمر • شیاف عزب • **فهرست شربتها و
ربوب و لعوقها** شربت عناب • شربت نیلوفر • شربت بنفشه •
شربت دیناد • شربت بزوری حار • شربت بزوری بارد • شربت
وردمکرر • شربت گاوزبان • شربت افسنتین • شربت فواکه •

دب دیباس



فهرست مطبوخها

رب دیباس • رب قوده • رب اناد • رب زرشک • رب توت •
کلقند آفتابی • کلقند عسلی • لعوق ذوفا • لعوق انجیر • لعوق انجیر دیگر •
**فهرست مطبوخها و نقوعها و حقنها و ماء الاصول و مراهم و
اطلیه و ضمادات و ذرورات و عطوسات و سعوطات و نفوخات
و قطورات و مشمومات و مضمضه و لخلخهای مشهور**
مطبوخ افتیمون • مطبوخ دیگر • مطبوخ هلیله • مطبوخ فلوس •
مطبوخ سودنجان • مطبوخ سورنجان دیگر • مطبوخ سودنجان بزرگ •
مطبوخ سودنجان • مطبوخ مدر حیض • نقوع فواکه • نقوع هلیله •
نقوع صبر • نقوع بزور • ماء الاصول • فالج ماء الاصول دیگر •
ماء الاصول مدر حیض • ماء الاصول مفاصل • حقنه نرم • حقنه دیگر •
قولنج • حقنه درد پشت • حقنه سحج • مرهم کندر • مرهم ابیض • مرهم
زنجار • مرهم سیاه • ضماد نوتولی • ضماد طحال • ضماد لسه • طلاء
البیض • طلاء سکنه • ضماد اسهال • ضماد قی • ضماد نقرس • ضماد
بول الدم • ضماد سرعت انزال • طلا لخروج مقعد • ذرور خروج مقعد •
فتیله حبس خون بواسیر • فتیله قطع بواسیر • شاف قولنج • فتیله
محلل ریاح • فتیله ملین • شموم سرسام حار • شموم صداع بارد •
شموم زکام بارد • شموم و عطوس سده دماغ • عطوس سرع •

م
ن
ح
ما
مر
ا
ض
ذ
ع
س
ت
ق
مش
مض
ل

فهرست ادویه مفردهٔ اسهال
فهرست ادویه مفرده مخصوصة
هر یک از اعضاء
هیجده باب است
۱۰۸

باب دوازدهم



مرکبات کتاب دویم که مسمی به بستان الادویه است علی ید الخاطی
سید محمد الاصفهانی
این جدول تحت در بیان اوزان مشهوره در عرف اطبای زمان و غیرها ست

حبه بوزن یك جواست	طسوج بوزن دو جواست	قیراط بوزن چهار جواست	دانك بوزن هشت جواست
درهم بوزن چهار دانك است	یکمثقال بیست وچهار نخود است	یك استار چهار مثقال نیم است	یك وقیه هفت مثقال نیم است
یك رطل نود مثقال است	یکمن اطباء صد وهشتاد مثقال است	یك مد بوزن دو رطل است	یکصاع هشت رطل است

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على نبيه محمد واله
الطيبين الطاهرين المعصومين اما بعد فهذه مختصرة سميتها
به بستان الادويه نقلتها من كتب المتقدمين بالفارسيه لينتفع
منه الخاص والعام وهو يشتمل على ثلاثة فصول فصل الاول
فی بيان المعاجين والمركبات فصل الثانی فی الادويه المفرده وبيان
امزجة فصل الثالث فی الادويه المفردة مخصوصة بعضو عضو
مع خواصها فصل الاول فی المعاجين والمركبات وهو يشتمل
على عشرة ابواب باب الاول فی المعاجين معجون اسرار الاطباء
منقول از قانون بجهت قوة باه وجميع امراض بارده سودمند است
صفت آن شقاقل خولنجان ثعلب بهمن سرخ بهمن سفيد تودری
سرخ تودری سفيد لسان العصافير ماهی سقنقور سورنجان
صندلين حب البان حب بلسان فلفل سفيد مغز تخم خربوزه تخم
خيارين تخم جرجير تخم زردك تخم شلغم تخم پياز تخم كشنيز تخم
شبت تخم تره تيزك تخم خشخاش تخم ترب تخم تره تخم كلم وهليون

باب اول در معاجين
اسرار معجون الاطباء

گاوزبان گلسرخ بادرنجبويه زرنباد مصطكی قاقله كبار هيل
نارجيل مغز بادام حب المحلب مغز پسته مغز فندق حب صنوبر
حبة الخضراء كنجد سفيد دارچينی ميخك سنبل اسارون بسباسه
كبابه چينی سعد كوفی قرفه جوز الطيب نارمشك عود قاری
عنبر اشهب مشك زعفران زنجبيل بوزيدان قسط شيرين
درونج عقربی قضيب گاو ورق طلا يشب كهربا شمعی بسد
مرواريد ياقوت لعل عقيق مايه شتر اعرابی تخم قرى حب الزلم
حب القلقل لاجورد بدخشی نادزهر بزی جدوار خطائی مغز
سر گنجشك كرنجوما اشنه طلای محلول ورق نقره جزو اعظم
از موده ادويه را جدا جدا نرم كوبيده و بيخته لبوبرا مقشر
نموده و احجار را بر سنك سماق نرم سائيده برابر ادويه
عسل بسرشند معجون بوش عنای نظم بجهة حبس اسهال كهنه و
جميع امراض رطوبی و تسكين اوجاع حار معده و مفاصل
و تقويه مزاج بسيار نافع مشهور است كه ابی البركات اين
نسخه را مجرب ديد چهل خاصيت در اين ذكر شده است
سنبل فرفيون وعاقر قرحا ∴ هر يكی يك درم بكش تنها
فلفلا مندو باد بزد البنج ∴ هر يكی بدست جزو ازين اجزاء

معجون بوش عنای

زعفران پنج جز و افیون ده ... این همه جمع کن ز بهر دوا
دو بمقدار ادویه است عسل ... زانکه شهد است شاهدی بصفا
شربتی یکدم نه بیشتر تو ک ... کو خودی یلش از بن شوی در سوا
کو کسی پوسن چه خودی تو ... کو جوابش که خواجه بوش عصا

معجون نجاح بجهة جمیع امراض سوداوی مفید خصوصا مالیخولیا وصرع واختناق رحم را بالخاصیه واستسقا را نیز بسیار مفید است وتمام امراض بارده را سود دارد صفت آن پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد هلیله سیاه امله ترید سفید افتیمون بسفایج ادویه را نرم کوفته با روغن بادام شیرین چرب نموده باسه برابر ادویه عسل معجون سازند خوراکی دو مثقال

معجون بجهت خفقان حار و حرارت معده وتبهای کرم بسیار مفید است صفت ان زرشك تخم خبازی طباشیر هندی تخم خرفه بسد مروارید بکو مصطکی کاو زبان با اب حامض و رب به چنانچه رسم است معجون سازند خوراکی سه مثقال معجون دواء المسك حار بجهت فالج ولقوه وکزاز وخفقان ووحشت وتقویت قلب ومعده ومعین بر هضم وکوار یدن طعام میباشد وخواص بسیار دارد صفت ان زرنباد درونج عقربی

مروارید

دواء المسك حار

معجون نجاح

مروارید عنبر اشهب کهربا بسد ابریشم خام مقرض بهمن سرخ وسفید سنبل الطیب سادج هندی قاقله کبار قرنفل اشنه دار فلفل زنجبیل مشك مصطکی پوست ترنج ناردمشك جوزبوا کبابه چینی ابهل سعد کوفی تخم بادروج فرنجمشك تخم بادرنجبویه تخم تمام تخم مرزنجوش ادویه را خوب کوفته باسه برابر ادویه عسل چنانچه رسم است بسرشند خوراکی یکمثقال معجون هرمس بجهت نقرس ووجع مفاصل ودرد معده وقروح امعا واستسقا ویرقان وفالج ولقوه ودیکر امراض مفید است در بهار بکار دارند صفت ان غاریقون اسارون وج ترکی فودمانا فرفیون تخم سداب زوفا دراوند طویل ریشه عرطنیثا نانخواه قرنفل جنطیانا حاشا تخم کرفس قنطوریون سلیخه موسنبل الطیب فطراسالیون کادریوس ادویه را کوفته با عسل بسرشند معجون مرمکی که خون بسته حیض بکشاید وبچه مرده بیرون آورد وزائیدن اسان کند صفت آن مرصافی دارچینی ابهل چنانچه رسم است با عسل بسرشند وبا روغن کنجد تازه وطبیخ خرما شربتی از ان یکمثقال ونیم است معجون مبارك بجهة اسهالهای کهنه وقروح امعا است بسیار نافع صفت آن مقل ازرق صمغ عربی نشاسته کثیرا تخم حماض

معجون هرمس

زبده است

معجون مرمکی

معجون مبارك

تخم مرو تخم ریحان تخم خشخاش سفید تخم خطمی سفید تخم تره تیزک
سرطان سوخته اقاقیا کهربا بسد املهٔ مقشر طباشیر سفید عصارهٔ
لحیة التیس خبث الحدید و هرگاه که محرور المزاج بوده باشد بزر
البنج صدف سوخته اضافه نمایند و مقل خبث الحدید ابنجنگشت
و نیم نمایند و باسه برابر ادویه عسل برشته خوراکی یکمثقال
تا یکرطل و نیم **معجون سقنقور** باه را قوت دهد و نشاط آورد و نعوظ
تمام آورد **صفت آن** شقاقل بهمنین سورنجان بوزیدان بسباسه
نات سقنقور حصیة الثعلب کبابه چینی قرنفل قضیب گاو سوده
مغز حب الزلم مغز جلغوزه مغز حبة الخضراء جندبیدستر خولنجان
لسان العصافیر قاقله کبار تخم خشخاش ورق گلسرخ بادرنجبویه
تخم هلیون اسارون قرفه درونج عقربی اشق جوزبوا اشنه
زعفران سعد هندی درنب ذرنباد مصطکی تخم شبت تخم کرفس
عود خام عنبر اشهب مشک سنبل الطیب سازج هندی لعل یاقوت
یشب مروارید کهربا بسد ورق طلا و ورق نقره محلول جزو اعظم
خوب یکصد درم باسه برابر ادویه عسل برشته **معجون ایوب**
بجهت قوت باه بسیار مفید و پاک کننده مثانه از ریگ **صفت آن**
مغز بادام مغز پسته فندق حب القلقل حب الخضراء مغز کردکان نارجیل

معجون سقنقور

معجون ایوب

جلغوزه مغز انجوچک تخم خربوزه حب الزلم کنجد مقشر خشخاش کبابه
چینی قرفه خولنجان قرنفل شقاقل مصطکی بسباسه لسان العصافیر
سنبل الطیب بهمنین تخم هلیون تودری بن بوزیدان سعلب کش
خرما قضیب گاو سوده مغز سر گنجشک دارفلفل زعفران زنجبیل
نادمشک مغز گنجشک ادویه را کوفته باسه چندان عسل برشته
خوراکی دو مثقال تا سه مثقال **معجون سقراط** این ترکیب را مفرح
محزون گویند حنین ابن اسحق از زبان یونانی عربی نموده پیش
مامون فرستاد و خواص بسیار دارد بعضی مذکور میشود جهة
امراض بلغمی و سوداوی و کمی خون و نسیان و وسواس و فکر
و سعال قدیم و سل و دق و صرع و برص و ضعف دماغ و نقرس
و مفاصل و درد معده و غب و بواسیر و ذحیر و درد جگر و
تاریکی چشم مفید باشد **صفت آن** حنطیانا قردمانا نادمشک
بزر البنج حب الغار ذراوند طویل انیسون جندبیدستر
حب بلسان اسارون عود بلسان فنجنکشت سلیخه مصطکی رومی
وج ترکی درونج ذرنباد تخم کرفس بابونج بادرنجبویه صبر
سقوطری تربد زعفران عود خام جوزبوا قرنفل دارچینی ریوند
چینی قاقله کبار سنبل الطیب اشنه بسباسه کلونج سعد کوفی

معجون سقراط

معجون عطائی

حب المحلب هلیله سیاه هلیله زرد امله ادویه را کوبیده باسه
برابر عسل برشته خوراکی چهار مثقال قبل نمایند معجون عطائی
بجهت دفع سرعت انزال نظیر ندارد صفت آن کندر علک رومی
جفت بلوط شاهدانه کلنار فارسی کونی کور یا نانخواه پوست
هلیله زرد بلیله امله هلیله سیاه کشنیز خشک باسه چندان
ادویه عسل برشته طرف صبح یا شب قبل از غذا قبل نمایند

معجون قباد الملک

معجون قباد الملک بجهت مفاصل و نقرس و درد سپرز و تبهای
کهنه و سرفه و قرحه مثانه و امعا و تاری چشم و درد کلو همه را
نیک باشد صفت آن جنطیانا اسطوخودوس فرد ماناجاو شیر
کمافیطوس تخم سداب فراسیون میعه سایله مرمکی زعفران
قسط شیرین فلفل سفید اذخر سنبل الطیب فرفیون پوست بیخ
رازیانه دوقو کل سرخ ناردین حب بلسان فرنه سلیخه شاهدانه
عصاره قافث تخم جند فوفلی صمغ بادام افیون بزرالبنج سفید
صمغها را بخیسانند و باسه برابر ادویه چنانچه رسم است

معجون مسیحی

برشته خوراکی دو نخود معجون مسیحی بجهت قوه باه و پاک
کردن معده از اخلاط و منع کند موی را از زود سفید شدن
و در قوت مجامعت فعل عجیب دارد صفت آن کل سرخ عاقرقرحا

سعد هندی قرنفل سنبل الطیب مصطکی زرنباد قاقله کبابه جوز
بوا بسباسه زنجبیل شقاقل خولنجان اسرار الثعلب تخم زردک
تخم شلغم تخم شبت تخم کرفس تخم ترب مومیائی بهمن سفید و سرخ
تودری سرخ و سفید دار فلفل حب الزلم قسط شیرین دارچینی
قرنفل زعفران عود خام بوزیدان زیره کرمانی انیسون نارنج خواه
نارجیل مغز پسته مغز بادام مغز فندق مغز انجوچک بادرنجبویه
جدوار هندی فرنجشک صندل سفید فوفل بزرالبنج افیون
تخم خرفه تخم خشخاش تخم هندوانه ادویه را کوفته باسه

معجون سورنجان

برابر عسل برشته خوراکی دو مثقال است معجون سورنجان
بجهت مفاصل و نقرس و عرق النسا و مسهل بلغم و صفرا شست
صفت آن سورنجان زیره کرمانی پوست بیخ کبر پوست بیخ
رازیانه شیطرج هندی کلوخ زنجبیل تربد مجوف فلفل سفید
رازیانه سعتر بوزیدان کشنیز خشک روغن بادام باسه

سیاه دریطوس

چندان عسل برشته خوراکی دو مثقال است معجون سیاه
دریطوس بجهت درد کبد و معده و رحم و کشادن حیض بسته
شده و قولنج امتلائی که از بلغم غلیظ بوده باشد و سده جگر
بکشاید و بدن را فربه کرداند و بادهای سرد را بکشاید

ورنك راسرخ كرداند وضيق نفس را زايل كند واستسقاء وجذام
وبرص ولقوه ورعشه وفالج وخناق وصرع زايل كند و
جالينوس فرموده كه اين تركيب را پيش از من كرده اند باسم پادشاهى
كه دران زمان بوده از پادشاهان يونان واسم اين تركيب اسم
ان ملك است صفت آن صبر سقوطرى بيخ غاريقون زعفران
وج دارچينى مصطكى روغن بلسان فرفيون فلفل سفيد وسياه
دارفلفل جنطيانا نارمشكى تفاح اذخر موميائى حماما قسط كما
دريوس افتيمون اسارون سقمونيا مشوى سنبل الطيب
ادويه را كوبيده باسه برابر عسل برشند خوراكى سه مثقال
معجون فلاسفه كه انرا ماده الحيوه كويند بلغم را دفع كند و
قوت هاضمه زياد كند وذهن تيز كند ومنى توليد نمايد و
قضيب را محكم سازد ودرد پشت ومفاصل والمى كه از برودت
بوده باشد زايل كند واب رفتن از چشم باز دارد صفت
آن فلفل زنجبيل دارچينى پوست هليله زرد پوست هليله
سياه خصية الثعلب زراوند مدحرج شطرج هندى بيخ
بابونه نارجيل جلغوزه بابونه مويز منقى باسه برابر ادويه
عسل برشند خوراكى يكمثقال معجون چوب چينى از مخترعات

معجون فلاسفه

معجون چوب چينى

صدر الشريفه

صدر الشريفه بجهة امراض سوداوى واولادشدن صفت آن
چوب چينى سورنجان ماهى زهرج پوست بيخ كبر شيطرج هندى
پوست هليله زرد تخم كرفس رازيانه فلفل سفيد صعتر جبلى
نمك هندى دارچينى انيسون كلرخ زنجبيل بوزيدان جنطيانا
قرنه جوزبوا بسباسه زرنباد درونج عقرب قند سفيد باعسل
سه وزن ادويه معجون اكسير الاطباء والد محمد قبله عالم تركيب
فرموده اند محرك اشتها ومقوى معده وهاضمه ووجع معده
بسيار مفيد است صفت آن زيره كرمانى مدبر در سركه سه
شبانه روز خيسانيده بوداده فلفل سفيد ودارچينى دار
فلفل برك سداب نطران اسپندان اشنه جوزبوا مغز هل
سنبل الطيب سعد كوفى كندر مصطكى زرنباد وج پوست
بيرون پسته پوست ترنج امله مقشر زنجبيل نانخواه چنانچه
رسم است باسه برابر ادويه عسل مصفى برشند خوراكى
يكمثقال تا يكمثقال ونيم اكر اقوى خواهند بقدر ده مثقال
جزو اعظم ازموده بسيار خوب داخل نمايند معجون بزورد
در تقويت قوت باه بسيار مفيد وبى نظير است صفت آن
تخم زردك تخم شلغم تخم پياز تخم ترب تخم هليون تخم شبت

اكسير المعده

معجون بزورد

توتیبوك جلغوزه حب القلقل حب الزلم بوزیدان قسط شیرین
زنجبیل تودری لسان العصافیر شقاقل بهمن دارفلفل حرف
بابلی حلیت قرفه قاقله کبار دارچینی قرنفل جوزبوا نارجیل مغز پسته
مغز فندق باسه برابر عسل بسرشند معجون دواء المسك غشی وخفقان

دواء المسك

کرم و مدقوق و مسلول را سود دارد صفت آن کهربا شمعی
مروارید بکر لسد ورق گل سرخ از هریك یك درم تخم خرفه بو
داده کشنیز خشك گاوزبان املہ مقشر از هریك دو درم زعفران
یکدرم مشك نیم درم کوفته باسه چندان عسل بسرشند یا بلبنات
وقند سفید معجون سازند معجون دواء المسك معتدل مروارید ناسفته

دواء المسك معتدل

دو درونج کهربا شمعی ابریشم مقرض زرنباد بهمن از هریك دو درم
قرنفل آشته سنبل الطیب هیل جوزبوا ساذج دارچینی زعفران
مصطکی طباشیر صندلین از هریك نیم درم عنبر اشهب یکدرم
مشك نیم درم کوفته باشیره نبات عسل بسرشند شربتی یکمثقال
معجون نوشداروی املہ مفرحی است مشهور و آزموده و پسند جمهور

معجون نوشداروی املہ

اعضای رئیسه را قوت دهد و خفقان و صرع نافع باشد و رنك
بشره را صاف سازد و بوی دهان و عرق بدن را خوش گرداند
و جکر و معده را قوت دهد و اشتهای طعام زیاده و قبل از

غذا توان خورد

غذا توان خورد صفت آن گل سرخ شش درم سعد کوفی پنج درم
قرنفل مصطکی سنبل الطیب اسارون از هریك دو درم قاقله کبار
ذرنب بسباسه جوزبوا قرفه زعفران از هریك دو درم املہ
مقشر نود مثقال املہ را در شیر گاو بخیسانند پس از یکروز
از شیر برآورده و در آب بشویند و در چهار من و نیم آب بجوشانند
تا ثلث بماند از آتش فرود گیرند سرد کرده بهم بمالند و شیره آنرا
در آورند و باسه چندان عسل و قند بقوام آورند و ادویه را
کوبیده و بیخته بآن بسرشند شربتی دو مثقال معجون نوشداروی
لؤلؤی مفرحیست مقوی دل و دماغ و جگر را قوت دهد

نوشداروی لؤلؤی

و اشتها آورد و طعام را بگدازد و بیماریهائی که بمشارکت جکر
و معده باشد سود دهد و نشاط دهد صفت آن مروارید
ناسفته یشب لسد سعد کوفی اذخر کهربا از هریك دو مثقال
عود خام طباشیر ساذج هندی سنبل الطیب گل ارمنی ابریشم
مقرض از هرکدام سه مثقال زعفران درونج عقرب بهمنین اشنه
از هریك دو مثقال شیره املہ سی و دو مثقال زرشك بیدانه
انار بیدانه از هریك ده مثقال زرشك و اناردانه را با املہ
بجوشانند و صاف بکنند و باسه چندان ادویه و عسل و قند

بقوام آورند ادویه را کوفته وبیخته بدان بسرشند شربتی
دو مثقال **معجون نوشدا روی بیدا الدین قلانسی** و دق
کلسوخ شش درم قاقله ده درم سعد جمنین امله قشر کاوزبان
از هریك پنجدرم قرنفل سنبل الطیب اسارون باد رنجبویه
سنج از هریك سه درم قرنه زرنب مصطکی شقاقل تودری
سعد خولنجان هریك دو درم بسباسه هیل جوز بوا زعفران
هریك یك درم عنبر اشهب پنجدرم مروارید ناسفته سادج هندی
هریك دو درم مشك دو دانك شیرهٔ امله یکرطل قند باید
هریك باشد یکرطل عسل بکن چنانچه رسم است بسرشند
شربتی یکمثقال است **معجون نوشدارو ی لؤلؤئی نسخهٔ دیگر**
یاقوت رمانی یکمثقال ابریشم مقرض مروارید کهربا بسنبل الطیب طباشیر
ورق کلسوخ زعفران هریك سه درم یشب مرجان درونج
هل تخم باد رنجبویه سادج هندی عود هندی اذخر اسارون
صندل سفید پوست ترنج ریوند چینی زرشك بیدانه عنبر اشهب
هریك دو درم مشك یکدرم ورق طلا دو دانك امله در شیر
پرورده نیم رطل قند ونبات وعسل سه برابر ادویه شربتی
دو درم است **معجون بزرك دارد** از جمله داروهای بزرك اثار ...

معجون زرنبی

بزرگ دارد

ومنفعت این قریب به منفعت مخلصه است واز بسیاری نفع
بعضی از تریاقات شمرده اند **صفت ان** زعفران بوزیدان بنج هریك
یك سیر افیون فرفیون هریك بیست درم میعه سایله سنبل
الطیب هریك دو سیر سادج قرنفل تخم اسپند عاقرقرحا
دارفلفل مرمکی هریك چهار درم فلفل سفید سکبینج جاوشیر
هریك دو درم مروارید بکر نوشادر تخم سداب مشك کافور
قاقله کبابه دارچینی سلیخه هریك یك درم قسط زرنباد درونج
روغن بلسان هریك هشت درم کوفته وبیخته صموغ را
در شراب حل کرده وافیون را حل نموده صاف نمایند و باسه
چندان عسل بسرشند قند شربت عجب افرجه از یك درم
تا پنجدرم **معجون قیصر** خفقان بارد را باز دارد و درد معده
وصرع وامراض بارده را سود دارد وفواق امتلائی را نافع
باشد وسدد و مجاری بگشاید **صفت ان** جند بیدستر
دب السوس سلیخه قسط تلخ فلفل افیون میعه سائله زعفران
سنبل الطیب از هر کدام دو درم جاوشیر یکدرم و نیم درونج
زرنباد مروارید از هریك نیم درم مشك دو دانك اجزا را
کوفته وبیخته باسه چندان عسل بدستور ترکیب نمایند

معجون قیصر

شربتی از یک دانک تا سه دانک باشد **معجون خروبی** معده را
قوت دهد و باه را زیاد کند و دل را قوی دارد و بوی دهان خوش
کند و نشاط تمام بخشد **صفت آن** عنبر اشهب قاقله کبار دیسباسه
قرنفل زنجبیل جوز بوا سنبل الطیب صندلین شقاقل قرفه بهمن
سرخ و سفید هریک دو درم خصیة الثعلب هفت درم افیون
ده درم زعفران دار فلفل بزر البنج از هریک شش درم مصطکی
سه درم دارچینی هشت درم اشنه دو درم مشک نیم درم
ورق طلا ورق نقره سه دانک عسل سه برابر سرشند شربتی
نخودی

معجون میعه سایله

معجون میعه سایله اسهال کهنه و زحیر را سودمند است
صفت آن جند بیدستر اسارون افیون میعه سایله بزر البنج
کند راجزا را همه بوزن برابر با سه چندان عسل سرشته شربتی
یک نخود

فلونیای رومی

معجون فلونیای رومی بسیار معجون مبارکیست نافع قولنج
و هیضه و عسر البول و سنگ کرده و مثانه و خفقان و سیلان
رحم و تشنج و قی الدم و اسهال خونی را نافع باشد **صفت آن**
زعفران پنج درم فلفل بزر البنج از هریک بیست درم افیون
ده درم اسارون چهار درم تخم کرفس کوهی سه درم سنبل
الطیب چهار درم ساذج سلیخه عاقرقرحا فرفیون حب بلسان

از هریک یک درم

از هریک یک درم اجزا را بروغن بلسان چرب نموده با سه چندان
عسل صافی چنانچه رسمست سرشند قدر شربتی یک نخود باشد

معجون فلونیای فارسی

معجون فلونیای فارسی آمدن خون از هر عضو باز دارد و دردها را
ساکن کرداند و قی و اسهال را سود دارد و باد رحم را دفع کرداند
و حفظ جنین نماید و دماغ را قوت دهد و حفظ را زیاد کرداند
صفت آن فلفل سفید بزر البنج از هریک بیست درم افیون ده درم
کل مختوم ده درم زعفران پنج درم سنبل الطیب مرمکی عاقرقرحا
فرفیون از هریک ده درم جند بیدستر یک درم زرنباد درونج
عقربی هریک پنج درم مشک مروارید بکر هریک سه دانک کافور
یک دانک و نیم کوفته با سه چندان عسل بطریق معمول سرشند
شربتی دو دانک است

فلونیای حکیم عماد الدین شیرازی

معجون فلونیای تألیف حکیم عماد الدین محمود شیرازی یاقوت رمانی مروارید کهربا فادزهر حیوانی جدوار
خطائی مومیائی از هریک دو درم درونج شقاقل صندل سفید
از هریک بقدر چهار درم زرنباد طباشیر دار فلفل آمله قشر
ورق گل سرخ پوست پسته زراوند حب الغار حب الزلم حب القلقل
عود هندی بادرنجبویه افتیمون رازیانه قاقلتین قرفه فطر
اسالیون مرمکی جند بیدستر سعد کوفی عاقرقرحا ساذج هندی

مایهٔ شتر اعرابی قسط شیرین اسارون سنبل الطیب از هر کدام پنجدرم
خشخاش مصطکی خصیة الثعلب جوزبوا بسباسه ریوند چینی چلغوزه
بزر البنج از هر یك ده درم فلفل بیست درم زنجبیل هفت درم پوست
هلیله همنین ابریشم مقرض پوست ترنج تخم بادرنجبویه جبلسان
عود بلسان خطیا ناماهی روبیان از هر کدام سه درم عنبر ده درم
مشك یکدرم کندر ده درم مغز تخم خربوزه سه درم زعفران سی درم
ورق طلاه و ورق نقره دو درم افیون پنجاه درم نبات صد درم
عسل برابر تمام ادویه کوفته و بیخته بطریق معمول معجون سازند
شربتی دو درم **معجون فلونیای دیگر از اطبای گیلان** فلفل سیاه
سنبل الطیب زنجبیل دارچینی مرمکی فرفیون از هر یك ده درم زعفران
سازج قرفه سلیخه اسارون زرنب خصیة الثعلب جندبیدستر
زراوند کرد عود بلسان حب بلسان لسان العصافیر عود الصلیب
فرنجمشك اشنه حب الزلم حب القلقل تخم هلیون شیطرج هندی
امله مغز چلغوزه خولنجان بادیان مشکطرامشیع پوست ترنج مغز حب
الصنوبر کباده گاوزبان بادرنجبویه ریوند چینی هر یك پنجدرم
پوست هلیله کابلی مغز بادام مغز پسته تخم کرفس انیسون نشا
مغز نارجیل بزر البنج هر یك ده درم قرنفل جدوار خطائی صمغ

معجون فلونیای دیگر

عربی هر یك سه درم گل ارمنی مصطکی هر یك دو درم کبابه چینی
بهمنین از هر یك چهار درم تودری طباشیر سفید مروارید ناسفته
کهربا جرلیشب عقیق یاقوت رمانی سه درم زعفران بیست درم
عنبر اشهب دو درم مشك پنجدرم ورق طلا پنجاه دانه افیون
ده یك تمام ادویه جمیع ادویه را کوفته و بیخته بروغن
بادام چرب نموده پس نیم وزن ادویه نبات کوفته با ادویه
درهم بیامیزند و افیون و صمغها را در گلاب حل نموده و
خوب صاف کرده در سه برابر ادویه عسل بقوام آورده
برشند شربتی نخودی **معجون برش عنای دیگر که شیخ**
در قانون ترله وزکام را نافع باشد و درد ها را
ساکن گرداند و قطع خون از هر عضوی که باشد کند و اگر
قدری از آن بر بالای دندان بگذارند درد آنرا ساکن
گرداند **صفت آن** فلفل سفید بزر البنج هر یك بیست مثقال
افیون ده مثقال زعفران پنجمثقال سنبل الطیب عاقر قرحا
فرفیون هر یك یکمثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل
برشند **معجون برش عنا نسخه دیگر** امراض قلب و معده را
مفید باشد و امراض سوداوی را و مالیخولیا و بیخوابی و استسقا را

برشعثای شیخ

معجون برش ابوالبرکات بغدادی

معجون برشعثا دیگر

مفید صفت آن فلفل سیاه فاشرا بزر البنج فرنجشك فوه مقل ازرق
از هر یك دو درم زعفران زراوند طویل جنطیانا عصل مشوی
جدوار از هر یك چهار درهم حب الغار افیون مرمکی از هر یك هفت
درم سنبل ناردین جندبید ستر هر یك دو درم فرفیون یکدرم ادویه را
کوفته و بیخته باسه چندان عسل برشند معجون برشعثا نسخهٔ
دیگر مرصاف زعفران میعه کادیوس جنطیانا احف بابلی هر
یك ده درم کل مختوم نیم درم افیون ده درم جندبید ستر
صمغ عربی الطیب غاریقون از هر یك سه درم اقاقیا موفطر
اسالیون هر یك دو درم قصب الذریره دارشیشعان حب الغار
عصاره لحیة التیس از هر یك پنجدرم و نیم زراوند طویل ریوند
چینی اسارون حاما جعده روغن بلسان از هر کدام سه درم نیم
انچه صموغ و عصاره باشد بخیسانند و نرم کند و سایر ادویه
کوفته و بیخته باسه چندان عسل معجون کند معجون برشعثا
نسخه دیگر جنطیانا دارفلفل جندبید ستر از هر یك چهار درم
سنبل الطیب فقاح اذخر زراوند طویل از هر یك ده درم
زعفران دو درم انیسون پانزده درم تخم کرفس بیخ بابونه بیخ
کرفس از هر یك ده درم زنجبیل خشك پرورده فودنه از هر یك

معجون ابومسلم

معجون اندروماخس

معجون اختلاف

معجون درع الصحه

هفت درم روغن بلسان دو درم عسل سه برابر مجموع ادویه بدستور
مقرر معجون نمایند معجون ابومسلم این ترکیب را فریاد رس نیز گویند
زیرا که ساکن کنندهٔ جمیع دردهاست صفت آن افیون مصری بزر البنج
از هر یك ده درم زعفران فرفیون سنبل الطیب عاقرقرحا فلفل سوزنجان
فاقله هر یك پنجمثقال کوفته و بیخته باسه چندان ادویه عسل برشند
معجون اندروماخس دوائیست عجیب و نافع و شیخ در قانون از جمله
مجربات آورده است اصحاب نفث الدم و سعال مزمن و دلش سینه
و قروح و قی و هیضه و اسهال و اختناق رحم و امراض مثانه و
حمیات دائره و حشرات را نافع است صفت آن دارچینی قسط
بادرنجبوبه جندبید ستر افیون فلفل دارفلفل میعه سایله از هر یك
جزوی کوفته و بیخته چنانچه رسم است با عسل برشند شربتی از
یك دانك تا نیم درم است معجون اختلاف اسهال بلغمی را سودمند
باشد صفت آن جندبید ستر میعه سایله بزر البنج افیون
زعفران مرمکی اسارون تخم کرفس سلیخه سنبل الطیب گل ارمنی
کلنار فارسی انیسون کرویا صمغ عربی اجزا مساوی کوفته
باسه برابر عسل برشند و شربتی پنجدرم با دو بیه بادیه مورد
میل نمایند معجون درع الصحة تالیف میر محمد باقر داماد است

از جمله ثریا فانست حرارة غریزی حفظ کند وحفظ زیاد کردا
وباه را قوت دهد و درد اعضا بر طرف سازد وتنگ نفس قدیم را
نافع باشد مضرت سموم از بدن باز دارد وکزیدن حشرات وسک
دیوانه را سود دهد ومالیخولیا وامراض سوداوی وبلغمی را
نافع باشد ودفع نماید وبول وحیض براند وسنگ کرده ومثانه
بریزاند وسده وورم جگر ومعده که از بلغم باشد بکشاید وقرص
وبرص وبهق سفید وسیاه سود دارد ودرد کمر وگرده وتب
بلغمی وتب ربع را زایل کند صفت آن جدوار خطائی ماهی سقنقور
مصطکی میعه سایله قطر اسالیون بند دکوفس اذخر جاوشیر زعفران
روغن فرص افعی بزر البنج حصیة الثعلب لسان الثور عود هندی
لسان العصافیر چوب چینی پوست لیته از هر یک ده درم موصلی
کما فیطوس قصب الذریره نانخواه فرص اند دوخوردن ورق
کلسوخ عود بلسان درونج عقربی از هر یک هفت درم مرمکی
اسطوخودوس علك البطم خردل از هر یک هشت درم سلیخه
انیسون جوز بوا از هر یک نه درم سورنجان مصری قسط تلخ
اسفیل مشوی ساذج هندی تفاح اذخر حنظیا نا دار فلفل
مشکطرامشیع حب بلسان طباشیر زراوند طویل شیطرج هندی

دار شیشعان کبر ارابنج زراوند مدور از هر یک شش درم جند بید
ستر دارچینی شقاقل مصری حب الراس سلاب دوقو از هر کدام
پنج مثقال غاریقون اسارون سعد کوفی قردمانا خولنجان تخم هلیون
عاقرقرحا املج مقشر از هر یک چهار مثقال سلیسالیوس نادرین
ذوفای خشک زرنب زنجبیل ورق نقره حب الغار همچنین حماما
از هر یک سه درم فوه فراسیون تخم دا زیانه مویزج خشک
پرورده مخلصه وورق طلاء عنبر اشهب از هر یک دو درم مشک
نیم درم اجزا را کوفته بیخته صمغ را در عرق دارچینی خیسانیده مثلث
نموده سه برابر ادویه عسل ادویه را بروغن بلسان ومیعه چرب
نموده بطریق تریاق کبیر معجون نمایند شربتی یک درم باشد معجون
فولادکه از معاجین هندیانست خواص بسیار دارد وفالج ولقوه
وصرع وسکته ورعشه ونسیان وعرق النساء ومفاصل وتمام
امراض بلغمی را نافع باشد وحفظ را زیاد کرداند ومعده را قوت
دهد وباه را بر انگیزد وسرعت انزال وسلسل البول را نافع است
وامراض بارده را موافق باشد صفت آن زعفران فلفل سیاه
وسفید دار فلفل شنجرف شسته با اب لیموا نوم صلایه نموده
کبابه چینی مصطکی انیسون ماهی سقنقور سنبل الطیب بسباسه

معجون فولاد

معجون رامهرام

قرنفل دارچینی همچنین هلیله سیاه کهربا مرجان مرواريد لسان الطیر
تخم کوفس مغز پنبه دانه تخم نا توره زهر گرفته و بریان کرده جنطیانا
رومی مایه شتر اعرابی زنجبیل مغز سر گنجشك مغز سر خروس کبجد قشر
بابونه جوز بوا آمله منقی قاقله کبار پوست هلیله شیطرج نانخواه
مغز نارجیل هلیون سلیخه از هریك ده مثقال اشترغاز جلغوزه حب
النیل هندی خصیة الثعلب زرنباد تخم رازیانه بلادر زهر گرفته
و بریان کرده افتیمون زراوند طویل زراوند گرد اسقیل مشوی
شاهتره از هریك پنجمثقال افیون چهار مثقال عنبر مشك از هریك یك
مثقال فولاد مکلس ده دانك برابر ادویه قند سفید و چهار یك
مجموع عسل معجون نمایند مقدار شربتی از یکدرم تا یك مثقال است

معجون رامهرام از معاجین هند بانست بزرك ایشان ترکیب نموده
تمام سوء مزاج بارده را نافع است و ضعف معده را فایده دهد
و قوت باه را برانگیزد و حفظ جنین کند و سنك مثانه و گرده
را بریزاند و مطلق امراض بلغمی را سود مند است و منافع
بسیار دیگرهم دارد صفت ان وج ترکی قسط تلخ زراوند طویل
زراوند مدحرج از هریك دوازده مثقال دارفلفل قرنفل اشنه
قصب الذریره عود بلسان هریك دوازده درم اکلیل الملك

معجون اسود

زرنب شیح ترکی حب بلسان سلیخه بسباسه قاقله قرفه هریك
شانزده مثقال پوست هلیله زرد آمله منقی از هرکدام سی و
دو مثقال بیخ لفاح خربق سفید مرمکی خشك پرورده شیطرج
هندی همچنین زرشك بیدانه ترنج مقشر لسان العصافیر از
هریك بیست و چهار مثقال جوز بوا سی عدد پوست بیخ کبر تخم
تنجکشت هریك دوازده مثقال تخم زردك حاما هریك شش
مثقال افیون جند بید ستر هریك شش درم افتیمون فربیون
هریك سه درم هلیله سیاه چهار درم ساذج هندی حلبه مو فطر
اسالیون دو قو دیوند چینی از هریك شش درم ادویه را کوفته
بیخته باسه برابر قایند و برابر ان عسل و برابر عسل روغن گاو
قایند را در سه رطل اب بجوشانند عسل را صاف نموده ادویه را
بروغن گاو چرب نموده بعد درهم امیخته خوب درهم سرشند
شربتی بقدر یك فندق باب گرم معجون اسود سلیم از معاجین
بزرگست با منفعت جمیع امراض بلغمی و سوداوی را نافعست صفت ان
تخم اسپندان صد و بیست درم جاوشیر هشتاد درم شونیز
شصت درم وج ترکی سکبنج اشق زراوند طویل مقل ازرق
خربق سفید جند بید ستر پوست بیخ خنظل کبریت زرد تخم

توب تخم توه تیزك تخم پنجنکشت سداب جبلی از هریك چهل درم
فرفیون بخلفاح کندش نمك هندی نمك نفطی نمك اندرانی بوزیدان
البنج عاقرقرحا مرمکی صبر زرد کندر شیطرج هندی هریك بیست
درم سنبل الطیب مصطکی زرنباد درونج عقربی زعفران از هر یك
سه درم افیون هشت درم ادویه را در هم ریخته خوب بسرشند
و مدت دو ماه در زیر خاکستر دفن نموده بعد بیرون آورند
مقدار شربتی یك درم است معجون شیخ ابو علی سینا از برای
منفعت بخود لست فرموده اند وسواس و خفقان و ضعف دل
و علل دماغ و معده و جگر و سپرز را نافع است و قولنج و تبهای
مرکب مزمن را سود دهد و دیگر نفعهای بسیار دارد صفت آن
یاقوت رمانی یکمثقال سنك یشب عقیق یمنی هریك یکدرم ورق
طلاء دو دانك و ورق نقره محلول یك دانك غاریقون افتیمون
ظفل زنجبیل قرنفل مرزنجوش از هریك یکمثقال و نیم حجر ارمنی
لاجورد مغسول نمك نفطی زرنباد درونج گاوزبان بهمنین هر
یك یکمثقال نانخواه دارچینی حماما اکیر ترکی ساذج هندی دارچینی
سعتر جاوشیر حاشا زرد زوفای زیره کرمانی از هریك چها
دانك و نیم مشکطرامشیع قطراسالیون جوز حجر الیهود تخم کرفس

معجون شیخ الرئیس

دومی کند

مرمکی کندر زعفران فلفل سفید هریك سه دانك باده حاج یك
مثقال یاقوت یشب عقیق را در آتش سرخ کنند و در آب سرد بیندا
تا شکسته گردد و خوب صلایه شود پس بر سنك سماق با شراب
انگوری کهنه بسایند و ورق طلاء و ورق نقره را محلول ساخته
همراه جواهر حکرد بسایند چندانکه بمدعا خوب سوده شود و
در سایه خشك سازند و ادویه را کوفته از پارچه حریر بیخته
با جواهر بیامیزند پس باسه وزن ادویه شیرهٔ امله و عسل
چنانچه رسم است معجون نمایند و بعد از چهل روز شربتی یك
مثقال میل نمایند معجون شلیثا از شیخ ابو علی در قانون آورده
خداوند بیماریهای سرد بلغمی و سوداوی و صرع و سکته و فالج
و رعشه و خفقان و بیماریهای رحم معجون اختناق و نفخ و
سیلان رطوبت از رحم و کودك را اندر رحم نگاه دارد و
اوجاع مفاصل که از بلغم و سودا بوده باشد بسیار سود دهد است
و تقطیر بول را مفید است صفت آن مشك میعه سایله اشنان
تخم کوفس ماميران چینی سداب تخم هلیون اشنه کافور کوکرد
زرد سرکین کاوکوهی سرکین بزکوهی خربق سیاه از هریك دو درم
عنبر اشهب درونج عقربی زرنباد سنبل الطیب مقل فلفل سفید

معجون شلیثا

بادرنجبویه تخم شبت جنطیانا رومی نمک هندی شکوفه
لسان العصافیر صعتر فارسی ابهل عاقرقرحا تراب الریبات
بورقطونا اسفند هزارچشان ازهریك چهار درم جندبیدستر
سانج هندی زعفران مروارید فرفیون تفاح اذخر تخم
جرجیر شونیز بزرالوا ازهریك ده درم حب بلسان مصطکی
زرنب غالیه نیم درم زر وسیم زاج سرکین روباه پوست کبر
ازهریك نیم درم سلیخه عود بلسان ابوسا سیاه هریك یك
درم جوزبوا لفاح هریك ده درم قاقله قسط تلخ چوب چینی
پرسیاوشان هریك هشت درم بیخ اسفند دو درم مغز دانه
محلب یك درم سعد کوفی حماما هریك دو درم تخم رازیانه شش
درم اجزا را کوفته وبیخته باسه چندان عسل برشته شربتی
یك نخود است **معجون یاقوتی که سید سلیمان که بزرك اطبای**
شاه عباس صفوی بوده از برای حاکم فارس ساخته فواید او
بسیار است قوت بدن نکاه دارد وسنك در کرده و
مثانه را بریزاند وامراض سوداوی وبلغمی واوجاع مفاصل
سود دارد وپیری زود ظاهر نسازد ورنك روی سرخ
کند واشتهای طعام زیاد سازد وقوت مجامعت را یاری

معجون یاقوتی

دهد ولثت

دهد ولثت وکرده را محکم سازد ومنی بیفزاید وصرع وسکته
ونسیان فالج ولقوه وبرص وبهق را نافع باشد وحواس ظاهر
وباطن را قوت دهد وتفتیح سدد جکر وسپرز وامعا کند و
حرارت غریزی نکاه دارد وتفریح ونشاط آورد **صفت آن**
یاقوت رمانی لعل بدخشانی فیروزه مروارید بکر بسد یشب
عقیق کهربا لاجورد مغسول مومیائی کانی نادر زهر درونج
بسفایج بهمنین قاقله کبار دارچینی دار فلفل شیطرج ریوند
چینی هلیله سیاه پوست هلیله زرد وکابلی امله مقشر زنجبیل
وج ترکی خصیة الثعلب جنطیانا زراوند مرصاف قرنفل مرز
نجوش مشکطرامشیع حجر الیهود کاوزبان نارجیل حاما ناردین
فطراسالیون سانج هندی تخم کاسنی رازیانه بادرنجبویه
تودری سفید مجوف حب بلسان عود بلسان اسارون قرنفل سورنجان
جندبیدستر طباشیر کل سرخ تخم فرنجمشك بسباسه کافور
عود هندی پوست بیرون پسته پوست ترنج تخم قومج راسن
جوزبوا زرنب سلیخه سنبل رومی مغز پسته نیلوفر نعناع نمام
کبابه چینی هوغاریقون فود وقواقیا حاشا مقل مقل الیهود
بزرالقلب فراسیون ازهریك سه مثقال جدوار خطائی سعد

معجون چوب چینی

کوفی افتیمون کل مختوم کل ادمنی زرنباد از هریك دو مثقال
صندل سفید مصطکی ابریشم مقرض لسان العصافیر مایه شتر
قل
اعرابی هریك بیست مثقال قیضب کاوسوهان کرده نان خواه مثقال
ازهریك ده مثقال زعفران بیست مثقال ورق طلا ورق نقره
یك مثقال مشك ترکی عنبر اشهب هریك دو مثقال رب به شیرین
رب سیب شیرین رب فواکه شیرین عرق بیدمشك عرق مخلصه
گلاب از هریك نود مثقال نبات سفید سی صد مثقال عسل سه
برابر تمام ادویه اجزا را کوفته و بیخته معجون سازند شربتی
یك مثقال معجون چوب چینی ترکیب حکیم عماد الدین محمود شیرازی دل و دماغ را
قوت دهد و وجع مفاصل و درد پشت و ورك بر طرف کند و
مالیخولیای مراقی و امراض سوداوی را سودمند است و معده را
قوت دهد و باه را زیاد کند و رنك رخسار سرخ کند و بدن را
فربه سازد و اوعیه منی بکشاید و کرده و مثانه را از ریك و
سنك و اخلاط لزج پاك سازد و بوی دهان خوش کند و نشاط
و خوشحالی تمام آورد و نفع این ترکیب مبارك بسیار است
صفت آن چوب چینی که وصف طبیب پسند پنجاه مثقال
مروارید بکر دو مثقال لاجورد مغسول ریوند چینی افتیمون

معجون بهمن مقوی

رومی از هریك دو مثقال سنبل الطیب هیل ثمك میداماهی دو با
درونج عقربی زرنباد تخم ززدك تخم شلغم تخم ترب فرنجمشك
بهمنین خشك پرورده تودری بیخ از هریك سی مثقال الخصیة الثعلب
پنج مثقال بوزیدان سورنجان سعد کوفی از هریك دو مثقال دارچینی
قرنفل زنجبیل اسارون آمله منقی از هریك سه مثقال جوزبوا
بسباسه از هریك ده درم مصطکی عود خام مایه شتر اعرابی
زعفران عنبر اشهب از هرکدام دو درم مشك ترکی پنج درم مغز
فندق مغز پسته مغز بادام مغز کردکان جلغوزه از هرکدام دو درم
اجزا را کوفته و بیخته مغزها را نرم مالیده و باد رنجبویه و کاوزبان
گلسرخ آشنه از هرکدام ده مثقال بکشب خیسانیده و جوشانیده
خوب دست مالیده صاف نمایند و تخم خربوزه تخم کاسنی تخم خیار
از هرکدام دو مثقال نرم کوبیده شیرهٔ آنرا کوفته بر شیرین آب
انار شیرین از هرکدام پنجاه مثقال همه ادویه را یکجا کرده با سه برابر
قند و عسل قوام آورده مرکب کرده دواها را بدان بسرشند و در
ظرف چینی کرده بعد از چهل روز شربتی از دو مثقال تا چهار
مثقال است معجون بهمن مقوی باه را قوت دهد و نشاط زیاد
کند و کرده و پشت و دل و دماغ را قوت دهد نعوظ تمام آورد

صفت آن شقاقل بهمن سرخ و سفید بوزیدان سورنجان بسباسه
قرنفل قضیب گاو خشک کرده سوهان نموده حب الزلم مغز جلغوزه
مغز حبة الخضراء مغز نارجیل لسان العصافیر خولنجان قاقله کبار
تخم فرنجشک صندلین خشخاش سفید گاوزبان ورق گل
بادرنجبویه هلیون اسارون درونج عقرب هل جوزبوا آنیسه
عود خام از هریک چهار درم سوده سقنقور پانزده درم زعفران
خصیة الثعلب از هرکدام ده درم کبابه چینی سعد کوفی زنجبیل
زرنب تخم بادرنجبویه زرنباد مصطکی تخم شبت ساذج هندی
حجر الیهود کهربا بسد زر محلول سیم محلول از هریک سه درم مروارید
بکر پنجدرم عنبر اشهب دو درم مشک ترکی یکدرم لعل بدخشانی دو
درم یاقوت زرد یکدرم بلادر که بسیار خوب سوده و بیخته
باشند سه درم اخرا را نرم کوبیده و بیخته باشند جواهر را بر سنگ
سماق نرم صلایه نموده بطریق مشهور دلبرشند شربتی یکمثقال
معجون مبهی مقوی نسخه مؤلف قوت مجامعت و نعوظ بیاورد و نشاط
افزا باشد و دل قوی گرداند و ذکر را سخت کند و پشت و گرده را
محکم سازد صفت آن بوزیدان سورنجان تودریین بهمنین
زنجبیل نعناع خشک و خسک پرورده از هریک سه درم خولنجان

شقاقل خصیه

شقاقل خصیه الثعلب از هرکدام پنج درم گاوزبان مایه شتر اعرابی
دو درم خشخاش سفید کنجد مقشر تخم زردک دارفلفل از هرکدام
دو درم بادرنجبویه فرنجشک از هرکدام دو درم سنبل الطیب
قاقله کبار عود خام از هرکدام دو درم زرنباد مصطکی جوزبوا
بسباسه زعفران از هریک سه درم لسان العصافیر دارچینی
هیل از هریک چهار درم کرمانج هندی صمغ عربی از هریک پنجدرم
بزر البنج پنجدرم سمکه صیدا مغز سر کنجشک از هرکدام دو درم
اسارون جندبیدستر درونج از هریک درمی قسط شیرین سه
درم مغز جلغوزه نارجیل مغز بادام مغز پسته مغز فندق از هرکدام
دو درم مغز تخم خربوزه سه درم ورق نقره یکدرم عنبر اشهب
یکدرم مشک ترکی نیم درم عسل سه برابر تمام ادویه معجون نمایند
شربتی دو درم میل نمایند معجون دیگر نسخه حکیم محمود طبیب مجرب با
فایدهٔ تمیع دارد و دیگر فواید آن بسیار است صفت آن
بهمنین عاقرقرحا موسرخ از هریک دو درم زرآوند مدحرج درنباد
درونج لسان العصافیر کبابه چینی عود هندی مصطکی زنجبیل
فلفل دراله بوزیدان طباشیر حب النیل از هریک سه درم
خصیه الثعلب ده درم مایه شتر اعرابی پنجدرم سورنجان دو درم

معجون مبهی سالف

معجون باه ... محمود

نوددی بهمن شقاقل تخم زردک تخم ترب بوزیدان النجم دارچینی سنبل
الطیب هیل بباسه مغز تخم هندوانه تخم خرفه تخم کاسنی ورق
کلوخ کشنیز خشک زرشک حنفی بادرنجبویه سمکه صیدا خایه خروس
مغز سر کنجشک زعفران از هریک پنج درم تخم فرنجشک خشخاش سفید
جوزبوا مغز کودکان مغز پسته مغز فندق نارجیل املح معشو
پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد کاوزبان دوبیان از هریک
ده درهم آب سیب شیرین آب به شیرین امرود از هریک بیست درم
گلاب عرق بید مشک هریک نیمن عنبر اشهب یکدرم مشک نیم درم
قندنبات عسل صاف سه برابر تمام ادویه کوفته و بیخته معجون
کند معجون لبوب کبیر که کرده را گرم کند و منی بیفزاید و پشت
محکم کند و نشاط آورد و قوت باه برانگیزد و دل و دماغ را
قوت دهد و بدن را فربه کند و رنگ بشره را نیکو کرداند و اعضا
مستحکم کند و در امر مجامعت بی نظیر است و مداومت این
معجون نعوذ آورد بحدی که از مجامعت سیر نگردد و شهوت
ساکن نشود صفت آن مغز کودکان مغز جلغوزه مغز حب القلقل
مغز تخم هندوانه مغز دانه محلب مغز نارجیل مغز انجوج مغز
پسته مغز فندق مغز بادام مغز حبة الخضراء مغز حب الزلم مغز

معجون لبوب کبیر

تخم خربوزه

تخم خربوزه کنجد مقشر خشخاش خصیة الثعلب از هریک ده درم کتیرا
چینی توفه خولنجان دارچینی قرنفل شقاقل از هرکدام ... درم
مصطکی بسباسه لسان العصافیر سنبل الطیب زعفران زرنباد
بهمنین نوددی بهمن دو بیخ فقیکا و خشک کوده سوهان کرده
تخم زردک تخم شلغم تخم شبت دوقو از هریک شش درم هلیون
بوزیدان مغات تخم کندنا از هرکدام چهار درم مایه نشر اعزام
عودخام فلفل زنجبیل دارفلفل جوزبوا دواله نار مشک فرنجشک
از هریک سه درم عنبر اشهب یکدرم مشک نیم درم ورق طلاء
ورق نقره از هرکدام یکدرم عسل صاف سه وزن ادویه بقاعده
معمول معجون کنند خوراکی دو مثقال غذاء نخود آب با غلیه برکسی
و زرده تخم نیم برشت و کباب مناسب است معجون زرغونی
از برای تقویت باه نظیر ندارد کرده را قوت دهد و منی را بیفزاید
و اعصاب را محکم سازد و قوت دهد صفت آن تخم کزر تخم
کوفی تخم شبت تخم بوجه رازیانه نانخواه مغز تخم خربوزه تخم
بادرنک پوست بیخ کوفی مغز حب القلقل مغز حب الزلم مغز نارجیل
مغز جلغوزه از هریک پنج درم بسباسه قرنفل فلفونی به کبابه
چینی عاقرقرحا زنجبیل تخم اسپست تخم جرجیر کندنا خولنجان

کلپواست

معجون زرغونی

جوزبوا دارفلفل کل قرنفل از هرکدام سه درم مصطکی کندر زعفران
عود هندی از هرکدام چهار درم تخم هلیون شقاقل بوزیدان
بهمن سرخ و سفید لسان العصافیر از هرکدام ده درم عنبر اشهب
دو درم مشک ترکی نیم درم فانید بوزن تمام ادویه عسل
معجون سازند و گرم مزاج را دو درم و سود مزاج را شربتی پنج درم
و از عقب آن ده درم شیر گاو یا شربت قند با ماء العسل بیاشامند
در امر مجامعت بهتر از این معجون نیست و از این اقوی بیاد ندا
شده است **معجون مجرب حکیم عماد الدین محمود** مغز فستق مغز فندق
جلغوزه مغز بادام کنجد مقشر مغز انجوچك مغز نارجیل تودری
ابو لنبم مقرض تخم خروس مغز سر کنجشك خصیة الثعلب عود هندی
ماهی دوبیان از هریك پنج درم خشخاش ببیاسه ده درم قرنه
قصب کاوه سوده لسان العصافیر لسبد از هریك چهار درم بادر
نجبویه قرنفل بیخ بابونه شقاقل زرنباد زرنب زنجبیل جوزبوا
دارچینی کبابه چینی لعل بدخشانی یاقوت رمانی مروارید ناسفته
خولنجان بوزیدان از هریك پنج درم عنبر دو درم مشك یك درم
ورق نقره یك درم ورق طلا نیم درم با عسل بدستور ترتیب کنند
شربتی سه درم تناول نمایند **باب دویم در تریاق فاروق کبیر تریاق**

معجون مجرب

تریاق فاروق وسایر ۹ نسخه

کبیر گویند با جمیع زهرها مقاومت نماید و گزیدن جیوانات
ذی سموم را فایدهٔ عظیم دهد و دل و دماغ و مجموع اعضای
رئیسه و حواس باطن و ظاهر را قوت دهد و تفتیح سدهٔ کبد و
طحال کند و جذام و برص و صرع و سکته و لقوه و رعشه و
فالج و ضیق النفس و مالیخولیا و خناق بلغمی و درد گرده و مثانه
را سود دهد و حیض براند و امراض رحم را فایده دهد و بواسیر
و نفث الدم را مفید بود و بادها که در احشا باشد دفع کند
و درد معده و طحال را تحلیل برد و هیضه و جوع البقر و جوع
الطلب بر طرف سازد و حب القرع و حیات بکشد و حرارت غریزی
و باه را برانگیزد و اسهال کهنه را مفید بود و هر مرض بارد
و رطب را موافق باشد **صفت آن** قرص عنصل چهل و هشت
مثقال قرص افعی و قرص اندروخورون و فلفل سیاه افیون
از هریك بیست و چهار مثقال ورق گلسرخ تخم شلغم بوی ابرابا
غاریقون رب السوس دارچینی روغن بلسان از هریك
دوازده مثقال مرمکی زعفران زنجبیل ریوند چینی فطراسالیون
فودنج جبلی فراسیون فطراسالیون اسطوخودوس قسط
فلفل سفید دارفلفل کندر مشکطرامشیع فقاح اذخر صمغ

البطم سلیخه سنبل الطیب جعده از هریك شش مثقال میعه سایله
بزرکرفس سلسا الیوس حرف بابلی کادریوس نانخواه کافیطوس
عصارهٔ لحیة التیس نادین افلیطی شیح جبلی سادج هندی مو خطیانا
بزر البنج بزر دار یانه زیانج طنین کل مختوم زلج سفید سوخته حماما
و حب بلسان فوموغا ریقون صمغ عربی قردمانا اقاقیا از هریك
چهار مثقال دو قوقنه مقل الیهود جاوشیر قنطوریون دقیق
زراوند مدحرج سکبینج جندبیدستر از هریك دو مثقال و در
بعض نسخها یاد آورد دو مثقال نیز آمده است عسل مصفی
که زنبوش بکل حاشا چریده باشد ده رطل شراب ریحانی خوشبوی
خوش طعم سه رطل و نیم انچه کوفتنی است نرم کوبیده و صمغها را
در شراب ریحانی خوشبو بخیسانند و ادویه را کوفته و بیخته بروغن
بلسان چرب کنند اول صمغها را و عصا را تا در عسل کف کرفته
داخل سازند و یکشب و یکروز بکذارند روز دیکر ادویه را
کوفته و بیخته در عسل داخل نموده در هم لبرشند و در ظرف
چینی یا نقره کرده ظرف را مملو سازند و هر سه روز سر ظرف را
باز کنند تا بخار آن بیرون رود بعد از شش ماه لا اقل که فراج
ثانی کوفته باشد و نضج بیابد استعمال کنند تریاق ثمانیه

تریاق ثمانیه

بعد از تریاق اربعه ساخته اند قولنج بکشاید و تفتیح سده کبد و
طحال کند و کزیدن حشرات را فایده دهد و بادها را بشکند و نفع
این از تریاق اربعه بیشتر باشد صفت آن جنطیانا زراوند
طویل مر مکی حب الغار ریوند چینی چوبه پوست بیخ کبر قسط تلخ
اجزا را مساوی لبرشند شربتی یکمثقال تریاق الطین دومی از کامل
الصناعة منقول است دافع ضرر افعی و مطلق ادویه سمیه با شد
و کزیدن مار و همهٔ جانوران ذی سم را نافع است صفت آن
طین دومی حب الغار از هریك دو مثقال انفحهٔ طایر وحشی مثقال
انفحه ارنب چهار مثقال جنطیانا مر مکی زراوند مدحرج تخم سداب
مو دوقوقا از هریك یك مثقال اجزا را کوفته و بیخته با سه چندان
عسل مصفی لبرشند شربتی یك مثقال باشد تریاق محمد زکریا همین
خواص دارد صفت آن این است پوست بیخ کبر افسنتین زراوند مدحرج
جنطیانا اجزا را مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل
لبرشند شربتی دو درم تریاق بقراطی دافع سموم حشرات
و ادویه سمیه بود صفت آن زراوند طویل و مدحرج از
هریك دانکی جندبیدستر جاوشیر بازرد هریك یك دانك
و نیم کوفته جاوشیر و بازرد را در شراب حل نموده با قدری

وتریاق اربعه را بجای اربعه طلبند

تریاق الطین دومی

تریاق محمد زکریا

تریاق بقراطی

تریاق ذرب

عسل برشند شربتی یکمثقال است **تریاق ذرب** (دربای) در دفع ذرب و سنطا
معدی و اسهال دموی را سودمند است **صفت آن** مروارید
ناسفته مرجان کهربا عقیق سنگ یشب برادهٔ عاج طباشیر
طرشیث کشنیز خشک بو داده صندل سفید بورهٔ کرمانی مدبر
پوست کندر پوست سنجد حب الآس کزمازج پوست بیرون پسته
دانه مویز از هریک سه درهم ورق نقره پنجدرم تخم خرفه بو داده
خشخاش سفید مدبر عود خام بزرالبنج از هریک دو درم امله
منقی انار دانه سماق زرشک از هریک سه درم رب انار شیرین
رب مورد رب به رب سیب از هریک مقدار یکه ادویه را بدان
برشند شربتی دو درهم باشد **تریاق بقراطی** دل را قوت دهد و
باه را زیاده کند و دافع ضرر سموم بود و در منفعت بمعاجین
کبار مساوی باشد **صفت آن** پوست ترنج جنطیانا حب البلسان
مرمکی بادرنجبویه تخم فرنجمشک زرنباد درونج از هریک
مثقال مشک خالص عنبر اشهب از هریک یکمثقال کافور ریاحی
نیم مثقال عود بوزجیر شلغم تخم کندنا لسان العصافیر حب الفلفل
از هریک دو درم قسط دارچینی وج زعفران افیون افتیمون
از هریک سه درم فو ماسالیوس از هریک دو درم و نیم ادویه را

تریاق بقراطی

کوفته و بیخته

تریاق دیگر

کوفته و بیخته چنانچه رسم است باسه برابر ادویه عسل برشند
شربتی یک مثقال است **تریاق دیگر** در دفع ضرر سموم کار
کار تریاق کبیر میکند **صفت آن** انیسون ده درم فلفل سه درم
زراوند مدحرج جندبیدستر از هریک پنجدرم شونیز اسپند دانه
از هریک یکدرم حلتیت دو درم حب الغار دانه ترنج مقشر از هریک
پنجدرم جنطیانا ناسداب خشک دو درم ادویه را کوفته و بیخته
باسه چندان عسل ادویه را برشند شربتی یکمثقال **تریاق
الاسنان** درد دندان که از برودت بوده و ریختن نزلاتی که در حلق
و سینه باشد نافع است (بود) و اگر بدندان که درد داشته نهدی
برو بگذارند در لحظه درد ساکن گردد **صفت آن** جندبید
ستر حلتیت فلفل زنجبیل میعه سایله افیون از هریک مساوی
چنانچه رسم است با عسل برشند **باب سیم در مفرحات مفرح
شیخ ابو علی** بجهة تفریح قلب و تقویت قلب وصعله و حیحی و مقوی **صفت آن**

عنبر و عود و کلاه و خشخاش — مصطکی زعفران و سعد بیاد
دیگر از رازیانه و کشنیز — خورد دنا که هیچیک مگذار
جز و اعظم بقدر جمله بسنج — انچه خوانندش اهل دل ابرار
پس بیامیز جمله را بعسل — هرزنی کاه کا صوفی وار

تریاق الاسنان

مفرحات ذبله
۱۱ نسخه

این نصیحت ز بو علی بشنو ، تا شوی از حیات برخوردار

مفرح جواهری

مفرح جواهری خفقان و وسواس و فکر و توحش را سود مند
بود جگر و دل و دماغ را قوت دهد و فرح و نشاط تمام بخشد
و لون صاف کند و بوی دهان خوش کند و طعام بگوارد و معده را
قوت دهد و طعام را نوم داده و قوت باه دهد و نعوظ تمام آورد
و حفظ زیاد کند و جوانی را نگاهدارد و پیرانرا بغایت قوی
کند و بواسیر را سود دهد بمجملا خاصیت این ترکیب بسیار است
صفت آن مروارید ناسفته یاقوت رمانی یاقوت زرد فیروزه
زمرد از هریک دو مثقال لعل عقیق کهربا بسد حجر یشب از هریک سه
مثقال لاجورد مغسول یکدرم درونج چینی صندل سفید نیلوفر عنبر
اشهب زردک بری بهمن سرخ طین مختوم عود قماری سلیخه کشنیز
خشک زرشک بیدانه از هریک سه مثقال جندبیدستر طباشیر
زرنباد خولنجان عود صلیب سنبل الطیب جوز بوا زنجبیل دارچینی
قاقله کبار سعد کوفی اسطوخودوس آشنه نعناع خشک پودنه پوست
ترنج تخم خشک موز بخوش ابریشم مقرض بهمن سفید بسباسه حماما تفاح
اذخر لسان العصافیر و دق شبی قرنفل بسبایج ذراوند طویل ذراوند
مدحرج انیسون تخم کاسنی تخم کرفس افتیمون درونج عقرب مصطکی

نانخواه گل سرخ از هریک پنج مثقال فلفل سیاه فلفل سفید دار فلفل
املج مقشر پوست هلیله زرد کابلی هریک هفت مثقال زعفران ده
مثقال مشک خالص جدوار گاوزبان گل گاوزبان بادرنجبویه
تخم کلسوخ از هریک دو مثقال و رق طلا و رق نقره فاد زهر
حیوانی سازج هندی کافور قیصوری از هریک یکمثقال مومیائی
کانی یکمثقال نبات سفید بقدر نصف تمام اجزاء ادویه را
کوفته و بیخته باسه چندان عسل بقوام آورده و برد نموده
چنانچه دست ادویه را داخل نموده بسرشند شربتی دو مثقال است

مفرح دلکشا

مفرح دلکشای حکیم عزیز الله نشاط و تفریح آورد و وسواس و ضعف
دل و امراض سوداوی و خفقان و غشی بر طرف سازد و دیگر فواید
بسیار دارد **صفت آن** یاقوت رمانی لعل بدخشانی مروارید
ناسفته کهربا سنگ یشب فادزهر حیوانی فیروزه لاجورد از
هریک دو درم و رق طلا و رق نقره هریک یکدرم مشک
یکدرم عنبر اشهب صندل سفید عود قماری قرنفل قاقله کبار
دارچینی جدوار خطائی قاقله صغار ورق ترنج سازج هندی
شقاقل آشنه بادرنجبویه تخم مورد فرنجمشک کشنیز غاریقون
عود الصلیب اسطوخودوس جلشا برگ ریحان مومیائی کبابه

چینی حب بلسان آمله منقی پوست هلیله کابلی سعد کوفی سنبل الطیب
ناردین ابریشم مقرض هریک دو درم زعفران پنجدرم واسن حب
صنوبر کبار خصیه الثعلب درونج عقربی پوست ترنج بهمنین
کاوزبان مغز نارجیل مغز پسته از هریک سه درم آب سیب
شیرین آب انار شیرین آب به آب امرود از هریک رطلی نبات بولر
همه اجزاء ادویه را نرم کوفته و پخته عسل بودن تمام ادویه
اب فواکه را با نبات بقوام آورند و سرد نموده ادویه را داخل
نمایند و خوب بوهم برشند و در ظرف طلاء یا نقره یا چینی کرده
سر ظرف را محکم نموده و مدت چهل روز در میان جو بگذارند
شربتی دو درهم است مفرح لؤلؤئی خفقان و وسواس را
سودمند است و دل را قوت دهد و نشاط آورد و خواص این
ترکیب بسیار است هزار است که باختصار کوشیم صفت آن
مروارید بکوهشت درم یاقوت رمانی بیدا از هریک چهار درم
زر محلول نقره محلول هریک یک درم لاجورد بدخشی مغسول
یکدرم و نیم لعل بدخشانی عقیق جزیشب از هریک سه درم
کشنیز خشک تخم کلسوج طین مختوم عود هندی کاوزبان پوست
ترنج هریک دو درم افتیمون شش درم ساذج هندی زرنباد

مفرح لؤلؤئی

درونج عقربی تخم کاسنی ابریشم مقرض از هریک سه درم کافور
عنبر اشهب از هریک یکدرم و نیم مشک ترکی نیم درم گلاب نبات
از هریک یکمن آب سیب شیرین رب انار شیرین هریک بیست درم
اب به شیرین چهل درم ادویه را کوفته و جواهر را بر سنک سماق
خوب نرم سائیده مانند غبار شود و چنانچه رسم است در شیره
نبات و گلاب برشند و در ظرف چینی کرده در میان جو دفن
نمایند مقدار شربتی یکدرم تا دو درم مفرح یاقوتی شیخ
ابوعلی امراض سوداوی را بغایت نافعست و نشاط هرچه
تمام تر آورد و اعضای رئیسه را قوت دهد و دیگر خواص بسیار
دارد صفت آن یاقوت رمانی کاوزبان تخم کاسنی مشک خالص
کافور از هریک یکمثقال و نیم ابریشم مقرض سرطان نهری محرق
از هریک یکمثقال و دو دانک زر مکلس سه دانک تخم فرنجمشک
تخم بادروج اسطوخودوس هریک سه درم بهمن سفید عود خام
بجرا دمنی لاجورد مغسول سلیخه دارچینی هیل قاقله کبار
جدوار از هریک یکمثقال افیون نیم مثقال درونج عقربی زرنجبین
سنبل الطیب عنبر از هریک دو درم مغز تخم خیار دو دی کلسوج
هریک چهار مثقال صندل سفید گلاب شربت حماض شراب سیب

مفرح یاقوتی

شبوبن شراب انادين هريك سی مثقال عسل صافی بقدر حاجت
بطريق معمول لبرشند وبعد از چهل روز شربتی يكدرهم است

مفرح روحا

مفرح روحا اعضای رئیسه را قوت دهد ماليخوليای سوداوی
وفكر وغم ووسواس برطرف كند ونشاط تمام آورد صفت آن
مرواريد بكر مرجان كهربا فرنجمشك هريك يكمثقال صندلين طباشير
زرنباد بادرنجبويه قرنفل ساذج هندی عود قماری ابريشم
مقرض پوست ترنج هريك دو مثقال گاوزبان درونج عقرب لعل
ياقوت عقيق ورق طلاء ورق نقره عنبر اشهب مشك زعفران
كافور از هريك يكمثقال قند سفيد عسل بقدر حاجت بدستور
معجون سازند شربتی دو درم است

مفرح نشاط افزای

مفرح نشاط افزای خواص
بسيار دارد وخفقان وضعف قلب ووسواس را سودمند است
دماغ ومعده وجگر را قوت دهد ولون بشره را بغايت سرخ وصاف
كند وامراض سوداوی وقوت دل را بسيار سودمند است و
نشاط وفرح تمام آورد ونفعهای بسيار دارد صفت آن
ياقوت سرخ مرجان كهربا لاجورد بدخشی مغسول از هريك سه
مثقال ياقوت زرد عقيق يمنی مرواريد ناسفته از هريك چهار
مثقال لعل سرخ سه مثقال حجر اليشب گل نيلوفر ابريشم مقرض

قرنفل هريك

قرنفل هريك سه مثقال فرنجمشك نيم مثقال پوست بيرون پسته
بادرنجبويه عود قماری درونج رومی طين مختوم طباشير سفيد
از هركدام ده مثقال صندلين دارچينی از هريك سه مثقال گاوزبان
سنبل الطيب ساذج هندی بهمن سفيد قاقله كبار هريك دو مثقال
عصارهٔ زرشك يازده مثقال زعفران عنبر اشهب هريك دو مثقال
مشك خالص مثقالی كافور نيم مثقال ورق طلاء نيم مثقال ورق نقره
مثقالی آب سيب يكمن آب حماض نيم من عرق بيدمشك يكمن گلاب يكمن
عسل بقدر حاجت قندها را بانبات وعسل بقوام آورده وآب
حماض آهسته بخورد او داده بعد از قوام سرد كرده ادويه را داخل
نموده لبرشند شربتی يكمثقال باشد

مفرح صندل

مفرح صندل مناسب مدقوقين دل را قوت
دهد وخفقان را سود دارد طبع را بربندد واسهال ذربولی را
نافع باشد وخواب آورد صفت آن صندل سفيد با گلاب سوده
شش درم صندل سرخ سه درم تخم خرفه بوداده تخم كشنيز خشك
بوداده خشخاش سفيد بوداده از هريك پنج درم زرشك بيدانه
هفت مثقال طباشير سفيد ورق گل سرخ پوست پسته از هريك
چهار درم همچنين تخم كاسنی تخم كاهو از هريك سه درم درونج
رومی مصطكی از هريك مثقالی پوست ترنج سه مثقال

مفرح طرب المجالس

مرواريد ناسفته يكدرم ونيم بسد سوخته حجر يشب ياقوت طلا
محلول از هريك چهار درم ورق نقره عنبر اشهب از هريك يكمثقال
مشك سه دانك اب سيب اب به اب انار دين اب حماض عرق بيد
مشك از هريك بيست مثقال عرق گاوزبان پنجاه مثقال قند سفيد
نبات سفيد بقدر حاجت باعرقها بقوام آورند واهسته با
اتش نرم بجوشانند تا بقوام باز ايد انگاه ادويه را كوفته و
بيخته ببرشند ومقدار شربتي از يكدرم تا يكمثقال است مفرح
طرب المجالس بجهت تفريح ونشاط وخوشي وفتح خواطر وتطبع است
وضعف دل ودماغ را نافع است ومقوى باه واشتهاى صادق
آورد وهضم طعام نيكو كند صفت آن ياقوت رمانى لعل بدخشانى
مرواريد ناسفته حجر يشب از هر كدام دو درم لاجورد مغسول
زرد ماغا كهربا شمعى عقيق مرجان زبرجد از هر كدام يكمثقال
زنجبيل نار مشك درونج عقربي زرنباد سازج هندى پوست
هليله كابلى كشنيز خشك نيلوفر از هر كدام دو درم گاوزبان
بهمنين پوست ترنج عود قمارى از هريك چهار درم سعد كوفى
شقاقل مصطكى زرشك بيدانه از هريك سه درم سنبل الطيب
قرنفل قاقله كبار وصغار گل مختوم گل ارمنى بادرنجبويه از هريك

يكدرم تخم كا

مفرح بارد مدقوقين

مفرح مبهى مجرب

يكدرم تخم كاسنى تخم فرنجشك تخم بادرنجبويه از هريك دو درم
جدوار خطائى ورق نقره از هريك پنجدرم گلاب عرق بيد مشك
عرق گاوزبان از هر كدام صد درم نبات سفيد برابر تمام ادويه عسل
دو برابر ادويه بدستور معمول معجون سازند وبعد از چهل روز در
مقدار يكمثقال تناول كنند مفرح بارد مدقوقين خفقان وضعف
دل حار ومدقوق را بسيار مفيد است صفت آن طباشير سفيد بهمنين
درونج كشنيز خشك پوست پسته مرواريد ناسفته كهربا نيلوفر
گل گاوزبان بسد ابريشم مقرض هريك دو درم ياقوت دو مثقال
گاوزبان ده درم كافور دو دانك شيره امله پانزده درم زرشك
بيدانه پنجدرم صندل سه درم زعفران يكدرم ونيم زر محلول
دو دانك نقره سه دانك مشك دو دانك عنبر اشهب چهار دانك
آب سيب ترش آب حماض اب انار دين از هر كدام سى درم عرق بيد مشك
عرق گاوزبان هريك پنجاه مثقال قند سفيد دو من آبها وعرقها را
با قند بقوام آورند ادويه را كوفته وبيخته بدستور ببرشند
شربتي يكدرم مفرح مبهى مجرب خفقان وضعف كه از سردى بوده
باشد سودمند است جگر ومعده ودل ودماغ را قوت دهد وباه
برانگيزد وقضيب محكم سازد ونعوظ تمام آورد صفت آن زرنه

باد رنجبویه و دق گلسرخ گاوزبان از هریك پنجدرم خولنجان کبابه
چینی قرنفل جوزبوا قاقله بتن تخم فرنجمشك و دق ترنج پوست
بیرون پسته لسان العصافیر بسباسه از هریك سه درم سنبل الطیب
اشنه همچنین هریك چهاردرم سادج دو درم زنجبیل دارفلفل
هریك یکدرم سعد یکدرم و نیم مروارید ناسفته دو درم زر محلول
هریك پنجدرم خشخاش یکدرم ادویه را کوفته بپخته قند سفید بوزن
تمام ادویه عسل دو برابر چنانچه دست بسرشند شربتی از
یکدرم تا دو درم است باب چهارم در جوارشان بزرك کوچك جوارش
شهریاران معده و جگر سرد را قوت دهد و استسقا را تحلیل فرماید
وسود دهد و اسهال کهنه و تحلیل ریاح و رفع رطوبت غلیظه
نماید صفت آن شیطرج هندی زنجبیل فلفل دارفلفل قرنفه
قاقله صغار قرنفل نارمشك سانج هندی مصطکی قاقله کباد
دارچینی سنبل الطیب سلیخه نانخواه تخم کرفس رازیانه بسباسه
انیسون از هریك شش مثقال افتیمون تربد مجوف از هریك دوازده
مثقال سقمونیا ده مثقال شکر سفید بیست مثقال با عسل مصفی چنانچه
دست بسرشند جوارش بجهة خلفه و تخمه بعد از تقلیل غذا مداومت
نمایند صفت آن آب به شیرین بگیرند مرکه بقدری که چاشنی بهم رساند

جوارش شهریاران

جوارشهای زیله

وچهاردانه به را چهار دانه پاك کرده با هم انقدر بجوشانند که مهرا شود
صاف نموده با بیست مثقال عسل بقوام اورند بعد از اتش بر داشته
فلفل سیاه زنجبیل سیاه تخمه سنبل الطیب قرنفل قرفه دارچینی هیل
توابل مصطکی از هریك سه مثقال پوست ترنج کندر هریك هفت مثقال
کوفته معجون سازند شربتی پنج مثقال جوارش هندی بجهة قولنج و وجع
ظهر و مفاصل بلغمی و ریحی مفید است و مجرب صفت آن سقمونیا
ده مثقال قاقله کباد زنجبیل دارچینی قرفه نارمشك میخك فلفل اً
هریك پنج مثقال تربد مجوف سه مثقال شکر صد درم با عسل معجون
سازند شربتی از دو مثقال تا سه مثقال است جوارش عنبر
بجهت معده بادرد و ریح و قولنج و ضعف بدن مفید است صفت آن
پوست ترنج عود هندی کبابه چینی میخك قاقله جوزبوا از هریك
پنج مثقال نارمشك انیسون تخم کرفس جندبیدستر افیون برد البنج
هریك سه مثقال روغن بلسان دو مثقال برك بالنکو تخم فرنجمشك
زعفران هریك سه مثقال عنبر اشهب یك مثقال روغن بلسان و عنبر را
در عسل سه برابر ادویه حل کنند و بسرشند خوراك دو مثقال
جوارش نارمشك بجهة رطوبت معده و ضعف آن صفت آن
زنجبیل فلفل دارفلفل از هریك دو مثقال نارمشك سعد کندر

جوارش هندی

جوارش عنبر

جوارش نارمشك



سنبل الطیب هریک نیم‌مثقال کوفته و بیخته با دو برابر عسل بسرشند شربتی دو مثقال است **جوارش مبهی محمد ذکریا** صفرا و رطوبات از معده پاک کند و سوء مزاج حار معده را نافع است **صفت آن** بسفوننیا مشوی یکدانگ عود کل سرخ نیم درم کافور یکحبه طباشیر یکدانگ عصارهٔ افسنتین نیم درم املهٔ پرورده بوزن کل ادویه شربتی سه مثقال **جوارش طباشیر** بجهت تقویت معده و سوء مزاج حار **صفت آن** طباشیر ده مثقال کل سرخ سه مثقال سماق سه مثقال کلنار قاقله کبار هریک مثقالی مصطکی عود هریک نیم‌مثقال شکر بوزن کل ادویه شربتی دو مثقال است **جوارش عود** بجهت سوء مزاج بارد معده و تقویت آن **صفت آن** عود میخک قاقله سانج فرنجمشک دارفلفل هریک دو مثقال زعفران نیم‌مثقال با دو برابر عسل بسرشند شربتی دو مثقال است **جوارش جالینوس** بجهت سوء مزاج بارد معده و تقویت اعضا و خوش کردن بوی دهان و شکستن بادها و بسیاری بول که از برودت بوده باشد و باه را قوت دهد و صداع و سعال بلغمی و بواسیر و نقرس و قوبا و بهق و حصاة کلیه و مثانه بریزاند و موی را سپید نگرداند و هر خوردکی دو مثقال است **صفت آن** سنبل الطیب قاقله سلیخه دارچینی خولنجان سعد کوفی زنجبیل فلفل سیاه دارفلفل قط

بجری عود بلسان قرنفل اسارون تخم مورد قصب الذریره زعفران هریک دو درم مصطکی نیم درم سانج هندی تخم کرفس انیسون عاقرقرحا از هریک مساوی کوفته و بیخته با قند سفید بوزن ادویه و عسل بوزن قند بسرشند قبل از طعام و بعد از طعام میل نمایند

جوارش عود ترش	عود ترشی که جوارش خوانند
کنم اجزاش بتو جمله بیان	قشر نارنج و ترنج و میخک
عود و بسباسه هیل است بدان	زعفران مصطکی و تخم کرفس
جوز بویا و سلیخه پس از آن	آب لیمو و عسل آب قوده
پس نبات آنچه بود شرح جان	جمله برکوب و به بیز و بسرش
همین وزن که بنوشته عیان	هر که خورد آکیش بود یک مثقال
خوردنش پیش و پس از اکل توان	**باب پنجم در اطریفلهای**
مشهوره و غیره	اطریفل بورد بجهت نیکو کردن

رنگ رخسار و بواسیر و باه را قوت دهد و ضعف معده را مفید باشد **صفت آن** پوست هلیله کابلی پوست هلیله سیاه امله مقشر فلفل دارفلفل از هریک سه مثقال زنجبیل بوزیدان بسباسه شیطرج شقاقل تودری بهمن لسان العصافیر مغز حب الفلفل کنجد مقشر خشخاش بهمن سرخ و سفید از هریک ده مثقال ادویه را

جوارش مبهی

جوارش طباشیر

جوارش عود

جوارش جالینوس

جوارش عود ترش نظم

اطریفلهای منتخب ۱۰ نسخه

اطریفل کشنیزی

اطریفل مقل

اطریفل دیدان مجبه کرم معده و شکم مجرب

اطریفل شاهتره

اطریفل افتیمون

کوفته با روغن بادام چرب نموده با سه چندان عسل برشند اطریفل
کشنیزی بجهت صداع وتاریکی چشم و بخارات معده صفت آن
پوست هلیله کابلی پوست هلیله پوست هلیله زرد امله هلیله سیا
کشنیز خشک مساوی برشند اطریفل مقل که بجهت بواسیر وجمیع
امراض و دیاح بسیار مفید است صفت آن پوست هلیله زرد امله
مقشر مقل از هریک بیست مثقال مقل را در آب حل نمایند ادویه را کوفته
با روغن بادام چرب نموده با سه چندان عسل برشند اطریفل مجبه
اقسام کرمهای معده وامعا مفید ونافع است برنک کابلی قشر حب النیل
از هریک ده مثقال تربد سفید غط تلخ قنبیل افستین رومی هریک
پنجمثقال ترمس درمنه ترکی افتیمون نمک نفطی خردل شحم حنظل
سعد هندی راسن خشک از هریک سه مثقال با دو چندان عسل
برشند اطریفل شاهتره بجهة امراض سوداوی مفید است صفت آن
پوست هلیلهٔ زرد پوست هلیله سیاه کابلی از هریک چهار مثقال
هلیلهٔ سیاه آمله سناء مکی از هریک ده مثقال شاهتره ریوند
چینی هریک سه مثقال کشمش برابر تمام ادویه روغن بادام چرب نموده
برشند با عسل چنانچه رسمست اطریفل افتیمون بجهة ماده سودا وی
بسیار نافع است صفت آن پوست هلیلهٔ کابلی پوست هلیله

اطریفل [illegible]

اطریفل غردی نسخهٔ بدل

اطریفل [illegible]

آمله از هریک ده مثقال سناء مکی تربد سفید افتیمون از هریک
پنجمثقال شیطرج هندی سه مثقال بسفایج انیسون نمک هندی
از هریک دو مثقال با سه چندان عسل برشند اطریفل که طبع را
نرم کند ومعده را از صفرا و بلغم پاک کند صفت آن هلیلهٔ زرد
هلیلهٔ کابلی آمله از هریک ده مثقال بیخ سوسن ابرسا سیاه
تربد دو مثقال زنجبیل شیطرج از هرکدام سه مثقال جوز بوا
کل قرفه دارچینی از هریک دو مثقال شاهتره ده مثقال کلسوخ
پنجمثقال عسل سه برابر ادویه برشند اطریفل غردی بجهت خناق
وخنازیر وامراض سوداوی مفید است صفت آن هلیلهٔ سیاه
بلیله آمله تربد از هرکدام هفت مثقال افتیمون بسفایج شیطرج
زدنباد غاریقون هریک سه مثقال غروی پنجمثقال کرد کردن
کوسفند وکاو وشتر میباشد کوبیده با سه چندان عسل برشند
اطریفل دیکر بجهة بهق وبرص وبیماریهای بلغمی را مفید است
صفت آن هلیلهٔ کابلی بیست مثقال هلیله آمله از هریک ده مثقال
برنک کابلی پانزده مثقال اسطوخودوس غاریقون از هریک
شش مثقال شیطرج سعد زنجبیل از هریک سه مثقال است
سادج بسفایج از هریک شش مثقال قسط سه مثقال کند رانیسون



مصطکی جوز بوا قرنفل خیربوا از هریک دو مثقال فلفل دار فلفل ناد
مشک از هریک چهار مثقال با عسل برشند اطریفل صغیر بجهة صداع
شمسی سوداوی و بلغمی بسیار مفید است صفت آن هلیلهٔ زرد
هلیلهٔ سیاه کابلی هلیلهٔ آمله از هریک شش مثقال با عسل دوغن
بادام چرب نموده برشند خوراکی نیم مثقال تا یک مثقال است
باب ششم در حبوب مسهله حب ایارج مستعمله در اغلب
ناخوشیهای بلغمی مفید است صفت آن صبر زرد پوست هلیلهٔ زرد
چهار مثقال کلسرخ هشت مثقال هلیلهٔ سیاه چهار مثقال مصطکی
انیسون از هریک دو مثقال افسنتین چهار مثقال خوراکی ازین حب
یکمثقال و نیم است در اخر شب فرو برند حب بو مکی بجهت امراض
وعمل اورام بلغمی و جذب مواد از هر عضوی مفید است صفت آن
صبر سقوطری دو مثقال شحم حنظل هفت مثقال زعفران سنبل الطیب
دارچینی حب بلسان و عود بلسان اسارون مصطکی افسنتین
رومی سقمونیا تربد مجوف از هریک یکمثقال سلیخه نیم مثقال اجزا را
کوبیده حب نمایند و در وقت حب نمودن دست را بروغن بادام
چرب نموده و در اخر شب میل نمایند خوراکی دو مثقال حب ایارج
بجهت جمیع امراض بسیار مفید است خوراکی سه مثقال صفت آن

اطریفل صغیر

حبوب منتخب ۱۰۹ النخه

حب ایارج

حب بو مکی

حب ایارج

صبر زرد پوست

٨٤

۱۰۷

صبر زرد پوست هلیلهٔ زرد از هرکدام ده مثقال با روغن بادام
چرب نمایند بقدر نخودی حب بجهة کرم معده و حب القرع و سایر
اقسام کرمهای معده بسیار مفید است و نافع است صفت آن
دارفلفل سفید برنک کابلی مقشر قنبیل نمک هندی تربد سفید
از هریک پنجمثقال شیح ارمنی ده مثقال ترمس قسط تلخ از هریک
هفت مثقال با آب مورد حب نمایند خوراکی دو مثقال حب
سعال بجهة سرفه که شب اید و مریض را بیقرار کند بسیار مجرب است
صفت آن میعه سایله کندر از هریک چهار مثقال رب السوس صمغ
عربی کثیرا از هرکدام دو مثقال افیون بسباسه نیم مثقال مغز جدا نه
مغز تخم کاهو مغز تخم کدو و خشخاش مغز بادام تلخ از هرکدام دو
مثقال برشند حب هلیله بجهة امراض معده و رطوبات آن و
فضول دماغی مفید است صفت آن هلیلهٔ سیاه پوست هلیلهٔ
زرد از هریک ده مثقال کلسرخ پنجمثقال با نبات حب نمایند
خوراکی دو مثقال حب سقمونیا صبر زرد پوست هلیلهٔ زرد از
هرکدام چهار مثقال سقمونیا کلسرخ از هریک یکمثقال چنانچه
رسم است کوفته و بیخته چنانکه باید بقدر نخودی حبها
سازند خوراکی یکمثقال حب جدوار که در اتشک داده میشود

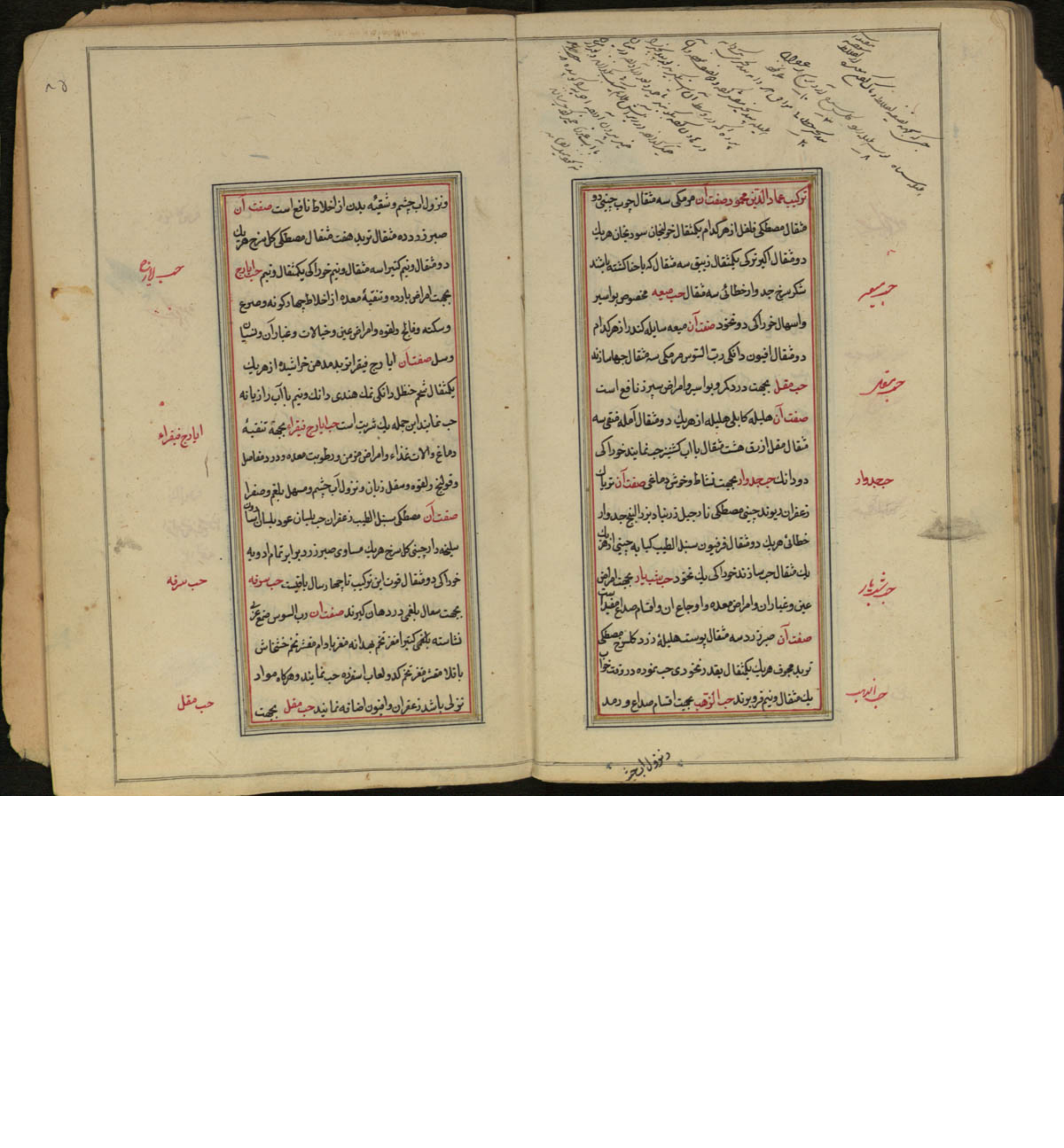
حب کرم معده

حب سرفه

حب هلیله

حب سقمونیا

حب جهة اتشک



ترکیب عماد الدین محمود صفت آن هرمکی سه مثقال چوب چینی دو
مثقال مصطکی فلفل از هر کدام یکمثقال خولنجان سورنجان هر یک
دو مثقال اکیر ترکی یکمثقال زیبق سه مثقال که با خاکشته باشد
شکر سرخ جدوار خطائی سه مثقال حب صبعه مخصوص بواسیر
واسهال خوراکی دو نخود صفت آن میعه سایله کندر از هر کدام
دو مثقال افیون دانکی رب السوس هرمکی سه مثقال حب سازند
حب مقل بجهت درد کمر و بواسیر و امراض سپرز نافع است
صفت آن هلیله کابلی هلیله از هر یک دو مثقال آمله مقشر سه
مثقال مقل ازرق هشت مثقال با اب کشنیز حب نمایند خوراکی
دو دانک حب جدوار بجهت نشاط و خوشی دماغی صفت آن تریاک
زعفران ریوند چینی مصطکی ناردجیل زرنباد برد البخ جدوار
خطائی هر یک دو مثقال فرفیون سنبل الطیب کبابه چینی از هر یک
یک مثقال حب سازند خوراکی یک نخود حب شبیار بجهت امراض
عین و غبار ان و امراض معده و اوجاع ان و اقسام صداع مفید است
صفت آن صبر زرد سه مثقال پوست هلیله زرد گل سرخ مصطکی
تربد مجوف هر یک یکمثقال بقدر نخودی حب نموده در وقت خواب
یک مثقال و نیم فرو برند حب الزهب بجهت اقسام صداع و رمد

و نزول آب چشم و شقیقه بدن از اخلاط نافع است صفت آن
صبر زرد ده مثقال تربد هفت مثقال مصطکی گل سرخ هر یک
دو مثقال و نیم کثیرا سه مثقال و نیم خوراکی یکمثقال و نیم حب ایارج
بجهت امراض بارده و تنقیهٔ معده از اخلاط چهارگونه و صرع
و سکته و فالج ولقوه و امراض عین و خیالات و غبار آن و نسیان
و سل صفت آن ایارج فیقرا تربد مدهن خراشیده از هر یک
یکمثقال شحم حنظل دانکی نمک هندی دانک و نیم با آب رازیانه
حب نمایند این جمله یک شربت است حب ایارج فیقراء بجهة تنقیهٔ
دماغ و الات غذاء و امراض مزمن و رطوبت معده و درد مفاصل
و قولنج ولقوه و ثقل زبان و نزول آب چشم و مسهل بلغم و صفرا
صفت آن مصطکی سنبل الطیب زعفران حب بلسان عود بلسان اسارون
سلیخه دارچینی گل سرخ هر یک مساوی صبر زرد برابر تمام ادویه
خوراکی دو مثقال قوت این ترکیب تا چهار سال باقیست حب سرفه
بجهت سعال بلغمی در دهان گیرند صفت آن رب السوس صمغ عربی
نشاسته بلغمی کثیرا مغز تخم بهدانه مغز بادام مقشر تخم خشخاش
با قلا مقشر مغز تخم کدو لعاب اسفرزه حب نمایند و هرگاه مواد
نزلی باشد زعفران و افیون اضافه نمایند حب مقل بجهت

قطع خون بواسیر صفت آن ودع سوخته هلیله آمله مقل
ازرق مساوی مرجان سوخته کهربای سوخته نصف آن قدر
شربتی یکمثقال ونیم اما باید باآب تره حل نمایند وحب نمایند
مدور حب الهیدانی بجهت اقسام کرمهای معده وامعا وحب القرع
صفت آن داروکله برنك کابلی نلفل سنبل نمك هندی ترمس
شبح ادمنی ترید مجوف مکو مکی هلیله زرد مساوی باآب مورد تا
حبها سازند و دو مثقال انوا باآب برك شفتالو یکبیاله بدهند
حب نشاط بجهت گرم کردن بدن وفرح وتوله مفید است صفت آن
بوزالنج تخم کاهو مقشر جوز ماثل افیون هریك پنج مثقال تخم خشخاش
سه مثقال زعفران یك مثقال کوکنار صمغ عربی پنج لفاح هریك
سه مثقال باب ششم در اقسام اقراص وسنون قرص طباشیر بجهت
تبهای گرم ودرد معده وبرقان وتشنگی وحرارت کبد بسیار
مفید است خوراکی دو مثقال با سکنجبین باید داد صفت آن
زرشك دانه بیرون کرده طباشیر هندی گل سرخ از هریك
هفت مثقال تخم خشخاش تخم خرفه تخم کاسنی کثیرا از هریك سه
مثقال مغز تخم خیارین مغز تخم کدو پنجمثقال صندل سفید دو
مثقال رب السوس کافور هریك دو مثقال بالعاب اسفرزه قرصها

حب کرم معده

حب نشاط

اقراص وسنون ١٣ النسخه

قرص طباشیر

سازند خوراکی دو مثقال است قرص کافور طباشیر ترکیب شیخ
علی سیناء بجهت حمای دق محرقه وقی الدم واسهال خون
مفید است صفت آن تخم کاسنی تخم کاهو مقشر تخم خرفه تخم کدوی
مغز نموده تخم خیارین صندل سفید تخم خشخاش از هریك مثقالی
گل سرخ هشت مثقال طباشیر هندی لعاب اسفرزه قرص طباشیر
بجهت اسهال صفراوی وعطش وتبهای گرم بسیار مفید است
صفت آن طباشیر هندی گل سرخ سماق هریك پنجمثقال تخم حماض
تخم خرفه هریك سه مثقال زرشك شاه بلوط هریك دو مثقال
گلنار غاد مسی پنجمثقال صمغ عربی گل ارمنی هریك سه مثقال باآب
به ترش قرص نمایند قرص لك بجهة سدة جگر واستسقاء و
کوادیدن غذاء وادرار حیض بسیار مفید است صفت آن
لك مغسول ریوند چینی مصطکی زراوند طویل هریك سه مثقال
سنبل الطیب تخم کرفس هریك دو مثقال نانخواه اذخر هریك
یك مثقال ابهل مغز بادام تلخ قسط شیرین روبناس هریك دو مثقال
اسارون عصاره غافت جنطیانا هریك یك مثقال انیسون تخم
کشوث هریك دو مثقال بقدر یکمثقال قرصها سازند قرص ریوند
بجهت اماس سپرز وجگر وزخمهائی که برتن مردم اید مفید است

قرص کافور

قرص طباشیر

قرص لك

قرص ریوند

صفت آن ديوند چينى هشت مثقال فوه لك مغسول از هر يك چهار
مثقال تخم كرفس انيسون هر يك سه مثقال باده مثقال ترنجبين
برشند قرص افسنتين كه بجهة تبهاى كهنه وسده جكر بكشايد و مدر
بول باشد و شهوة طعام آورد صفت آن افسنتين رومى انيسون
تخم كرفس اسارون مغز بادام تلخ از هر يك پنج مثقال اجزاء مساوى
قرص سازند قرص كاكنج بجهة قرحه كليه و حرقت البول و غلط البول
مفيد صفت آن كل سرخ طباشير تخم خرفه بسباسه صمغ كتيرا
كل ارمنى كل قبرستى هر يك دو مثقال مغز تخم خيارين هر يك سه
مثقال كهربا يك مثقال و نيم ديوند چينى يك درم و نيم ببلد مرواريد
دو مثقال كاكنج سى عدد كوفته بالعاب اسفرزه سرشته قرص سازند
شربتى يك مثقال قرص زرشك بجهة ورم جكر و معده و غب غير خالص
مفيد است صفت آن زرشك بيدانه رب السوس كل سرخ مغز
تخم خيارين مغز تخم خربوزه هر يك سه مثقال مصطكى سنبل الطيب
عصارة غافث هر يك دو مثقال ريباس ديوند چينى زعفران
هر يك دو مثقال تخم كشوث تخم كاسنى هر يك سه مثقال طباشير
يك مثقال و نيم ترنجبين شش مثقال قرصها سازند شربتى دو مثقال
قرص كل بجهة زيادتى صفراء در غب غير خالص بكار آرند

قرص

قرص كاكنج

قرص زرشك

قرص كل

صفت آن كل

صفت آن كل سرخ ده مثقال سنبل الطيب سه مثقال اصل السوس
پنج مثقال تخم كاسنى تخم خيارين چهار مثقال قرص سازند شربتى
يك مثقال قرص بنفشه بجهت غب غير خالص در زمانى كه با تب
سرفه بوده باشد صفت آن بنفشه كل سرخ مغز بادام صمغ عربى
مغز تخم كدو تخم خيارين هر يك پنج مثقال كل ارمنى رب السوس
نشاسته هر يك سه مثقال سنبل الطيب مصطكى هر يك دو مثقال
شربتى يك مثقال قرص خشخاش بجهة تب دق در زمانيكه طبع
نرم باشد بايد داده شود صفت آن صمغ عربى تخم خشخاش
مغز تخم كدو تخم خرفه تخم خيارين مغز تخم بهدانه هر يك شش
مثقال صمغ عربى طباشير طين قبرسى تخم خماص هر يك سه مثقال
نشاسته دو مثقال كل سرخ پنج مثقال كافور يك مثقال همه را بودا دهم
كوفته و بيخته قرص نمايند شربتى دو مثقال قرص كهربا بجهة
نفث الدم و كشوده شدن رگها و قرحه امعاء و معده مفيد است
صفت آن كندر دخون سياوشان كلنار هر يك سه مثقال
كهربا پنج مثقال شاه دنج كل مختوم هر يك ده مثقال زاج افيون
هر يك دو مثقال صمغ عربى دارچينى هر يك دو مثقال طباشير شاخ
كوزن سوخته هر يك چهار مثقال شربتى دو مثقال سنون بجهت كوشت

از هر يك ٣

قرص بنفشه

قرص خشخاش

قرص كهربا

سنون بجهت كوشت دندان

اوردن دندان ومحکم کردن دندان وبند آوردن خون صفت آن
طباشیر هندی فوفل کلنار رفا دسی بنج مرجان مروارید از هریك دو مثقال
شاه دنج ودع سوخته پوست بادام سوخته پوست انار از هریك یك
مثقال صدف دو مثقال باد درخت کز یك مثقال پوست هلیلهٔ زرد
دو مثقال سنون بجهة محکم کردن لثه وجلای دندان وبا بیدن
گوشت دندان وبوی دهان خوش کرداند صفت آن شاخ بز کوهی
سوخته ملح اندرانی سوخته هلیلهٔ زرد کل سرخ از هریك جزو کلنار
حوف جبی نصف جزو سعد سنبل کزمازج کف دریا مورد شب یمانی
محرق درسرکه ریخته صندل سرخ کبابه فوفل زراوند مدحرج کرسنه
خون سیاوشان کندر پوست ترنج منجك طین ارمنی ساذج هندی عود
قماری از هریك جزو عاقرقرحا دارچینی آشنه از هریك سه جزو سماق
بوداده پنج جزو کوفته وبیخته سنون نمایند باب هشتم در سفوفها
وشیافها ومرهمها چشم سفوف طباشیر بجهت زیادتی خون
واسهال صفراوی وحرارت کبد مفید است صفت آن طباشیر بیست
مثقال کل سرخ خشك ده مثقال سماق تخم حماض عدس زرشك بید انه
فعز تخم خرفه تخم کاهو کوکنار هریك پنج مثقال صندل سفید کافور هر
یك دو مثقال هر یوم یکمثقال ونیم با سکنجبین بنوشند سفوف الطین

سنون گوشت آوردن دندان مفید

سنون محکم نمودن

[illegible]

اقسام مرهمها شیافات چشم زبده ۱۰ نسخه

سفوف طباشیر

سفوف طین

بجهة اسهال مفید است صفت آن کل سرخ طباشیر تخم حماض سماق
زرشك کل مختوم هریك پنجمثقال پوست خشخاش صمغ عربی کلنار هر
یك دو مثقال ونیم شربتی یکمثقال ونیم با رب به دهند سفوف جند
بیدستر که مفلوج را بسیار نافع است صفت آن جند بیدستر
یکمثقال فطر دیان یك مثقال عاقرقرحا نیم مثقال ورد ماناد و مثقال
با اب سداب بدهند سفوف کاوزبان بجهت ضعف قلب بسیار مفید است
صفت آن مروارید کهربا ابریشم کاوزبان شب یمانی کل مختوم از هریك
یکمثقال ونیم شکر سفید هفت مثقال شربتی دو مثقال با اب سیب
بدهند سفوف کندر بجهة سلس البول وقوت کمر بسیار مفید است
صفت آن کندر بلوط حب المحلب سیاه تخمه هریك دو مثقال سعد
خولنجان کندر فرفوج هریك یك مثقال تخم کشنیز تخم خرفه کلنار
مازو هریك سه مثقال شربتی دو مثقال سفوف سبج بجهة اقسام
اسهال وقروح امعا ومعده مفید است صفت آن صمغ عربی کل
سرخ بادرنك اسفرزه تخم خرفه تخم مرو تخم خشخاش تخم کشنیز از
هریك هفت مثقال نشاسته بلوط چهار مثقال تخم مورد نانخواه
کلنار کرد سماق طباشیر کل ارمنی هریك شش مثقال مصطکی
مازو کندر هریك دو مثقال کهربا پنجمثقال کافور یك مثقال

سفوف جند بیدستر

سفوف کاوزبان

سفوف کندر

سفوف سبج

سفوف حب الرمان

سفوف برزد

سفوف سرطان

سفوف فواق

سفوف کندر

بنور دا با نشاسته و صمغ عربی بوداده کوفته ممزوج نمایند شربتی
یک مثقال سفوف حب الرمان بجهت اقسام اسهال و ضعف کبد و معده
و امعاء و مقوی انها و مسکن عطش صفت آن هسته انار دبن هشت
مثقال تخم مورد هشت مثقال بلوط سماق بوداده در سرکه پرورده
اردسنجد کشنیز خشک بوداده خرنوب نشاسته از هریک چهار
مثقال عود و امک سک از هریک چهار مثقال بکوبند لدوم شربتی
تا پنج مثقال سفوف برزد بجهة نفخ و ریحی که در معده و امعاء حادث
شود صفت آن زیره سبز انیسون زیره کرمانی هل قرنفه سیاه
تخم تخم کرفس هریک دو مثقال مینک نیم مثقال زنجبیل دارفلفل
از هریک یک دانک شکر سفید بیست مثقال خوراکی دو مثقال
سفوف سرطان بجهة سلول و حرقت ریه مفید است صفت آن
سرطان نهری بوداده ده مثقال طین قبرسی صمغ عربی خشخاش
سفید و سیاه مغز تخم خربوزه کرمک هریک پنجمثقال بکوبند خوراکی
یک مثقال و نیم سفوف فواق بجهة دفع خلط موذی که در معده
بهم رسد و موجب فواق شود سودمند است صفت آن تخم
کرفس جبلی سعد هندی زیره کرمانی هریک مساوی سفوف
کندر بجهت سرعت انزال و ودی و مذی و بول فراش مفید است

صفت آن اصل السوس

جواهر مهره

شاف ورد

داروئی

صفت آن اصل السوس دو مثقال کلنار فارسی چهار مثقال
تخم کاهو مقشر سه مثقال کلسرخ برک مورد صلابلوط کندر
زیره سبز سعد سنبل از هریک پنجمثقال با مساوی ادویه شکر
سرخ جمع نمایند شربتی دو مثقال و نیم است جواهر مهره که بکحل
الجواهر است مروارید ناسفته یاقوت رمانی لعل عقیق فیروزه
زمرد زبرجد لیتب سبز مهره سنک کوپائی لاجورد بدخشی
دهنه فرنک ذهبی مرقشیثای ذهبی اقلیمیای ذهبی شاه دنج
عدسی از هریک دو مثقال همه احجار را نرم کوبیده که مانند غبار
شود و بعد مخلوط کرده بر روی سنگ سماق باز خوب سائیده
تا شئ واحد شود و با میل بکشند شاف ورد کل سرخ تازه دو
مثقال زعفران یک مثقال توبال سنبل الطیب ربع سدس مثقال
صمغ عربی یک مثقال با سفیلة تخم سپان نمایند نسخه داروئی
بجهة نزول آب چشم و انتشار و ضعف بصر و سلاق و غشاوه
صفت آن توتیای هندی توبال مس سوخته مروارید بسد سائج
هندی اقلیمیای طلا صبر سقوطری سرطان نهری سوخته زعفران
سنبل الطیب از هریک ۲ دو مثقال شاه دنج شش مثقال فلفل
نوشادر مشک از هریک مثقالی کافور نیم دانک سائیده تا

مانند غبار شود داروئی که بجهة جرب وسبل وصفره ودمعه
وخارش چشم مفید است صفت آن اقلیمیا وطلا ونقره کف دریا
از هر کدام یازده مثقال نمک اندرانی سانج هندی سفیداب
قلع فلفل دارفلفل جندبیدستر سنبل الطیب مرمهٔ سنک
از هر یک دو مثقال مخک یک مثقال صبر سقوطری پنجمثقال آشنه
نمک هندی از هر کدام یک مثقال مامیران نوشادر چوبه از
هر یک سه مثقال هلیله زرد چهار مثقال نمک طعام دو مثقال
عصارهٔ مامیسا پنجمثقال داروی زعفران بجهت تاری چشم وخارش
وآب ریختن بسیار مفید است صفت آن زعفران سنبل
دارفلفل از هر یک یک مثقال فلفل نوشادر ماذو کافور از
هر یک نیم دانک داروئی که بجهة غباری که در نهایت غلظت
روی طبقهٔ ملتحمه را کرفته باشد ترکیب مؤلف صفت آن
مرمکی زعفران کندر زبد البحر از هر یک یک مثقال زرنیخ
سرخ نیم مثقال صمغ عربی کتیرا خون سیاوشان از هر کدام یک
مثقال افیون نیم مثقال سفیداب قلع توتیای هندی دهنهٔ
فرنک پوست هلیلهٔ زرد مامیران چینی شیاف مامیسا زنجبیل
پوست تخم مرغ از هر یک یک مثقال زنجار یک دانک بوره

دارو ...

دارو زعفران

دارو غبار

ادمنی نیمثقال سرطان سوخته صدف سوخته مروارید بسد
طوبال مس قلقطار محرق از هر کدام یک مثقال دو سیچیج اقلیمیای
نقره نمک هندی نوشادر نیم مثقال مرمهٔ سنک کوپائی دو مثقال
مشک ترکی یک مثقال با آب باران شاف سازند شاف بربوماء
بجهة چشم درد صفت آن اقلیمیای طلا روی سوخته شیاف
مامیسا از هر یک سه مثقال اقاقیا افیون مرمهٔ سنک هر یک
یکمثقال ذرور ابیض بجهة اول رمد نافع است صفت آن
انزروت پنجمثقال نشاسته دو مثقال نبات صمغ مثقالی بسایند
وبکشند سرمه بجهة دمعه کرفی کردن چشم وبرهم چسبیدن است
صفت آن هلیله زرد صبر زرد بسد هر یک یک مثقال دار
فلفل نیم مثقال زعفران دو دانک کحل سازند شاف سماق
بجهة حرفت چشم وحرارت وخارش ودمعه وسبل وچسبیدن
چشم صفت آن سماق ترش یک چهاریک در آب خوب پخته صاف
نمایند سفیداب قلع کافور هر یک نیمثقال کتیراء چهار مثقال
شیاف سازند سرمهٔ شب کوری فلفل فتیل مساوی کوفته در چشم
بکشند سرمهٔ عشا بجهت شب کوری صفت آن دارفلفل طباشیر
بر روی جکر بزی که بر روی آتش انداخته باشند بپاشند

[illegible]

شیاف بربوماء

شاف ابیض

سرمه دمعه

شیاف سماق

سرمه عشا

وکف انوا باصیل د دچشم بکشند باآب بادیان سبز ذرور سلاق توتیا [ذرور سلاق]
قلم ده مثقال هلیلهٔ زرد دو مثقال ونیم حضض دو مثقال زنجبیل
یک مثقال کشنیز مثقالی بسایند و در چشم بکشند شیاف ابیض [شیاف ابیض]
بجهة رمد حار و قرحهٔ چشم صفت آن سفیداب قلع ده مثقال
انزروت سه مثقال نشاسته یک مثقال توتیا یک نیم مثقال با سفیدهٔ
تخم مرغ و شیر دختر شیاف سازند شیاف احمر بجهت اخر رمد و [شیاف احمر]
درشتی پلک چشم و غبار پردهٔ ملتحمه و سوزش چشم است صفت
آن شاه دیج مروارید کهربا سنج از هریک دو مثقال مس سوخته
چهار مثقال لبد صمغ عربی کندر کتیرا هریک سه مثقال خون
سیاوشان نیم مثقال زعفران یک درهم توم سائیده شیاف سازند
شیاف غرب صبر کندر انزروت کلنار زراج خون سیاوشان [شیاف غرب]
هریک یک مثقال زنجار ربع مثقال با آب خمیر کرده شیاف
سازند باب نهم در شربتها و ربوب ولعوقها شربت عناب [در شربتها و ربوبها ولعوقها و گلقند ٢٠ نسخه] [شربت عناب]
مزاج آن سرد و تر بجهت غلیان خون و سرفه و آبله و حصبه و
امراض سینه و تلین طبیعت مفید است صفت آن عناب تازه
خوب سی مثقال با یک من آب بجوشانند تا نصف شود پس صاف
نموده با یک من تبرزد شکر بقوام آورند شربتی ده مثقال است

شربت نیلوفر سرد و تر

شربت نیلوفر سرد و تر بجهة سرفه و درد سر گرم و ذات الجنب [شربت نیلوفر]
و ذات الریه و تبهای گرم صفراوی و تسکین عطش و تقویت قلب
و برسام نافع است صفت آن گل نیلوفر یازده مثقال بجوشانند
در یک من آب تا نصف شود بعد یک من شکر داخل نموده بقوام آورند
شربتی ده مثقال شربت بنفشه معتدل مرطب مزاج ملین طبع نافع [شربت بنفشه]
اسهال و ذات الجنب و ذات الریه و حرقة البول و درد کلیه
و مثانه صفت آن بنفشه تازه پاک کرده چهل مثقال و خشک
ده مثقال بجوشانند در یک من آب تا نصف شود بعد صاف نموده
یک من شکر داخل نموده بجوشانند تا بقوام آید شربتی ده مثقال
شربت دینار بجهة ذات الجنب و درد معده باد و نفخ و سوء القنیه [شربت دینار]
و استسقاء نافع است و ملین صفت آن پوست ریشه رازیانه
ریشهٔ کرفس ریشهٔ کاسنی از هریک چهار مثقال و نیم تخم کشوث
در پارچه کتان بسته ده مثقال انیسون تخم کرفس از هریک
هفت مثقال تخم کاسنی کوفته هیجده مثقال گل سرخ خشک چهارده (?)
مثقال در چهار من طبی آب ریخته یک روز یک شب بگذارند بعد
بجوشانند تا ثلث شود پس دو من شکر داخل نموده بجوشانند
تا بقوام آید بعد سی مثقال ربوند لباد خوب نرم بخته داخل

شربت بزوری حار

نمایند قدر شربت آن ده مثقال تا پانزده مثقال است شربت بزوری
جهت استسقاء و درد کبد و نفخ امعا و برودت کبد و تحلیل
ریاح غلیظه و جمیع امراض بارده مفید است صفت آن پوست ریشه
کاسنی پوست ریشهٔ رازیانه تخم کاسنی هر یك بیست مثقال تخم کرفس
انیسون بیست مثقال کل سرخ ریشهٔ کرفس ده مثقال تخم کشوث
در کتان بسته پنج مثقال در چهار من تبریز آب بخیسانند یکروز
یك شب بعد بجوشانند و صاف کنند و با دو من شکر بقوام آورند
و هرگاه خواهند ترش شود سکنجبین داخل نمایند شربتی هفت مثقال

شربت بزوری بارد

شربت بزوری بارد مدر بول و مسکن حرارت صفراء و نافع جمیع حمیات
حاره است صفت آن تخم خیار تخم خیار چنبر تخم خربوزه کرمك تخم
کاسنی ریشهٔ کاسنی پوست ریشهٔ رازیانه تخم کشوث پوست
ریشهٔ کرفس تخم کرفس رازیانه از هر یك پنج مثقال همه را نیم کوب
کرده در چهل مثقال عرق کاسنی یکشب خیسانیده بعد جوشانیده
صاف نموده با یك صد مثقال قند سفید و چهل مثقال ترنجبین
سفید با شکر بقوام آورند و سرکه بقدری که ترش شود داخل
نمایند شربتی پنج مثقال شربت ورد مکرر مزاج بارد بجهة حمیات

شربت ورد مکرر

صفراوی و عطش و مسهل بلغم و صفراء صفت آن برك کل سرخ

بکنی که بکهند

یك من که یك صد و هشتاد مثقال بوده باشد بریزند در ده برابر
آن آب و خوب بجوشانند بعد ثفل انزا بر آورده صد و هشتاد
مثقال دیگر در او داخل نموده باز بجوشانند تا شش هفت دفعه
بر همان مقدار کل اضافه نمایند بعد از جوش تا قوت کل داخل
آب شود بعد با یك من شکر بقوام آورند بقدر شربتی از آن تا
بیست مثقال بحسب قوت باده مثقال سکنجبین ساده با آب
سرد بنوشند و هر چند آب سرد خورند مجلس نعل شود شربت

شربت کاوزبان

کاوزبان بجهت تقویت قلب و امراض سوداوی و رقه و امراض
سدد و قلب نافع است صفت آن برك کاوزبان چهل مثقال
در کلاب بخیسانند بعد جوشانیده و صاف نمایند با یك من
شکر سفید بقوام آورند شربتی ده مثقال شربت افسنتین بادهای

شربت افسنتین

غلیظ شکند و ادرار طمث نماید و قولنج و معدهٔ بارد و رطب را
مفید است صفت آن افسنتین پنجاه مثقال سلیخه بیست مثقال
تخم کرفس سی مثقال با یکمن تبریز آب بجوشانند تا نصف شود
صاف نموده شکر داخل نموده بقوام آورند شربتی هشت مثقال

شربت فواکه

شربت فواکه معده و قلب را قوت دهد و کبد و احشا را مفید
باشد و قی و اسهال باز دارد و زنان حامله را بسیار موافق

باشد وجمیع امراض وحمیات را سودمند است صفت آن آب به و
سیب وکلابی وانادین وکوج وزرشک وسماق از هریك مساوی ده
دیك سنك بجوشانند تا نصف بماند بعد با شکر بقوام آورند و
هرگاه خواهند آب لیمو وآب غوره هم میتوان داخل نمود خوراکی پنج
مثقال رب ریباس بارد ویابس وقابض ومقوی معده وهضم ومانع
قی شدید وحمیات حاده رب انار بارد وقابض ونافع حمیات حاده
وعطش واسهال شدید صفراوی رب زرشك نافع اسهال دموی
وصفراوی وکبدهای گرم ومسکن قی وعطش موافق مزاج گرم
رب توت نافع است گلو درد وخناق را مربای سیب بوی دهن
خوش کند وقلب ومعده را قوت دهد مربای به در تقویت قلب
اقواست از سیب مربای پوست پسته مقوی قلب در تقویت معده مجرب است
مربای بالنك بجهت نفخ ورياح معده وتقويت قلب ومعده مفيد است
مربای آلو بجهت حدت صفرا وخون وتليين طبيعت مربای زرشك
بجهة حميات حاده صفراوی وحرارت كبد وامراض مثانه وادرار
طمث وصداع صفراوی نافعست گلقند آفتابی بجهت اوجاع معده
ونفخ معده وتقویت آن وبلغمی مزاج را سودمند است گلقند عسلی
بجهة برودت مزاج وامراض سوداوی وبلغمی وفالج ولقوه ورعشه

واستسقاء وغیره نافع است لعوق زوفا بجهت نضج دادن وپخته
موادی که بسینه نزول کرده باشد ودفع کردن آن وپاك کردن
حجاب سینه از اخلاط ورطوبات ورياح غليظه وصاف كردن
آواز نافع است صفت آن انجیر زرد چهل دانه مویز منقی چهل
دانه زوفا حصری ده مثقال پرسیاوشان بزرکتان اصل السوس
حلبه از هریك ده مثقال رازیانه پنج مثقال جوشانیده صاف
کرده وصمغ عربی کثیرا نشاسته از هریك یك مثقال نبات پنج مثقال
داخل نموده بجوشانند تا بقوام آید خوراکی چهار مثقال تا شش
مثقال طرف صبح با انگشت بلیسند وبجهة نرم کردن سینه وسرفه
ریحی ورطوبتی بسیار مفید است انشاء الله لعوق انجیر بجهت
اقسام امراض سینه وسرفه مفید است صفت آن انجیر خشك پودنه
خشك مساوی پخته صاف نمایند وصمغ عربی ده یك ادویه
سائیده داخل کنند ولیسند لعوق انجیر تمام تر از اول صفت آن
انجیر زرد پانزده دانه مویز منقی بیست دانه بزرکتان حلبه
تخم کرفس رازیانه بنفشه پرسیاوشان زوفا یابس هریك پنج
درم جوشانیده صاف کنند وهر روز صبح چهار مثقال
بنوشند باب دهم در مطبوخها نقوعها حقنها ماء الاصول

ابن منتخبات
اء نسخه

شموقات مراهم اطليه ضمادات ذرودات عطوسات سعوطات
نفوخات قطورات غرغره لخلخه بجهت امراض سوداوی ومالیخولیا
سودمنداست صفت آن هليله كابلی هليلهٔ زرد وسياه بليلهٔ امله
كاوزبان برك بادرنجبويه اسطوخودوس بسفايج تربد مجوف
مويز بيدانه آلوی سياه وافتيمون دركتان بسته درجوش آخر
درديك انداذند وغاريقون سوده با كلقند آفتابی وصبر زرد
خربق سياه داخل كنند مطبوخ افتيمون تمام تر از اول صفت آن
هليله كابلی هليله سياه آمله هليله سناء مكی كل بنفشه كلسرخ
افتنتين رومی اسطوخودوس كمادريوس كافطوس لسان
الثور برك بادرنجبويه تخم فرنجمشك افيون رازيانه بسفايج
خربق سياه تربد افتيمون درپارچه كتان بسته درجوش آخر
درديك اندازند وغاريقون سوده با كلقند وصبر زرد وخربق
سياه داخل كنند مطبوخ افتيمون تمام تر از اول صفت آن هليله
كابلی هليله سياه امله هليله سناء مكی كل بنفشه كل سرخ
افتنتين رومی اسطوخودوس كمادريوس كافطوس لسان الثور
برك بادرنجبويه تخم فرنجمشك افيون رازيانه بسفايج خربق
سياه تربد افتيمون درپارچه كتان بسته درديك انداخته

مطبوخ

مطبوخ

بك دوجوش زده برداذند غاريقون صبر زرد ملح نفطی حجر لاجورد
شحم حنظل شكر خام واكر هفت مثقال پوست هليلهٔ زرد
نيم دانك سقمونيا داخل كرده شود خلط صفرا بيرون آورد
مطبوخ هليلهٔ زرد بجهة خارش بدن نافع است صفت آن هليلهٔ زرد
سناء مكی شاهتره خشك افتيمون كل سرخ بسفايج تخم كشنيز
ترنجبين مطبوخ فلوس بجهة پاك كردن معده از اخلاط سوخته
وتنقيهٔ بدن از مواد فاسده صفت آن هليله زرد تمر هندی
عناب اجاص مويز بيدانه كلسرخ كل بنفشه فلوس شير خشت
ترنجبين مطبوخ سورنجان بجهة درد مفاصل ودرد وركها را و
مفاصل عام را مفيد است صفت آن هليلهٔ زرد بسفايج شاهتره
سورنجان تخم كرفس تخم باديان كلسرخ تخم كاسنی ترنجبين
مطبوخ سورنجان نام بجهة مفاصل عام تمام تر از اول است صفت آن
هليلهٔ زرد بسفايج شاهتره سورنجان تخم كاسنی تخم كرفس رازيانه
كل سرخ مطبوخ سورنجان هليلهٔ زرد هليلهٔ كابلی شاهتره مويز منقی
تخم كرفس رازيانه انيسون مصطكی اسارون دفاس سورنجان
بوزيدان ماهی زهره ايارج فيقراء چهار دانك تربد غاريقون
دو دانك مطبوخ سورنجان تمام بجهت درد پشت وزانو وجميع مفاصل

مطبوخ هليله

فلوس

سورنجان

توبدم

مطبوخ سورنجان

مفیداست صفت آن دوبناس شیطرج بوزیدان سورنجان مویز منقی
حلبه ریشه کرفس ریشه رازیانه زنجبیل ریشه اذخرماهی زهرج
با روغن بید انجیر دو مثقال بنوشند مطبوخی که حیض فرود آورد
وملدر باشد صفت آن مشکطرامشیع بزنجاسف فراسیون عاقرقرحا
دناس جعده سداب مودنج تخم کرفس رازیانه لوبیای سرخ
وج ترکی اذخر عود بلسان قسط انیسون کادریوس اسارون
نانخواه باسه درهم روغن بید انجیر بنوشند نقوعهای
مسهل که دردهای صفراوی بکار دبوند ودافع صداع است
نقیع فواکه صفت آن هلیلهٔ زرد کوفته الوی سیاه عناب تمرهندی
وسپستان گل بنفشه تخم کشنیز تخم خشخاش ترنجبین شکرخام
مغز فلوس نقیع هلیله بجهة صداع حار صفت آن هلیله زرد
کوفته اب الوی سیاه در هاون سنگی بمالند تا هلیله قوت
خود را با آب الو دهد ترنجبین بعوض آب الو تمرهم میتواند
شد نقیع صبر دیگر که بادها بشکند واخلاط از تن پاک کند
صفت آن سعد سنبل افتیمون تخم کرفس رازیانه نانخواه زیره
کرمانی همه را دو دیگ چهار یک ونیم آب کرده تا بنصف باز آید
وهفت مثقال ونیم صبر در آن ریخته سه روز در آفتاب بگذارند

مطبوخی خون بسته شده حیض بگشاید

نقیع

نقیع

وشب در اطاق

وشب در اطاق روز سیم هفت مثقال از آن آب را با دو درهم
روغن بید انجیر بنوشند نقیع بزور بجهة ادرار حیض صفت آن تخم خربزه
تخم کرفس انیسون رازیانه مشکطرامشیع سنبل الطیب افتیمون
تخم اسفند ابهل همه را جوشانیده با روغن بادام میل نمایند
ماء الاصول بجهة فالج ولقوه وصرع وتمام بیماریهای بلغمی را
سود دارد صفت آن پوست ریشهٔ کرفس پوست ریشه اذخر
تخم کرفس انیسون رازیانه مصطکی سنبل الطیب حب بلسان اسارون
عود بلسان بوزیدان سلیخه حنظیا نا تخم اسفندان مویز دانه
بیرون کرده روغن بید انجیر داخل نموده میل نمایند
صفت ماء الاصول جهت سدهٔ جگر وسپرز وسوء مزاج بارد
واستسقاء وحمیات بلغمی را سودمند است صفتان
پوست ریشهٔ کرفس پوست ریشهٔ رازیانه مصطکی سنبل
الطیب بادآورد پوست ریشهٔ کبر کادریوس کافیطوس زوفا خشک
مویز دانه بیرون کرده افتیمون رومی گل سرخ روغن بادام
بنوشند ماء الاصول بجهت ادرار حیض مصروع که بخار ماده از رحم
بدماغ رسد صفت آن پوست ریشهٔ رازیانه تخم کرفس
انیسون رازیانه زراوند طویل ومدحرج قنطوریون فادانیا

نقوع

ماء الاصول

ماء الاصول

اسفندان مویز وانه بیرون کرده بایك مثقال روغن بادام
بنوشند ماء الاصول بجهت سنك مثانه وکرده صفت آن پوست
ریشه کرفس پوست ریشه بادیان بوسیا وشان حب القلت اسقولو
فندریون تخم خربوزه مویز دانه بیرون کرده انجیر خشك معجون
سنجر بنیادهند صفت ماء الاصول بجهت نقرس واوجاع مفاصل
صفت آن پوست ریشهٔ کبر پوست ریشهٔ کرفس ریشه واذیانه
پوست خنظل شیطرج نانخواه قنطوریون انیسون سورنجان
بوزیدان ماهی زهرج هر صبح بایکمثقال روغن بید انجیر بنوشند
حقنه نوم بجهة قولنج وکشودن طبع صفت آن انجیر زرد
سبوس کندم برك خطمی خشك برك چغندر ایرسا سیاه سپستان
شرخو بنفشه با بونه نیلوفر برك ترنج لعاب اسفرزه روغن
بنفشه روغن کنجد سفید بورهٔ نمك هندی نیم کرم حقنه
کند حقنه دیکر با بونه بنفشه خطمی سپستان انجیر عناب تخم کتان
روغن کنجد نمك هندی بوره شکر سرخ واکر خواهد اقوا باشد
شحم خنظل جند بید ستر اضافه نمایند حقنه دیکر بجهت درد
پشت وعرق النسا وقولنج وتمام اوجاع مفاصل مفید است
صفت آن بزرکتان حلبه شبت کافشه تخم سداب شحم خنظل

در حقنها

حقنه قولنج

حقنه دیگر

مقل ازرق

حقنه

مرهم

مراهم

ضماد

اطلیه

مقل ازرق سکبینج تخم اسفندان مغز بادام تلخ برك چغندر برك
کلم برك سداب بوره زهرهٔ کاو روغن زیت وکنجد حقنهٔ دیکر
بجهة پیچ وپیچیدن شکم که از اسهال که صفراوی باشد صفت آن
جو مقشر پیه کردهٔ بز شیاف ابیض زردهٔ تخم مرغ روغن کل سرخ
حقنه کنند مرهم کندر بجهة خشك کردن زخمها صفت آن کندر
اردجو توتیای قلم مساوی یکدیکر کوفته با عسل استعمال نمایند
مرهم ابیض کوشت جراحات برویاند وزخمها چاق سازد
صفت آن موم سفیداب سفیداب قلع کافور مرداسنك موم را
کداخته ادویه را داخل نموده خوب بمالند مرهم زنجار کوشت
فاسد از زخمها بخورد صفت آن اشق را در سرکه خوب
بخیسانند تا نرم شود زنجار را داخل نموده بکار برند مرهم
بجهت ورم پستان صفت آن موم سفید روغن بنفشه زردهٔ
تخم داخل نموده بکذارند اشنان زنجار روسبج شحم خنظل بورهٔ
ارمنی نوشادر زرنیخ اهك مساوی خمیر کرده با آب صابون
بکذارند ضماد طحال مقل ازرق مساوی با سرکه بمالند ضماد
قرحه ردیه حضض عسل برلسه بکذارند طلاء البیض پوست
ریشه کبر شیطرج خربق سیاه مساوی زنجار اجزا را کوفته

اطلیه

ضماد

طلاء

ذرور

شیاف

با سرکه خمیر کرده بمالند طلاء بجهة سکته خردل جندبید ستر
با سرکه سائیده بوسر طلاء نمایند طلای آمر صندل سرخ صبر شیاف
ماميسا فوفل صمغ توتیاک اقاقیا با آب تاجریزی وکشنیز تازه یا کاهو
وخیار بمالند اسهال الصفراوی ضماد او مورد سفل سرکه ضماد نمایند
ضماد بجهة قی بوک مورد کل سرخ پوست بیرون پسته با آب به
بکذارند بو شکم ضماد نقرس اسفرزه کل خطمی آرد جو سرکه روغن کل
ضماد بول الدم اقاقیا صبر حضض سرکه مساوی ضماد سرعت انزال
قسط سعد سنبل اقاقیا اشق مرزنجوش با روغنهای حاره چون
قسط یاس مرزنجوش طلا الخروج المقعد عدس مقشر پوست انار
جفط بلوط با درو کلنار مساوی با روغن کلسرخ آب مورد
بکذارند ذرور خروج مقعده سفیداب قلع کلنار مازو زاج سفید
سوخته با روغن موضع را چرب نموده بپاشند فتیله بجهت
حبس خون بواسیر کندر افیون زعفران مساوی مازو حضض
نصف بردارند فتیله قطع خون کردن بواسیر کندر کلنار مازو سرمه
سنک اقاقیا زاج مساوی شاف ساخته با آب تره بردارند
شاف قولنج بجهة تسکین وجع صفت آن افیون جندبیدستر
کوفته بردارند فتیله قولنج علا ادیاج بوره سقمونیا هر یک دو

شموم صداع

سعوط

نطول

غرغره

درم شحم حنظل پنج درم ونیم شکر سرخ پانزده درم وقد بضان
ملح الهندی فتیله ملین طبیعت صابون نمک نبوه کوماتی شحم حنظل
بوده مساوی با شکر شیاف سازند شموم سرسام حاد آب به
وسیب ومورد کلاب صندل سرکه کافور مخلوط نموده ببویند
شموم صداع جوز بوا شیخ مشک مرزنجوش بسباسه با آب شبت
ببویند شموم زکام بارد سیاه تخمه در سرکه پرورده کوفته در پارچه
بسته ببویند عطوس سده دماغ کندس صبر سیاه تخمه مخلوط کرده عطسه
آورند عطوس صرع عاقرقرحا خولنجان ببویند سعوط سکته آب صلاب
مرزنجوش سعوط سبات روغن نرکس روغن زنبق سعوط بجهة
بدبوئی انف جندبیدستر مشک نفوخ سکته کندش اشق خربق سفید
فلفل عاقرقرحا قطوری بجهة درد کوش کافور افیون با روغن
کل یا بادام تلخ قطوری بجهة پاک کردن کوش از چرک روغن بادام
کوهی و پوست انار نطول سرسام حار وسهر کل بنفشه کلسرخ تخم کاهو
پوست خشخاش بابونه خوب بخته نیکو بوسر بکذارند مجرب است
نطول صداع بارد کل بنفشه سوسن نا خونک بادرنجبویه سادج
هندی قرنفل نیلوفر همه مساوی بپخته بوسر نطول نمایند
غرغره ورم شدن زبان سرکه و نمک غرغره خناق حاد کلنار پوست انار دین

سکنجبین با سرکه تنها پخته غرغره نمایند غرغره بجهة صلابت ورم گلو
انجیر حلبه پخته قدری فلوس و شراب داخل نموده بکار برند
غرغره که نضج گلو دهد بزر کتان تخم توه نبات حلبه پخته غرغره کند
مضمضه جوشش دهان عدس گلنار برگ مورد کوکنار پخته بکار برند
ذروری بجهت قلاع سیاه گل سرخ سماق طباشیر بسباسه تخم خرفه
عدس مقشر صندل کشنیز خشک کافور کوفته بپاشند ذروری
بجهت قلاع سیاه گلنار و سماق پوست اناردین گل ارمنی کوفته بپاشند
لخلخه صداع حار سرکه گلاب کافور صندل لبن ابخیار آب کشنیز سبز
قی تریاک خورده تخم شبت تخم ترب جند بید ستر دارچینی فلفل
عاقرقرحا نمک نیکوم با آب پخته هرقدر که بتواند خورد و قی
فرموده نوبت تا قی آید انشاء الله شفا یابد تمام شد فصل اول از کتاب
مرکبات گلشن العلاج که مسمی به بستان الادویه است بعون الله
تعالی و تقدس بالخیر فصل دویم از کتاب مرکبات گلشن علاج که
مسمی به بستان ادویه است در ذکر ادویه مفرده و بیان امرجه
هر یک مشتمل بر هیجده باب باب اول از فصل دویم در ذکر بعضی
از ادویه مفرده که در اقسام اسهال مستعمل است و داخل
مشروب مثل قرص و سفوفها و معاجین مخصوصه به اسهال

غرغره

مضمضه

ذرور

لخلخه

قی تریاک خورده

ادویه مفرده منتخبه که بجهة اقسام اسهال ها مفید است

واشربه ان جما

واشربه ان می نماید مع بیان درجات امزجه و شربات هر یک
کندر گرم در درجه ثانی خشک در اول بجهة حبس خون و
اندمال جراحات در هر عضو که هست بسیار مبارک است و قدر شربت
ان نیم مثقال است کهربا سرد و خشک در درجه ثانی بجهت حبس
خون از هر موضع که بوده باشد قدر شربت آن نیم مثقال کافور
سرد و خشک در درجه ثالث و مرکب القوی و بجهت اسهال
صفراوی و حمیات حاده و التهاب قلب بسیار مبارک است و از جمله
ادویه شریفه است در حبس خون شربتی یک نخود تریاک
سرد و خشک در ثالث درجه در حبس خون اسهال وسل مسا
و دفع نزلات دماغی بدل ندارد قدر شربت ان نیم نخود اسفرزه
سرد و تر در درجه دویم بجهت حبس خون اسهال نافع خصوص
بو داده و لعاب او در ابتدای اقسام اسهال نظیر ندارد قدر
شربت آن دو مثقال تخم خطمی سرد و خشک بجهت خشونت
معده و امعا و حبس اسهال و خون نافع است قدر شربت ان
دو مثقال تخم تره گرم و خشک بجهة نفث الدم و زحیر بلغمی
مفید است قدر شربت او دو درهم تخم مرو گرم و تر باعتدال
نافع سحج و حبس خون و انواع اسهال و اوجاع رحم مفید است

قدر شربتش دو درهم است **تخم شبت** گرم وخشك در اول و
نافع تحلیل ریاح معده وامعاء و اسهال بلغمی شربتی دو درم است
بزر البنج سرد وخشك در آخر سیم نافع است از برای آمدن خون
ومواد نازله از جمله مخدرات ومنوم ومسکن اوجاع شربتا او
دو دانکست **صندل سفید** سرد وخشك در دویم اسهال صفراوی
والتهاب وحرارت انرا نافع **خرنوب** شامی ونبطی سرد وخشك
در دویم درجه اقسام اسهال معدی را مفید است **بار درخت کو**
سرد وخشك در اول سیم بجهة حبس خون واسهال ودندان ولثه
نافع است **تخم بارهنگ** سرد وخشك در اول حبس خون اسهال
وخشونت امعاء وسحج وپیچش شکم را نافع **تخم خرفه** سرد وتر
در دویم بوداده ان حبس خون اسهال میکند ودر اسهال
صفراوی وسوزش معده وامعاء والتهاب بسیار نافع است
غیر بوداده آن **تخم کلسرخ** سرد وخشك در دویم بجهت حبس
اسهال صفراوی وخون مفید **تخم حماض** سرد وخشك در ثانی
درجه بسیار قابض ومدر بول وحابس خون وقاطع اسهال
صفراوی شربت ان دو درهم تا نیم مثقال **تخم خشخاش** سرد در اول
وخشك در سیم درجه نافع حبس خون در هر عضوی ودوپایند

کوشت جراحات کهنه شربتی یك درهم **کل سرخ** مرکب القوی
بجهت سحج وحبس خون واسهال تازه آن شربتی چهار مثقال و خشك
دو مثقال **کلنار فارسی** سرد وخشك در اول بجهت حبس خون و
اسهال وجراحات کهنه شربتی نیم مثقال تا یکمثقال است **ناردان**
سرد وخشك در دویم بجهة حبس خون واسهال مفید وبدل
کلنار میتواند بود **پوست انار** سرد وخشك در اول ودر تمام
فواید چون کلنار است **تخم مورد** سرد وخشك ومرکب القوه
در حبس اسهال وخون دوائی مبارکست ومقوی فم معده
ودر اندمال قروح باطنه عجیب النفع شربتی تا دو مثقال است
لسان الحمل سرد وخشك در درجهٔ اول نافع است قروح امعاء
وخشونت واندمال قروح واسهال وکهنه را شربتی تا دو
مثقال است **نانخواه** گرم وخشك مفید است نشف رطوبات
معده وامعاء را در تحلیل ریاح آن واسهال بلغمی داده میشود
ومنع غثیان میکند ومقدار شربت ان تا دو مثقال **صمغ سایله**
گرم وخشك در درجه ثانی بجهة حبس خون ونزولات اسهال
دماغی وشربت از او تا دو مثقال **عصارهٔ لحیة التیس** سرد وخشك
در دویم حبس خون نماید از هر موضعی واز جملهٔ ادویهٔ مبارکست

در علاج سحج و قروح امعا شربت آن تا یک مثقال است اسارون
گرم و خشک اوجاع باطنه را مفید و رطوبات امعاء و معده را
نافع است شربت آن سه مثقال است بلوط سرد و خشک در
ثانی نافع است حبس اسهال و سحج امعا را شربتی تا چهار مثقال است
تخم کرفس گرم و خشک در سیم بجهة نشف رطوبات نافع است
اسهال بلغمی را و محلل ریاح معده و امعا و حبس و زحیر بلغمی را
مفید شربت آن یک مثقال تخم ریحان گرم و خشک در اول سحج امعا
و حبس خون اسهال را نافع است خصوص صفراوی را شربت
آن یک مثقال اقاقیا بارد در دویم یابس در سیم بجهة حبس
خون و اندمال جراحات آن و تقویت فم معده و در دو دانک از
او تا یک مثقال با زرده تخم مرغ سحج امعا را نافع است خون سیاوشان
سرد و خشک بجهة حبس خون از هر موضعی که باشد و اندمال
جراحات و تقویت فم معده و مقدار دو دانک از آن با زرده
تخم نیم برشت سحج امعا را نافع است دوقو تخم گزر صحرائی که
بر است حار یابس در سیم محلل ریاح مقوی معده و امعا مفید است
اسهال بلغمی را و رافع سحج اطفال شربت آن یکدرم طباشیر
بارد و یابس در سیم از جمله ادویه شریفه است نافع است

حبس اسهال صفراوی را و مسکن حرارت و التهابی که لازم آن است
و بجهت سحج امعا و آمدن خون از هر موضعی که بوده باشد شربت
از او تا نیم درهم است سماق سرد و خشک در دویم حابس خون
نافع سحج و اسهال صفراوی انیسون گرم و خشک در سیم محلل
ریاح رافع اسهال بلغمی و زحیر شربتی دو مثقال است شادنج عدسی
گرم و خشک و گویند که شسته آن سرد است با قبض و تجفیف
قوی نافع سحج و اندمال جراحات و حابس خون از هر موضعی
که باشد و انواع جرالدم گویند شربتی نیم مثقال شاه بلوط
سرد و خشک در اول حابس اسهال مزمن گل ارمنی سرد و
خشک از جمله ادویه شریفه است در حبس خون اسهال
و سحج امعاء و مانع فی جندبیدستر گرم و خشک در سیم از
جمله ادویه تریاقی محلل ریاح اسهال بلغمی را بغایت
نافع است و زحیر را سودمند است رافع مضرت تریاک
و سموم بارده صمغ عربی معتدل در حرارت و برودت
و از جمله ادویه شریفه در حبس اسهال و سحج و خون
و مناسب ریه است شربتی یک مثقال طرثیث سرد و
خشک در دویم نافع استرخاء معده و امعاء و آمدن

خون از هر موضعی و دافع اسهال و شربتی یک مثقال تخم کشنیز
خشک سرد و خشک در دویم مقوی معده و امعاست نافع اسهال
صفراوی و مسکن حرارت و صداع و مانع بالا رفتن ابخره شربتی
دو مثقال مازو بارد و یابس در ثانی دافع اسهال و بیخ خون
از هر موضعی بسیار قابض شربتی نیمثقال کنار سرد و خشک
در دویم قابض و مجفف قوت است مقوی معده دافع اسهال
معدی حابس خون خصوص بوداده شربتی نیم مثقال زیره کرمانی
گرم و خشک در سیم دافع اسهال و ریاح و خون و باید در
سرکه یکشبانه روز بخیسانند و بجوشانند و خشک کنند و
استعمال نمایند شربتی یکمثقال گل رومی سرد و خشک در اول
دافع اسهال و حابس خون بهدانه سرد و تر است و لعاب او در
ابتدای اسهال بسیار نافع است و خشونت امعاء و معده را
مفید شربتی دو مثقال دانه خطمی سرد و تر لعاب او در اوایل
تمام اقسام اسهال بسیار مبارک است تمام شد باب اول از
فصل دویم از کتاب مرکبات گلشن العلاج که مسمی به بستان
ادویه است بعون الله تعالی و تقدس بالخیر باب دویم
از فصل دویم در ذکر ادویه مفرده مفرحه قلب ابریشم آمله

اسارون اسطوخودوس آشنه بهمن سرخ و سفید بالنگو بادرنجبویه
بادروج پوست ترنج بیدمشک پوست پسته تفاح طلاء طباشیر
ترنجبین جوزبوا جدوار خوخه درنباد زعفران زرشک زرنب
درونج دارچینی سنبل الطیب سانج سعد کوفی سلیخه سوسن
سندروس شراب ریحانی عنبر عود عقیق غاریقون فادزهر
فوفل فرنجمشک فیروزه قاقله کبابه وصمغ کهربا گل سرخ گل مختوم
کشنیز خشک گاوزبان کبابه چینی کافور کندر گل ارمنی گلابی
کاسنی کشنیز تازه لیمو لاجورد لسان العصافیر مروارید مرجان
مشک میخک مصطکی مورد مومیائی نقره نارنج نسرین نعناع
نیلوفر نسترن یاقوت باب سیم در ذکر ادویه حاره در اول درجه

ادویه حاره در اول درجه

جائی خطائی افتیمون اسپند آشنه اسطوخودوس ابو مرده
بابونه ترنج پرسیاوشان بزرکتان برنج حمص حنظه گاوزبان

در اول گرم و تر

کلم لادن شاهتره دوقو ذطمت دنبه سبوس فندق باب
چهارم در ذکر ادویه حاره در دویم درجه ابنوس اذخر اظفار
الطیب ایرسا سیاه بوره ارمنی جعده حلبه یاسمین دبشه
والا فراسیون کندر تخم مرو سلیخه سوس ابو مرهکی صبر زرد
عنبر شب قاقله باب پنجم در ذکر ادویه حاره در درجه سیم

حب بلسان برنجاسف سیر بادیان فند راسن ابش قرنفل نبیج ارمنی
بونه قیوم فرنجشك ذبوء سیر قسط سیاه تخم هنکط شیح
مرزنجوش اقحوان مشك اسارون نمك ابهل فردمانا کراث
انیسون زرنباد افتیمون کرفس انجره دوقا دارفلفل حماماکون
زنجبیل کبر زعفران کبریت دهن بان فنجنکشت جندبیدستر
دارچینی بیاذحا شاذراوند اکبر ترکی جنطیانا درونج باب
ششم در ذکر ادویه حاره در درجه چهارم حرف بابلی کندش
سکبینج موبزج مامیران سداب بری فلفل خردل باب هفتم در
ذکر ادویه بارد در اول درجه اسفناج امله اجاص اسمد باقلی
دلب هلیله بلوط بلیله فلوس لسد بنفشه باب هشتم در
ذکر ادویه بارده در ثانی درجه کلنا داقاقیا زرشك کدو
سماق سفرجل اسفزره زردآلو بادهنك خون سیاوشان کل
سنج حماض کلابی باب نهم در ذکر ادویه بارد در سیم درجه
کشنیز تازه کاهو حماض اترج خرفه صندل کوج همیشه بهار
لحاما زوکافور باب دهم در ذکر ادویه بارد در چهارم درجه
تاتوله توباك بزرالبنج باب یازدهم در ذکر ادویه رطبه
در اول درجه اجاص اسفناج نخود کاو زبان مغاث هلو خیار چنبر

باب دوازدهم در ذکر ادویه رطبه در دویم درجه ترنجبین
خرفه تازه بنفشه تازه اسفرزه کدو سرمق همیشه بهار زردآلو
زوفای تازه باب سیزدهم در ذکر ادویه رطبه در سیم درجه
کاهو قبط باب چهاردهم در ذکر ادویه رطبه در درجه رابع
غیر موجود باب پانزدهم در ذکر ادویه یابس در اول درجه
دلبا ذخر فند قحلبه زعفران آشنه بابونه اسپند حبه الخضرا
پوسیاوشان باب شانزدهم در ذکر ادویه یابس در دویم درجه
مرمکی کماد ربوس جاشا سفرجل صندل کلنا وکندر حماض کمثری
برگ [illegible]
سوسن زنجبیل ورد غاریقون دارفلفل درونج جلوه بادرنجبویه
حب البان اسارون ایرسا سیاه هلیله خون سیاوشان جنطیانا
انجیره حب بلسان زرشك فنجنکشت اقحوان جاوشیر دهن
البان بوزه ادمنی اسمد ابنوس بوما دران لسد امله هلیله
زرد ترنج افسنتین دومی باب هفتدهم در ذکر ادویه یابس
در سیم درجه ابهل شوم شونیز اقاقیا داسن انیسون
قرنفل افتیمون بلوط جندبیدستر قیسوم دارچینی قسط
صبر زرد وج ترکی فردمانا صعتر زوفا خشك پودنه حاد و
فرنجشك سماق زرنباد حماما بادرنج کمون کوشت حاذما نغرا

سعد مشکطرامشیع کبریت مرزنجوش کبر نمک کرویا مشك
کوفی باب هیجدهم در ذکر ادویه بابس در درجهٔ رابع است
دواهای ان حدید کندش سکبینج موبنوج ماهیران سداب اظفل
خودل افیون بزر البنج فصل سیم از کتاب مرکبات کلش علاج
کرمسی ببستان الادویه است در ذکر ادویه مفرده که خواص
انها مخصوص هریك از اعضا میباشد واین مشتمل بر بیست و
سه باب باب اول از فصل سیم دربیان دواهای مفتح دیاح
انحوان توص شاهترج غاریقون اذخر ازیانه فنطوریون
افسنتین صعتر فردمانا اسطوخودوس عود الصلیب انیسون
حب البان جنطیانا افتیمون فراسیون کمون ابرسا سیاه
نانخواه مرمکی نمام کادریوس فوفنجنکشت جعده هلیون
دارچینی زعفران مرزنجوش کوفی کمافیطوس ذراوند حاما
کبابه کوسنه حاشا کشوث اسپند باب دویم دربیان
ادویه ملطف وقاطع اخلاط لزج است ابهل حماض ترنج
اسطوخودوس حل حب الرمان انحوان انجره بوره ادهنی جندبید
ستوخودل قرطم ثوم اذخر اذفاد الطیب دهن البان فنجنکشت
بابونه جعده دارچینی وج ترکی ذوفا قسط صعتر فردمانا

ادویه قاطع اخلاط لزج و غلیظ است

فودنج ذراوند حوف بابلی حاشا کمادریوس نمك فرفیون
اسپند مشکطرامشیع فوسیرا برسا سیاه سداب نانخواه سکبینج
عاقرقرحا سلیسا لیوس سداب بری باب سیم دربیان ادویه
که دهن رکها رامیکشاید قرنفل سعد کونی عاقرقرحا انحوان
اذخر شیرا انجیر غار باب چهارم دربیان ادویه که خواب آورد
وسرد اسنکین سازد بنفایج بزر البنج شوکران افیون حاما
تخم کاهو زعفران تخم مرو شاهسفرم اضطرك کوکنار خشخاش
سیاه باب پنجم دربیان ادویه که ورمها وصلابات وغده را
منفجر سازد وتحلیل فرماید نخاله کمادریوس حاشا ذراوند
وج ترکی اکلیل الملك کبر موقا دیقون دقلی جعده هزارچشان
جاوشیر اشق برسیاوشان اسفال بابونه انفحه بومادران
اذخر باقلا اساروان فنجنکشت انحوان بان باب ششم در
بیان ادویه که مدر بول وخون حیض وبواسیر است
ابهل اشنان بزر الخیره توص انحوان شونیز انیسون
رازیانه شقایق انجدان راسن حب بلبسان فنطوریون
بومادران صعتر فردمانا بابونه جوز بوا قسط دالناس
عرعر فوبر سیاوشان جندبید ستوخودس فراسیون تخم شقاقل

نادانیا جنطیانا نان خواه جاوشیر دارچینی جعده هلیون
سداب بستانی نمام میعه سعد سلیخه اذخا ساذج ناردین
مشکطرامشیع موکوفس حبة الخضراء مرزنجوش کاد بوس
حاشا کبر کبابه باب هفتم در بیان ادویه که طلای اهار آنک
رخسار صاف نماید و اثار را حلد زایل کند حماض ترنج
ابنوس اذرافین بخور مریم آب ترب آرد جو بوره پیاز تخم
خربوزه سقمونیا سکبینج تخم شاهی دارچینی ساذج سرطان
بحری سوخته وج سوسن زنجبیل نوشادر ماهیزه زراوند
زاج اسبند ارد نخود سلح الحیه زبد البحر مویزج صمغ مورادات
کلها بادام تلخ شحم شلغم بری مس ترمس ریوند خربق تخم
خطمی شیطرج سرکه باب هشتم در ادویه که سنگ مثانه و
گرده خورد کند و بیرون کند اسارون بوما دران صمغ الو
تخم خربوزه خشک بری بر سیاه [illegible] سیاه حجر الیهود
صمغ الکرم فوم سعد کوفتی سکبینج دازیانه بری باب نهم
در بیان ادویه قابض و مقوی و دافع ذحیر و اسهال و مانع
ریختن مواد است بر اعضا سنجد مورد اذخر قرن ایل اقاقیا
برگ الوا مله برنج بلوط جاورس لبد دلب باقلی ورد برو

حلنادخون سیاوشان کوج حضض طرفا برگ مو خشک تخم
حماض طرشت مصطکی کثیری طباشیر کهربا گل مختوم گل ارمنی
کندر کرویا ناردین تلخ اشق سفرجل سماق نشاسته مشک
ماذو داملج خرنوب باب دهم در بیان ادویه که سوختن آتش
و اب نافع طلاهای آن مورد سفید تخم حنا کافور کندر ملح
پیاز نرگس سوس سرکه ملوخیه سفال اب نخود ده گل ارمنی نشاسته
صندل باب یازدهم در بیان ادویه که بسیاری عرق را سود
مند و نافع رطوبات بد لشت اب برگ مو سک مورد
مرداسنگ بادروج بادکز بقلی اسبند آشته برگ درخت
الوصندل باب دوازدهم در بیان ادویه که جمیع سموم
مشروبه و جانوران ذوسم را نافع غاریقون قرن ایل آس
تخم ترنج حب الغار بزر البنج پودنه فو سعد افسنتین نانخواه
نمام مرزنجوش کا[illegible] انیسون حب بلسان ضخنکشت
کرنب حماما ذرنبا دباد روج نرار چیشان درونج بندق
جندبید ستر دارچینی شوم بصل جوز جنطیانا جلفوزه کمون
کرفس فادزهر بری فادزهر شاه مسعودی باب سیزدهم در
بیان ادویه که صلابات و اورام نرم کند اصطرک اشق زفت

ادویه سموم جانوران جمیعًا

ادویه محلل اورام و صلابات

ادویه منضج اورام ودنبل

ادویه مفرح ازن الغار

ادویه محلل ریاح ونفخ

زوفا اذفار الطیب صمغ کاج بزرکتان موم صمغ البطم مقل میعه
دهن خروع **باب چهاردهم در ذکر ادویه محلل اورام صلابات**
بابونه دهن خروع دهن جوز حرج مالی حاشا کشوثث ما کلادن
نمک سوخته مرزنجوش نانخواه نمام محلب سوسن پودنه
کافته کوکله خنک تومی قثاء الحمار قنه تاجریزی کل خطمی
دردی شراب حلبه آرد باقلا ارد نخود **باب پانزدهم دربیان**
ادویه که منضج است اصطرک اکلیل الملک زنق زفت ابوشا
دهن عوب زعفران حلما خرکندم صمغ البطم حزف بابلی کلم لادن
تخم مرو سیلم موم میعه خطمی ششبره تاجریزی **باب پانزدهم**
دربیان مفرح ومحرق ذلق اقفا زراج حرف زرنیخ لبن بنوعات
ذبل کبوتر آب آهک ساذج فرفیون صابون آب پودنه قسط
داش شیطرج موم زرادیح **باب هفدهم دربیان ادویه که**
قاتل اقسام کرم است افسنتین برنج کابلی جعده زوفا خنل حرف
کرویا حرمل بریکی نعناع دارو کله پودنه قیسوم فنیل شیح
شونیز آب برک شفتالو ترمس باداقاوج **باب هجدهم دربیان**
ادویه محلل ریاح ونفخ است انیسون افتیمون اسفند نخنکشت
بیبارسه جاوشیر تخم زردک بوی درونج دارفلفل زنجبیل

حماما زراوند

ادویه قاطع رعاف

حماما زراوند نانخواه کندر زرنباد تخم کرفس زیره سعد
فلفل سداب صعتر مرزماما نا سلسالیوس **باب نوزدهم دربیان**
ادویه که مقوی معده ومسکن غثیان است اذخر آشنه پوست
ترنج آمله هلیله بادرنجبویه جوز بوا دارچینی زرنباد حماما
حجر لیشب طباشیر کندر کو ویا مصطکی مرمکی مشکطرامشیع
ناردین نعناع میعه سلیخه ساذج سفرجل سماق شکی
صبر قرنفل قرفه قاقله پودنه زیره کرمانی پوست نارنج
باب بیستم دربیان ادویه که قاطع رعاف ونفث الدم
ونزف الدم اسمداس شاخ بزکوخته اقاقیا زرشک بلوط
لبد کلنار دخون سیاوشان تخم کل سنج حصض بادکرز طرا ثبث
کل ارمنی طلق کون کاه ربا کوبزه کافور کندر مصطکی
نعناع اشق نشاسته مس سوخته سفرجل جوز السرو مازو
تار عنکبوت قنطوریون **باب بیست ویکم دربیان ادویه**
که کوشت بد بخورد انزروت اشنان ملح دارسنک توبال
مس زنجار صدف سوخته زهاد کوشت خاد پشت اسفرزه
کوفته ابو مرده شله **باب بیست دویم دربیان ادویه که جرك**
از قروح پاك سازد ابهل جبلبان زفت طین مختوم آب



کامه ملح ابوساسیاه عسل صنع کاج باب بیست وسیم در بیان ادویه که قروح خشک سازد وچاق نماید کلنا راسید صنع الو انزروت اسفنج برک بلوط جعده خون سیاوشان زفت زراوند طین مختوم کمون بارهنک ابوساسیاه صبر زرد لحیة التیس من الله التوفیق وعلیه المستعان تمت الکتاب

بعون الملک المتعال علی ید
اقل عباد الله
۱۲۴۴

بتاریخ شب پنجشنبه دویم شهر رجب المرجب من شهور سنه

روزی که چرخ بر من مسکین جفا کند
در زیر خاک بند زنبلم سوا کند

یاد ینکاه داد تو ایمان انکسی
خطم ابر بیند به من دعا

[illegible]

